



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اخلاق زندگی (۳)

مجموعه متن‌های برنامه‌ای برای
گروه‌های خانوادگی و اجتماعی

محمدرضا پورفلاحی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق زندگی (۳) : مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی

نویسنده:

محمد رضا پورفلاحتی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	اخلاق زندگی (۳) : مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۳	پیشگفتار
۲۳	اشاره
۲۵	۱. نفس ملهمه
۲۶	۲. نفس اماره
۲۶	۳. نفس لوامه
۲۷	۴. نفس مطمئنه
۳۰	فصل اول: اخلاق فردی
۳۰	اشاره
۳۴	آداب تلاوت قرآن
۳۵	تقوا و پرهیزکاری
۳۷	تمسک به قرآن
۳۸	نمازگزاری
۳۹	حضور قلب در نماز
۴۰	ذکر الهی، عامل آرامش
۴۱	تهجد و شب‌زنده‌داری
۴۳	سحرخیزی
۴۳	اهمیت نماز
۴۵	آثار نماز
۴۶	دعا

۴۷	محبت و انس با خدا
۴۹	استغفار
۵۰	یاد مرگ
۵۱	خودانتقادی
۵۲	پاک سازی نیت‌ها
۵۳	تذکر و تفکر
۵۵	زهد (۱)
۵۶	زهد (۲)
۵۷	توکل (۱)
۵۹	توکل (۲)
۶۰	ادای تکالیف دینی
۶۱	شکر و سپاس‌گزاری
۶۳	محاسبه و مراقبت از نفس
۶۴	میان‌روی در اقتصاد
۶۵	میان‌روی در دنیاگرایی
۶۷	اعتدال در گفتار
۶۸	میان‌روی در عبادت
۶۹	میان‌روی در زندگی
۷۰	ترس از خدا و امید به او
۷۱	میان‌روی در انفاق
۷۳	میان‌روی در لباس پوشیدن
۷۴	میان‌روی در خوردن و آشامیدن
۷۵	تأمل در کارها
۷۶	امیدواری به خداوند
۷۷	رضا و تسلیم
۷۹	خداترسی

- ۸۰ اخلاص در عمل (۱)
- ۸۱ اخلاص در عمل (۲)
- ۸۲ شرم
- ۸۳ شرح صدر
- ۸۴ نفس ستیزی
- ۸۶ امید داشتن
- ۸۷ فرونشاندن خشم
- ۸۷ اشاره
- ۸۷ ۱. تفریط
- ۸۷ ۲. افراط
- ۸۸ آبرومندی
- ۸۹ پرهیز از خودبینی
- ۹۰ پرهیز از جاه‌طلبی
- ۹۱ ترک خودستایی
- ۹۳ تقویت اراده
- ۹۴ شجاعت
- ۹۵ سکوت
- ۹۷ ادب‌ورزی
- ۹۹ عزت‌مداری
- ۱۰۰ جوان مرد
- ۱۰۱ کنترل زبان
- ۱۰۲ صبر و شکیبایی
- ۱۰۳ مسئولیت‌گوش
- ۱۰۵ گناه‌گریزی
- ۱۰۶ خرسندی و بی‌نیازی
- ۱۰۸ سرعت در توبه و بازگشت

- ۱۰۹ اصرار بر گناه
- ۱۱۰ ترک آرزوهای دراز
- ۱۱۲ دوری از شکم پرستی
- ۱۱۳ کنترل خشم
- ۱۱۴ غفلت‌گریزی
- ۱۱۵ نظم و برنامه‌ریزی
- ۱۱۷ کار و تلاش
- ۱۱۸ عوامل کاهش یا افزایش روزی
- ۱۲۰ پرهیز از دروغ گویی
- ۱۲۱ انتظار فرج
- ۱۲۲ بهداشت جسم و جان
- ۱۲۴ صبر
- ۱۲۵ پرهیز از اسراف
- ۱۲۶ فروتنی در راه رفتن
- ۱۲۷ دوری از هوا پرستی
- ۱۲۹ شیطان‌گریزی
- ۱۳۱ فصل دوم: اخلاق اجتماعی
- ۱۳۱ اشاره
- ۱۳۳ حسن خلق
- ۱۳۵ برآوردن حاجت مؤمن
- ۱۳۷ صدقه
- ۱۳۸ قرض الحسنه
- ۱۴۱ میانه روی در شوخی
- ۱۴۲ میانه‌روی در دوستی و ستایش دیگران
- ۱۴۳ اعتدال در سرزنش و برخورد با دیگران
- ۱۴۴ دوری از دروغ (۱)

- ۱۴۵ پرهیز از دروغ گویی (۲)
- ۱۴۷ میانه‌روی در معاملات
- ۱۴۸ یتیم نوازی
- ۱۵۰ احسان به دیگران
- ۱۵۲ آداب دیدار بیمار
- ۱۵۳ دیدوبازدید
- ۱۵۴ نیکی به والدین
- ۱۵۵ برادری
- ۱۵۶ صلہ رحم
- ۱۵۷ غیرتمندی
- ۱۵۹ مدارا با دیگران
- ۱۵۹ اصلاح میان مردم
- ۱۶۱ فروتنی با مردم (۱)
- ۱۶۲ فروتنی (۲)
- ۱۶۳ امانت داری
- ۱۶۵ حقوق برادری
- ۱۶۶ پرهیز از سخن چینی
- ۱۶۸ پرهیز از کینه توزی
- ۱۶۹ تویی و تیزی
- ۱۷۰ دوری از تکبر
- ۱۷۱ عوامل تکبر
- ۱۷۲ ترک غیبت
- ۱۷۴ پرهیز از بدبینی (۱)
- ۱۷۵ بدگمانی (سوءظن) (۲)
- ۱۷۷ ریا و خودنمایی
- ۱۷۸ خیرخواهی و خدمت به بندگان

۱۷۹	خوش رویی
۱۸۱	پندپذیری
۱۸۲	رعایت حریم دیگران
۱۸۳	عفو و چشم‌پوشی
۱۸۴	وفای به عهد
۱۸۶	احسان و نوع دوستی
۱۸۷	پیشی گرفتن در سلام
۱۸۸	ادب
۱۹۰	مهرورزی و همدردی
۱۹۱	بهترین دوستان
۱۹۳	نیکی به والدین
۱۹۴	معاشرت نیکو
۱۹۵	کارگشایی
۱۹۶	خوش گمانی
۱۹۸	مهمان‌نوازی
۱۹۹	امر به معروف و نهی از منکر
۲۰۱	دوری از تعصب
۲۰۳	دوری از تهمت
۲۰۵	حفظ زبان
۲۰۹	کتاب نامه
۲۱۳	درباره مرکز

اخلاق زندگی (۳) : مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی

مشخصات کتاب

سرشناسه: پورفلاحتی، محمدرضا، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق زندگی (۳): مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی / محمدرضا پورفلاحتی؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما .

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری: ۱۶۶ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۵-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: ۳الف۹پ/۸/۲۴۷ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۷۲۱۲۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

اخلاق زندگی (۳) «مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی»

کد: ۱۴۵۰

نویسنده: محمدرضا پورفلاحتی

ویراستار: جعفر زهیری

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

www.irc.ir - Email: info@irc.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۵-۴ / ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۵-۴ ISBN:

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

فصل اول: اخلاق فردی ۸

آداب تلاوت قرآن ۸

تقوا و پرهیزکاری ۹

تمسک به قرآن ۱۱

نمازگزار ۱۲

حضور قلب در نماز ۱۳

ذکر الهی، عامل آرامش ۱۴

تهجد و شب زنده داری ۱۵

سحرخیزی ۱۷

اهمیت نماز ۱۷

آثار نماز ۱۹

دعا ۲۰

محبت و انس با خدا ۲۱

استغفار ۲۳

یاد مرگ ۲۴

خودانتقادی ۲۵

پاک سازی نیت ها ۲۶

تذکر و تفکر ۲۷

زهد (۱) ۲۹

زهد (۲) ۳۰

توکل (۱) ۳۱

توکل (۲) ۳۳

ادای تکالیف دینی ۳۴

شکر و سپاس گزاری ۳۵

محاسبه و مراقبت از نفس ۳۷

میانه روی در اقتصاد ۳۸

میانه روی در دنیاگرایی ۳۹

اعتدال در گفتار ۴۱

میانه روی در عبادت ۴۲

میانه روی در زندگی ۴۳

ترس از خدا و امید به او ۴۴

میانه روی در انفاق ۴۵

میانه روی در لباس پوشیدن ۴۷

میانه روی در خوردن و آشامیدن ۴۸

تأمل در کارها ۴۹

امیدواری به خداوند ۵۰

رضا و تسلیم ۵۱

خداترسی ۵۳

اخلاص در عمل (۱) ۵۴

اخلاص در عمل (۲) ۵۵

شرم ۵۶

شرح صدر ۵۷

نفس ستیزی ۵۸

امید داشتن ۶۰

فرو نشانیدن خشم ۶۱

۱. تفریط ۶۱

۲. افراط ۶۱

ص: ۵

آبرومندی ۶۲

پرهیز از خودبینی ۶۳

پرهیز از جاه طلبی ۶۴

ترک خودستایی ۶۵

تقویت اراده ۶۷

شجاعت ۶۸

سکوت ۶۹

ادب ورزی ۷۱

عزتمداری ۷۳

جوان مرد ۷۴

کنترل زبان ۷۵

صبر و شکیبایی ۷۶

مسئولیت گوش ۷۷

گناه گریزی ۷۹

خرسندی و بی نیازی ۸۰

سرعت در توبه و بازگشت ۸۲

اصرار بر گناه ۸۳

ترک آرزوهای دراز ۸۵

دوری از شکم پرستی ۸۶

کنترل خشم ۸۷

غفلت گریزی ۸۸

نظم و برنامه ریزی ۹۰

کار و تلاش ۹۱

عوامل کاهش یا افزایش روزی ۹۲

پرهیز از دروغ گویی ۹۴

انتظار فرج ۹۵

بهداشت جسم و جان ۹۷

صبر ۹۸

پرهیز از اسراف ۹۹

فروتنی در راه رفتن ۱۰۰

ص: ۶

دوری از هوا پرستی ۱۰۲

شیطان گریزی ۱۰۳

فصل دوم: اخلاق اجتماعی ۱۰۵

حسن خلق ۱۰۵

برآوردن حاجت مؤمن ۱۰۶

صدقه ۱۰۸

قرض الحسنه ۱۰۹

میانه روی در شوخی ۱۱۲

میانه روی در دوستی و ستایش دیگران ۱۱۳

اعتدال در سرزنش و برخورد با دیگران ۱۱۴

دوری از دروغ (۱) ۱۱۵

پرهیز از دروغ گویی (۲) ۱۱۶

میانه روی در معاملات ۱۱۸

یتیم نوازی ۱۱۹

احسان به دیگران ۱۲۱

آداب دیدار بیمار ۱۲۳

دیدوبازدید ۱۲۴

نیکی به والدین ۱۲۵

برادری ۱۲۶

صله رحم ۱۲۷

غیرتمندی ۱۲۹

مدارا با دیگران ۱۳۰

اصلاح میان مردم ۱۳۱

فروتنی با مردم (۱) ۱۳۲

فروتنی (۲) ۱۳۳

امانت داری ۱۳۵

حقوق برادری ۱۳۶

پرهیز از سخن چینی ۱۳۷

پرهیز از کینه توزی ۱۳۹

ص: ۷

تولی و تبری ۱۴۰

دوری از تکبر ۱۴۱

عوامل تکبر ۱۴۳

ترک غیبت ۱۴۴

پرهیز از بدبینی (۱) ۱۴۵

بدگمانی (سوءظن) (۲) ۱۴۶

ریا و خودنمایی ۱۴۸

خیرخواهی و خدمت به بندگان ۱۴۹

خوش رویی ۱۵۰

پندپذیری ۱۵۲

رعایت حریم دیگران ۱۵۳

عفو و چشم پوشی ۱۵۴

وفای به عهد ۱۵۶

احسان و نوع دوستی ۱۵۷

پیشی گرفتن در سلام ۱۵۸

ادب ۱۶۰

مهرورزی و همدردی ۱۶۱

بهترین دوستان ۱۶۲

نیکي به والدین ۱۶۴

معاشرت نیکو ۱۶۵

کار گشایی ۱۶۶

خوش گمانی ۱۶۸

مهمان نوازی ۱۶۹

امر به معروف و نهی از منکر ۱۷۱

دوری از تعصب ۱۷۲

دوری از تهمت ۱۷۴

حفظ زبان ۱۷۶

کتاب نامه ۱۸۰

پیشگفتار

اشاره

پیشگفتار

بدون شک همه خواهان نیک‌بختی و سعادتند و برای رسیدن به این هدف، راهی جز تهذیب نفس نیست، چنان‌که انبیا و اولیا(ع) خود، در این مسیر حرکت کرده و حقیقت‌جویان را نیز به این راه دعوت کرده‌اند. امام علی(ع) چه زیبا می‌فرماید:

لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَتَّبِعُنَا أَن نَطْلُبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا تَدُلُّ عَلَي سَبِيلِ النَّجَاحِ. (۱)

بر فرض که امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشتیم، باز شایسته بود که در پی کسب مکارم اخلاق باشیم؛ زیرا خوش‌بختی را از این راه می‌توان به‌دست آورد.

تزکیه و پرورش نفس بسیار ضروری است. امام علی(ع) در حدیث دیگری جان آدمی را به کشتزاری تشبیه می‌کند که اگر آب زلال فضل و ادب آن را سیراب نکنند، سرسبزی و شادابی خود را از دست می‌دهد و حاصلی نخواهد داد، آنجا که فرمود:

إِنَّ بَدْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ. (۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۲۴.

انسان به شدت به تربیت و اصلاح خویش نیازمند است، همان گونه که کشتزار، تشنه آب باران است.

برای کسب فضایل اخلاقی، نخست شناخت فضایل و رذایل و آگاهی از شخصیت و جایگاه واقعی انسان ضرورت دارد. سپس باید برای مبارزه با نفس اماره کوشید تا امیال انسانی با هدایت های الهی هماهنگ شود که در غیر این صورت، انسان در چاه غفلت و گمراهی خواهد افتاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَا تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْ إِلَهٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ هَوَى مُتَّبِعٍ. (۱)

در زیر آسمان هیچ بتی نزد خدا بزرگ تر از هوا و هوس وجود ندارد که از آن پیروی کنند.

موضوع تهذیب نفس و پاک سازی وجود از صفات ناپسند برای انسان امری جذاب است؛ زیرا هماهنگی مباحث اخلاقی با فطرت انسان سبب می شود وی از درک آنها لذت برد و بی درنگ قهرمانان میدان مبارزه با نفس را بستاید. در مقابل، اگر انسان به خلق و خوی ناپسندی عادت کند، رهایی از آن جز با تلاش پیگیر ممکن نیست. شخص راحت طلب راه سعادت را به خوبی می شناسد، ولی حاضر نمی شود مشکلات این راه را تحمل کند، درحالی که اخلاق به عنوان یکی از علوم کاربردی، در به کارگیری ارزش می یابد و اگر آموختن آن بدون استفاده در میدان عمل، زیانی نداشته باشد، سودی نیز نخواهد داشت.

راه کسب اخلاق نیکو و گام نهادن در وادی تهذیب این است که انسان خود را به کارهایی وادار کند که نتیجه آن نیکو شدن اخلاق است. علم اخلاق، راه رسیدن به سعادت و کمال حقیقی را می نمایاند و از مهم ترین سرمایه های تکامل مادی و معنوی انسان است، به گونه ای که علمای اخلاق معتقدند صفات حمیده و خلق و خوی پسندیده، موجب وظیفه شناسی و توازن زندگی انسان است.

جوامع بشری در پرتو اخلاق نیکو می توانند پیوندهای محکمی را بین خود برقرار کنند و خود را به فضایل اخلاقی آراسته و از رذایل پیراسته سازند. بی تردید پرورش اخلاق اسلامی و آمادگی برای مبارزه با نفس اماره بسیار دشوار است. باید دانست قرآن کریم انسان را صاحب چهار نوع نفس می داند: ۱. نفس ملهمه یا الهام کننده؛ ۲. نفس اماره؛ ۳. نفس لوامه و ۴. نفس مطمئنه که به توضیح درباره هر یک می پردازیم.

۱. نفس ملهمه

۱. نفس ملهمه

نفسی است که خداوند متعال در آیات هفتم تا دهم سوره شمس درباره آن می فرماید: «سوگند به جان و تن انسان که او را بی کژی و کاستی آفریدم.» خداوند به انسان فضایل و خوبی ها و رذایل و بدی ها را الهام می کند و وجدان و فطرت انسان، خوب و نیکویی و بد و زشتی را تشخیص می دهد. هر کس خوبی را برگزیند و به آن عمل کند، رستگار و سعادتمند می شود و هر که جانب بدی را بگیرد و به آن عمل کند، زیان کار و بدبخت می گردد.

بنا بر این آیات، انسان براساس هدایت تکوینی پایه های فضایل و رذایل اخلاقی را تشخیص می دهد، به گونه ای که از روی فطرت، وفای به عهد و ادای امانت را می ستاید و راستی، دوستی، شجاعت و عدالت را تحسین می کند. در مقابل، عهدشکنی، خیانت، دروغ گویی، پستی، ستم و بی عدالتی را به طور فطری ناپسند می شمارد.

۲. نفس اماره

۲. نفس اماره

نفسی است که انسان را به گناه و پلیدی دعوت می کند، چنان که خداوند از زبان حضرت یوسف (ع) می فرماید:

بار الها! من نمی توانم نفس خود را از گرداب گناه حفظ کنم؛ زیرا نفس اماره مرا به گناه می خواند، مگر آنکه تو بر من رحم کنی و از شر نفس اماره نگاهم داری. (یوسف: ۵۳)

از این رو، به فرموده خداوند در قرآن کریم، کسی که بی قید و شرط از نفس اماره و امیال و هواهای نفسانی خود پیروی کند و نفس اماره را معبود خود بداند، خداوند نیز به او هیچ کمکی نمی کند و او را به خودش وامی گذارد تا در چنگال نفس اماره نابود شود و در گرداب گناه، چشم و گوش بسته غرق شود و به هلاکت برسد. (۱)

۳. نفس لوامه

۳. نفس لوامه

خداوند در قرآن کریم به نفس لوامه سوگند یاد می کند و می فرماید: «سوگند به روز قیامت و سوگند به نفس سرزنشگر!» (قیامت: ۱ و ۲) سایه لطف پروردگار بر سر بندگانش همیشگی است، به گونه ای که با تعبیه نفس لوامه، انسان خطاکار و پیرو نفس اماره را به محاکمه ای درونی می کشاند و همین محاکمه وجدانی است که انسان خطاکار را به توبه فرامی خواند و از منجلاب پستی و پلیدی رهایی می بخشد و هم اوست که ابتدای سوره قیامت به مقام این نفس سوگند می خورد.

۴. نفس مطمئنه

۴. نفس مطمئنه

نفس مطمئنه، بالاترین مقامی است که خداوند به بندگان مخلص خویش عطا می کند، چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

ای کسانی که به مقام نفس مطمئنه رسیدید، به قرب پروردگارتان (که اوج کمال انسانیت است) برگردید، درحالی که هم شما از پروردگارتان خشنودید و هم پروردگارتان از شما خشنود است. پس در زمره بندگان خالص من در بهشت جاویدان باشید! (فجر: ۲۷)

بدون شک دست یابی به این مقام رفیع، بدون موفقیت در آزمایش های گوناگون پروردگار و مبارزه حقیقی با امیال شهوانی میسر نخواهد بود. تهذیب و مراقبت همیشگی نفس، از مهم ترین عوامل نیل به نفس مطمئنه است؛ چراکه انسان در حال مراقبت، همواره خداوند را ناظر کارهای خویش می داند و بی تردید چنین کسی هیچ گاه خود را به پلیدی گناه نخواهد آلود. خداوند در آیه ۴۰ سوره زیبای نازعات چنین می فرماید: «أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَبِإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ». این حالت برای انسان ایجاد نمی شود، مگر آنکه همیشه دل و جانش به یاد حق و زبانش تسبیح گوی خدا باشد که: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (رعد: ۲۸) و خداوند به این افراد باایمان، آرامش و وقار می بخشد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ». (فتح: ۴) این افراد باایمان در همه حال، چه ایستاده و چه نشسته و چه هنگام استراحت، به یاد محبوبشان هستند و لحظه ای او را از یاد نمی برند و همواره با اندیشه ای ژرف به عظمت و نظام آفرینش زمین و آسمان می نگرند: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ». (آل عمران: ۱۹۱) این مؤمنان، همواره غرق در یاد خدا هستند، حتی در کارهای مادی و روابط و دادوستدها: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ». (نور: ۳۷) و محبت آنها

به پروردگار سراسر وجودشان را فرا گرفته است: «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ». (بقره: ۱۶۵) در این صورت است که به گروه بندگان مخلص خدا درمی آیند و در یک محیط ملکوتی به سر می برند و با آرامش درونی، دیگر هیچ هراس و اندوهی ندارند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (یونس: ۶۲)

نفس مطمئنه، این گونه به سیر الهی خویش ادامه می دهد و به سعادت و کمال واقعی خود می رسد و به تمام مخلوقات عشق می ورزد؛ زیرا همه آنها را آفریده خدا می داند. بنابراین، چنین انسانی در یک مصونیت و تقوای الهی به سر می برد و مالک نفس خود می شود، همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ. (اعراف: ۲۰۱)

کسانی که ایمان و تقوا دارند، اگر شیطان به سوی آنها رو آورد و بخواهد آنان را به گناه وادارد، خدا را حاضر و ناظر می دانند، به یاد خدا می افتند و خود را از ارتکاب گناه دور می دارند.

خداوند محبت کسی را که از گناه می پرهیزد و در کسب فضایل اخلاقی می کوشد، در قلب دیگران می اندازد و او را محبوب می سازد، چنان که در قرآن می خوانیم:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. (مریم: ۹۶)

هرکس به خدا ایمان آورد و به عمل صالح و فضایل اخلاقی آراسته باشد، به زودی محبت او را در دل دیگران می اندازیم، تا در جامعه محبوبیت و بزرگی و عظمت پیدا کند.

این گونه افراد بنا بر آیات قرآن عزت و شرافت می یابند: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت (و شرافت و آبروی حقیقی) فقط برای خدا و مؤمنان است». (منافقین: ۸)

بی شک، فضایل اخلاقی و خلق نیکو، تنها عامل سعادت بشر و یگانه مرکب رهوار او برای رسیدن به اوج تکامل انسانی است، چنان که خداوند در قرآن مجید می فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (نحل: ۹۷)

هر کس از مرد و زن به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، به او زندگی لذت بخشی در دنیا عطا می شود و روز قیامت به نعمت های بی پایان الهی می رسد.

مباحث این پژوهش در دو فصل اخلاق فردی و اجتماعی سامان یافته است و برای برخی از موضوع ها دو متن تنظیم شده است.

فصل اول: اخلاق فردی

اشاره

فصل اول: اخلاق فردی

زیر فصل ها

آداب تلاوت قرآن

تقوا و پرهیزکاری

تمسک به قرآن

نمازگزاری

حضور قلب در نماز

ذکر الهی، عامل آرامش

تهجد و شب‌زنده‌داری

سحرخیزی

اهمیت نماز

آثار نماز

دعا

محبت و انس با خدا

استغفار

یاد مرگ

خودانتقادی

پاک سازی نیت‌ها

تذکر و تفکر

زهد (۱)

زهد (۲)

توکل (۱)

توکل (۲)

ادای تکالیف دینی

شکر و سپاس‌گزاری

محاسبه و مراقبت از نفس

میان‌ه روی در اقتصاد

میان‌ه روی در دنیاگرایی

اعتدال در گفتار

میان‌ه روی در عبادت

میان‌ه روی در زندگی

ترس از خدا و امید به او

میان‌ه روی در انفاق

میان‌ه روی در لباس پوشیدن

میان‌ه روی در خوردن و آشامیدن

تأمل در کارها

امیدواری به خداوند

رضا و تسلیم

خدا ترسی

اخلاص در عمل (۱)

اخلاص در عمل (۲)

شرم

شرح صدر

نفس ستیزی

امید داشتن

فرو نشانیدن خشم

آبرومندی

پرهیز از خود بینی

پرهیز از جاه طلبی

ترک خود ستایی

تقویت اراده

شجاعت

سکوت

ادب ورزی

عزت مداری

جوان مرد

کنترل زبان

صبر و شکیبایی

مسئولیت گوش

گناه گریزی

خرسندی و بی نیازی

سرعت در توبه و بازگشت

اصرار بر گناه

ترک آرزوهای دراز

دوری از شکم پرستی

کنترل خشم

غفلت گریزی

نظم و برنامه ریزی

کار و تلاش

عوامل کاهش یا افزایش روزی

پرهیز از دروغ گویی

انتظار فرج

بهداشت جسم و جان

صبر

پرهیز از اسراف

فروتنی در راه رفتن

دوری از هوا پرستی

آداب تلاوت قرآن

آداب تلاوت قرآن

اهمیت برنامه‌ریزی در زندگی، بر هیچ کس پوشیده نیست، به ویژه برنامه‌ریزی در بهره‌گیری از کتاب بزرگی چون قرآن. قبل از هر چیز باید دانست قرآن را کسی جز پاکان، نمی‌تواند لمس کند. این تعبیر ممکن است به طهارت ظاهری اشاره داشته باشد؛ بدین معنا که برای لمس خطوط قرآن باید با وضو بود و هم به این نکته اشاره کند که درک مفاهیم درونی قرآن تنها برای کسانی ممکن است که از رذایل اخلاقی پاک باشند تا صفات ناپسندی که دیده حقیقت‌بین انسان را می‌پوشاند، آنها را از دیدن جمال حق محروم نکند. امام رضا(ع) در مورد تماس ظاهری بدن با قرآن می‌فرماید:

الْمُصْحَفُ لَا تَمَسُّهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ وَلَا جُبْنًا وَلَا تَمَسَّ خِطَّةً وَلَا تُعَلِّقُهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. (۱)

قرآن را بدون وضو و در حال جنابت لمس نکن و در این حال دست بر خط آن مگذار و آن را حمایل نکن؛ چراکه خداوند متعال فرموده: «جز پاکان آن را لمس نمی‌کنند».

افزون بر داشتن وضو، هنگام تلاوت قرآن باید از شیطان رجیم به خدا پناه برد، چنان که در قرآن می خوانیم: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.» (نحل: ۹۸) همچنین قرآن را باید به صورت ترتیل تلاوت کرد؛ یعنی آرام و با تفکر؛ «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا.» (مزمّل: ۴) ابن عباس می گوید:

از پیامبر پرسیدم: ترتیل چیست؟ حضرت فرمود: حروف و کلمات آن را به طور کامل و روشن ادا کنی؛ نه مانند خرماي خشکیده (یا ذرات شن) آن را پراکنده کنی و نه چون شعر آن را با سرعت پشت سر هم بخوانی، به هنگام برخورد با عجایب قرآن توقف کنی و بیندیشی و دل ها را با آن تکان دهی و هرگز همت تو این نباشد که به سرعت سوره را به پایان رسانی. (۱)

(بلکه مهم اندیشه، تدبر و بهره گیری از قرآن است).

افزون بر اینها، تفکر و تدبر در آیات الهی نیز لازم است، چنان که خدا در قرآن می فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ؛ آیا آنها در قرآن نمی اندیشند.» (نساء: ۸۲)

تقوا و پرهیزکاری

تقوا و پرهیزکاری

تقوا از ماده وقایه، به معنای کوشش در نگهداری چیزی است. مقصود از تقوای الهی، حفظ روح و جان از هر نوع آلودگی و متمرکز کردن تمام نیروها در اموری است که رضای خدا در آن است. خداوند در قرآن مجید تقوا را مقابل فجور دانسته و فرموده است: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ پس راه فجور و تقوا را به او نشان داد» (شمس: ۸) و آن را سرچشمه هر عملی برشمرده است که از روح اخلاص و ایمان و نیت پاک سرچشمه گرفته باشد.

تقوا در حقیقت احساس مسئولیت و تعهدی است که به دنبال نفوذ ایمان در قلب، بر انسان حاکم می شود و این تقواست که او را از گناهان باز می دارد، به نیکی و پاکی و عدالت دعوت می کند و اعمال انسان را خالص می گرداند و نیت او را از آلودگی ها می زداید. خداوند درباره تقوای یاران رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا . (حجرات: ۳)

[آنها که صدای خود را در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله پایین می آورند و رعایت ادب می کنند،] کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای پذیرش تقوا آزموده است.

البته ممارست بر اطاعت، پرهیز از گناه و توجه به برنامه های اخلاقی، ریشه تقوا را محکم می کند و نتیجه آن، تلالؤ نور یقین و ایمان شهودی در جان انسان است. هر قدر نور تقوا افزون تر گردد، نور ایمان نیز افزون تر خواهد شد. در روایات اسلامی تقوا یک درجه بالاتر از ایمان و یک درجه پایین تر از یقین شمرده شده است. امام علی بن موسی الرضا(ع) می فرماید:

الْإِيمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ وَ مَا قُسِمَ فِي النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ. (۱)

ایمان یک درجه برتر از اسلام است و تقوا درجه ای است بالاتر از ایمان و یقین درجه ای برتر از تقواست و هیچ چیز در میان مردم کمتر از یقین تقسیم نشده است.

تمسک به قرآن

تمسک به قرآن

قرآن برای طالبان مبارزه با نفس و سالکان قرب پروردگار، نسخه ای شفابخش است. در آیه ۵۷ سوره یونس می‌خوانیم: «قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَّوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ؛ اندرز و شفادهنده دل‌ها از سوی پروردگارتان نازل شد.» در آیه ۴۴ سوره فصلت نیز آمده: «قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ؛ به این لجوجان تیره‌دل بگو این قرآن برای مؤمنان مایه هدایت و شفاست.» امام علی (ع) نیز در سخنی جامع از این حقیقت چنین یاد می‌کند:

فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ اكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيُّ وَ الضَّلَالُ. (۱)

از این کتاب بزرگ آسمانی برای بیماری‌های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بطلبید؛ چراکه این کتاب درمان بزرگ‌ترین دردهاست؛ دردهایی چون کفر و نفاق و گمراهی.

حضرت در سخنی دیگر در نهج البلاغه، قرآن را به آب حیات تشبیه کرده و فرموده است:

کتاب خدا را محکم بگیرید؛ زیرا رشته ای است بسیار محکم و نوری است آشکار. دارویی است شفابخش و پر برکت و آب حیاتی است که عطش تشنگان حق را فرو می‌نشانند. هر کس به آن تمسک جوید، او را حفظ می‌کند و آن که به دامنش چنگ زند، نجاتش می‌بخشد. انحراف در آن راه ندارد تا نیاز به راست نمودن داشته باشد و هرگز خطا نمی‌کند تا از خوانندگانش پوزش بطلبد، تکرارش موجب کهنگی یا ناراحتی گوش نمی‌گردد و آن که با قرآن سخن بگوید، راست می‌گوید و آن که به آن عمل کند، گوی سبقت را از همگان می‌رباید. (۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

نمازگزاری

نمازگزاری

نماز، انسان را به یاد مبدأ و معاد می اندازد. از این رو، اثر بازدارندگی از فحشا و منکر دارد، چنان که در آیه‌ای از قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ همانا نماز، انسان را از زشتی‌ها و منکرات بازمی‌دارد.» (عنکبوت: ۴۵) انسانی که برای نماز می‌ایستد و تکبیر می‌گوید؛ یعنی خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌داند، به یاد نعمت‌های اوست، حمد و سپاس او را می‌گوید، او را به رحمانیت و مهربانی می‌ستاید، به یاد روز جزای اوست، به ربوبیت او اقرار می‌کند، از او یاری می‌جوید، «صراط مستقیم» از او می‌خواهد و از راه کسانی که بر آنها غضب شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد. بی‌شک در قلب و روح چنین انسانی گرایش به حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود. هنگامی که وی غرق در زندگی مادی شده است، با شنیدن صدای مؤذن، برنامه خود را قطع می‌کند و به درگاه پروردگار می‌شتابد. در پایان روز و آغاز شب نیز دل را مرکز راز و نیاز با خدای سبحان می‌کند. ممکن نیست کسی نماز بخواند و این نماز در او هیچ‌گونه اثری نکند. بدیهی است نهی از فحشا و منکر مراتب زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط، بعضی از این درجه‌ها را دارد. آری یاد خدا مایه حیات و آرامش دل هاست و هیچ‌چیز به پای آن نمی‌رسد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که یاد خدا مایه اطمینان دل هاست.» (رعد: ۲۸) در آیه ۱۴ سوره طه نیز خداوند به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِئَلَّا تُكْرِمَ؛ نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی.» با نماز، موجی از دریای معنویت و یاد خدا در انسان به پا می‌شود، موجی که می‌تواند سد نیرومند نفس را در هم بکوبد.

حضور قلب در نماز

حضور قلب در نماز

آیات قرآن مجید فقط خواندن نماز را نشانه مؤمنان نمی‌شمارد، بلکه خشوع در نماز را نیز از ویژگی‌های آنان می‌داند، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ.» (مؤمنون: ۲) در حقیقت، این آیه دربردارنده این معناست که نماز انسان‌های مؤمن الفاظ و حرکاتی بی‌روح و معنا نیست، بلکه هنگام نماز حالتی از توجه به پروردگار در آنها پیدا می‌شود که از غیر او جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند و چنان غرق تفکر و راز و نیاز با پروردگار می‌شوند که تمام ذرات وجودشان اثر می‌پذیرد. در این حالت، خود را ذره‌ای در برابر وجودی بی‌پایان و قطره‌ای در برابر اقیانوسی بی‌کران می‌بینند. لحظه‌لحظه این نماز، برای آنان درس خودسازی و تربیت انسانی است و نماز در نظر ایشان، وسیله‌ای برای تهذیب روح و جان است.

پیشوایان بزرگ اسلام چنان خشوعی در نماز داشتند که با دنیای خاکی بیگانه می‌شدند و بسیار عارفانه به نماز می‌ایستادند. خشوع در حقیقت، حضور قلب آمیخته با تواضع و ادب و احترام است. برای رسیدن به خشوع در نماز و دیگر عبادت‌ها، باید معرفت انسان اصلاح شود؛ معرفتی که دنیا را در نظر انسان کوچک و خدا را در نظر وی بزرگ کند و هیچ کار دنیایی نتواند هنگام راز و نیاز با معبود، نظر او را به خود جلب و از یاد خدا منصرف سازد. توجه به کارهای متعدد، مانع تمرکز حواس است و هر قدر انسان از پراکندگی خاطر خویش بکاهد، به همان میزان به ایجاد حضور قلب در عبادت‌های خود کمک کرده است. پرهیز از گناه نیز عامل مهمی در ایجاد حضور قلب است؛ چون

گناه، قلب آدمی را از خدا دور می سازد. عامل مهم دیگر در تقویت حضور قلب، آشنایی با معنای نماز و فلسفه افعال و اذکار آن است. از دیگر عوامل دست یابی به حضور قلب، مراقبت، تمرین و پیگیری است. نخست انسان در نماز، لحظه ای کوتاه قدرت تمرکز می یابد، اما با ادامه دادن این کار چنان قدرتی پیدا می کند که می تواند هنگام نماز، دریچه های فکر خود را به غیر معبود ببندد.

ذکر الهی، عامل آرامش

ذکر الهی، عامل آرامش

ذکر، به معنای یادآوری خداوند به قلب و زبان است. البته منظور از ذکر که مایه آرامش دل هاست، تنها این نیست که نام خدا را بر زبان آوریم و پیوسته تسبیح و تهلیل و تکبیر بگوئیم، بلکه منظور آن است که تمام قلب متوجه او و عظمت و آگاهی و حضورش باشد. این توجه به مبدأ باعث حرکت او به سوی خیر و خوبی ها می شود.

همواره اضطراب یکی از بزرگ ترین مشکل های زندگی انسان بوده و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی وی محسوس است. یاد خدا تنها عامل آرام بخش دل هاست. گاهی دلیل اضطراب و نگرانی انسان، آینده تاریک و مبهم اوست که ایمان به خداوند قادر متعال، آن که کفالت بندگان را برعهده دارد، می تواند این نگرانی ها را از بین ببرد و به انسان آرامش دهد. گاهی گذشته تاریک آدمی و نگرانی از گناهی که انجام داده است، عامل اضطراب و نگرانی اوست. در چنین مواردی نیز توجه به اینکه خداوند توبه پذیر و رحیم و غفور است، به انسان آرامش می دهد. گاهی نیز ریشه نگرانی های آزاردهنده انسان، احساس پوچی در زندگی و بی هدف انگاشتن آفرینش است، ولی آن که به خدا ایمان دارد و

مسیر تکاملی زندگی را به عنوان یک هدف بزرگ پذیرفته است، نه در زندگی احساس پوچی می کند و نه چون افراد بی هدف و مردد، سرگردان و مضطرب است. گاهی از انسان برای تلاش بسیارش قدردانی نمی شود و این ناسپاسی او را بسیار رنج می دهد، اما هنگامی که احساس کند کسی از تمام تلاش ها و کوشش هایش آگاه است و آنها را ارج می نهد، همه نگرانی هایش از بین می رود. ترس از مرگ نیز عامل وحشت است. اگر در پرتو جهان بینی الهی، مرگ را دریچه ای به جهانی بزرگ تر ببینیم، ترس و نگرانی معنا نخواهد داشت؛ چون «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (رعد: ۲۸)

تهجد و شب زنده داری

تهجد و شب زنده داری

نماز شب از عبادت های خاص اولیای خدا و از برنامه های سازنده اسلام است که انسان را به وادی حقایق نزدیک تر می سازد. بندگان خاص خدا کسانی هستند که نیمه های شب از بستر نرم و گرم خود جدا می شوند و در سجاده ای سرشار از معنویت، به نجوای شیرین با پروردگار می پردازند. بیداردلان خداجو، هرگز این فرصت گران بها را از دست نمی دهند و با سوز دل و اشک چشم و دست نیاز، زمینه حل بسیاری از مشکلات و مستجاب شدن حاجت ها را فراهم می آورند. رسول گرامی اسلام می فرماید:

الرَّكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. (۱)

دو رکعت نماز در دل شب، نزد من از دنیا و آنچه در آن است، محبوب تر است.

امام صادق (ع) نیز در روایتی می فرماید:

أَمْوَالٌ وَابْنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَثَمَانُ رَكَعَاتٍ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ وَالْوَتْرُ زِينَةُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ (۱).

ثروت و فرزندان، زیور زندگی دنیا و هشت رکعت نماز در آخر شب و یک رکعت نماز «وتر» زیور آخرتند که گاهی خدا همه آن زیورها را برای عده‌ای جمع می‌کند.

خواندن نماز شب آثار ظاهری و معنوی نیز به همراه دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَتُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَتُطَيِّبُ الرِّيحَ وَتُدِرُّ الرِّزْقَ وَتَقْضِي الدَّيْنَ وَتَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَتَجْلُو الْبَصَرَ. (۲)

نماز شب انسان را خوش‌سیما و خوش‌اخلاق و خوش‌بو می‌کند و روزی را زیاد و قرض را ادا می‌کند و غم را می‌برد و دید انسان را جلا می‌بخشد.

امیرمؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید:

قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَهُ لِلْبَدَنِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ وَ تَعْرِضُ لِلرَّحْمَةِ وَ تَمْسُكُ بِأَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ. (۳)

بیداری شب موجب سلامت بدن و خشنودی پروردگار بزرگ و قرار گرفتن در معرض رحمت و لطف خدا و چنگ زدن به اخلاق پیامبران است.

رسول گرامی اسلام نیز چه زیبا فرمود: «صِيَاةُ اللَّيْلِ سِرَاجٌ لِصَاحِبِهَا فِي ظُلْمَةِ الْقَبْرِ؛ نَمَازُ شَبِّ، دَر تَارِيكِي قَبْرِ بَرَاي صَاحِبِش چَرَاغِ اسْت.» (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۵۰.

۲- بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۴۴.

۴- بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۶۰.

سحرخیزی

سحرخیزی

سحرخیزی از نعمت‌های بزرگ پروردگار است و تنها کسانی که از آن بهره دارند، به عظمت و ارزش و برکت‌های فراوان آن آگاهند. از جمله برکات آن می‌توان به فراوانی رزق و روزی و آمرزش گناهان اشاره کرد. سحرخیزی، افزون بر توفیق عبادت و نیایش در صبحگاهان، نشاط و نیروی روزانه بیشتری به انسان می‌بخشد. امام باقر(ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ دَعَاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تَفْتِيحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ. (۱)

خداوند از بندگان مؤمنش هر که را زیاد دعا کند، دوست می‌دارد. پس بر شما باد دعا در سحر تا طلوع آفتاب؛ زیرا آن زمان ساعتی است که درهای آسمان گشوده و رزق انسان‌ها تقسیم و نیازهای بزرگ و مهم برآورده می‌شود.

رسول گرامی اسلام نیز می‌فرماید:

قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا بَنَ آدَمَ أَذْكَرُنِي بَعْدَ الْغَدَاةِ سَاعَةً وَ بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَةً أَكْفِكَ مَا أَهَمَّكَ. (۲)

خداوند بزرگ فرمود: ای فرزند آدم ساعتی بعد از طلوع فجر و ساعتی بعد از عصر مرا یاد کن! من امور مهم زندگی تو را کفایت و تضمین می‌کنم.

اهمیت نماز

اهمیت نماز

نماز، یکی از مهم‌ترین اعمال دین است که اگر در بارگاه خداوند قبول شود، عبادت‌های دیگر هم پذیرفته می‌شود و اگر پذیرفته نشود، اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. همان‌گونه که اگر انسان، هر شبانه روز پنج بار

۱- بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۴۵.

۲- طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۰۱.

در نهر آبی بدن خود را بشوید، هیچ آلودگی ای در بدنش نمی ماند، نمازهای پنج گانه نیز انسان را از گناهان پاک می کند. نماز اول وقت، نشانه اهمیت ویژه نماز گزار به نماز است و کسی که نماز را سبک بداند، مانند کسی است که نماز نمی خواند.

افراد در برخورد با نماز چهار دسته اند: گروهی نماز می خوانند، ولی در نمازشان سهل انگارند؛ «ویل» برای آنهاست و «ویل» نام یکی از طبقات زیرین جهنم است. خداوند درباره این افراد می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ پس وای بر نماز گزاران، آنها که در نمازشان سهل انگارند.» (ماعون: ۴ و ۵) دسته دیگر گاهی نماز می خوانند و گاهی نمی خوانند؛ پس «غی» برای آنهاست و «غی» نام طبقه ای دیگر از طبقات پایین جهنم است که خداوند متعال فرمود:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا. (مریم: ۵۹)

پس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع و از شهوات ها پیروی کردند و اینها به زودی در «غی» افکنده خواهند شد.

دسته سوم آنانی هستند که هیچ وقت نماز نمی خوانند؛ «سقر» برای این دسته است. «سقر» هم نام یکی از طبقات زیرین جهنم است که خداوند متعال فرمود: «ما سَيَلَكُكُمْ فِي سَيِّئَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ [اهل بهشت از اهل جهنم می پرسند] چه چیز شما را به سقر کشاند؟ در جواب می گویند: ما از نماز گزاران نبودیم.» (مدثر: ۴۲) گروه چهارم کسانی هستند که به نماز پایبندند و در نمازشان خشوع دارند. خداوند متعال می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ مؤمنان رستگار شدند آنهایی که در نمازشان با خشوع هستند.» (مؤمنون: ۱ و ۲)

از خداوند می خواهیم ما را از دسته چهارم قرار دهد تا دل و جانمان به نور نماز منور شود، همان گونه که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

صَلَاةُ الرَّجُلِ نُورٌ فِي قَلْبِهِ فَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ فَلْيَنْوِرْ قَلْبَهُ. (۱)

نماز هر کس نوری در دل اوست. پس هر کس خواست، قلبش را نورانی کند.

آثار نماز

آثار نماز

نماز وسیله شست و شوی گناهان و آمرزش الهی است. در روایتی آمده است روزی رسول الله صلی الله علیه و آله از یاران خود پرسید: «اگر کنار خانه یکی از شما رودخانه زلال و پاکیزه ای باشد و هر روز پنج بار خود را در آن شست و شو دهد، آیا چیزی از آلودگی و ناپاکی در بدن او می ماند؟» پاسخ دادند: نه. حضرت فرمود: «نماز مانند این آب جاری است. هر زمان انسان نمازی می خواند، گناهایی که در میان دو نماز انجام شده است، از میان می رود.» (۲) بنا بر این حدیث شریف، می توان گفت نماز سدی در برابر گناهان پیش روست؛ زیرا روح ایمان را در انسان تقویت می کند و نهال تقوا را می پروراند. بی شک ایمان و تقوا بازدارنده از گناهان است. همچنین نماز، دارای ویژگی غفلت زدایی است. نماز چون در فاصله های مختلف در هر شبانه روز خوانده می شود، همواره هشدار می دهد و هدف آفرینش را خاطر نشان می سازد. نماز، خودبینی و کبر را نیز از بین می برد. در هر شبانه روز آدمی بارها در پیشگاه خداوند پیشانی بندگی بر خاک می ساید و پرده های غرور و خودخواهی را کنار می زند. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

۱- کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۹۷۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷.

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِّنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ. (۱)

خداوند ایمان را برای پاک کردن انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاک کردن از کبر.

در کنار این فواید، نماز وسیله پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی است؛ زیرا انسان را از جهان محدود ماده بیرون می‌برد و به ملکوت آسمان‌ها متصل می‌سازد. نماز به دیگر اعمال نیز ارزش می‌دهد؛ زیرا روح اخلاص را در آدمی زنده می‌کند. نماز مجموعه‌ای است از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال مخلصانه. تکرار این مجموعه در شبانه روز، سایر اعمال را نیز جهت‌مند می‌سازد. نماز، روح انضباط را نیز در انسان تقویت می‌کند؛ چون باید بدون تقدیم و تأخیر، در وقت مناسب انجام شود. با این همه آثار و نتایج، شایسته است مسلمان تن و جان را با اکسیر نماز جلا دهد و دریچه‌ای به سوی عالم نور و پاکی به روی خود بگشاید.

دعا

دعا

قلب و روح انسان، از طریق دعا پیوند نزدیکی با خدا برقرار می‌کند. دعا باعث خودآگاهی و بیداری دل و اندیشه است و پیوندی است باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌ها. از این رو، امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ؛ خداوند دعای غافل دلان را مستجاب نمی‌کند». (۲)

برای اجابت دعا قبل از هر چیز باید در پاکی قلب و روح کوشید و از گناه توبه کرد. ایمان و عمل صالح، امانت داری و درست کاری از شرایط استجاب دعاست و آن که به عهد خویش در برابر پروردگارش وفا نکند،

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۵۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

نمی تواند انتظار اجابت دعا داشته باشد. از شرایط دیگر استجاب دعا همراهی آن با عمل است. حضرت علی (ع) می فرماید: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلاَوْتَرٍ؛ دعاکننده بدون عمل و تلاش مانند تیرانداز بدون زه است.» (۱) از توصیه های دیگر قرآن و روایات، مخفی بودن دعاست. خداوند در قرآن مجید می فرماید: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً؛ پروردگار خود را در حالت تضرع و پنهانی بخوانید.» (اعراف: ۵۵)؛ یعنی با کمال خضوع و خشوع و تواضع به سوی او روی آورید. در حقیقت دعاکننده نباید تنها با زبانش چیزی را بخواهد، بلکه باید روح دعا در تمام کالبدش دمیده گردد و گفتار، ترجمان آن باشد و زبان به نمایندگی همه اعضای او سخن بگوید. دعای پنهانی، بنده را از ریا دورتر و به اخلاص نزدیک تر می کند. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

خَيْرُ الدُّعَاءِ الْخَفِيُّ وَ خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي. (۲)

بهترین دعا آن است که پنهانی [و در نهایت اخلاص] صورت گیرد و بهترین روزی آن است که به قدر کافی باشد (نه ثروت اندوزی هایی که مایه محرومیت دیگران و بار سنگینی بر دوش انسان باشد).

محبت و انس با خدا

محبت و انس با خدا

علاقه و محبت انسان به چیزی یا کسی، درحقیقت میل به لذت بردن از آن است و این میل و علاقه، بعد از معرفت و شناخت به آن چیز حاصل می شود. بالا-ترین نوع انس و محبت در اولیای الهی است و ایشان می کوشیدند آن را به پیروانشان نیز بیاموزند. امام سجاد (ع) در مناجات خمس عشر (مناجات عارفین) می فرماید:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷.

۲- مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۲۹.

إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ وَ أَخَذَتْ لَوْعَهُ مُحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ.

بار خدایا! ما را از آن کسان قرار ده که درختان محبت و اشتیاق به تو در سینه های آنان ریشه کرده و شراره های دوستی تو سراسر قلب های آنان را فرا گرفته است!

آن حضرت در ادامه می فرماید:

إِلَهِي مَا أَلَذُّ حَوَاطِزِ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَخْلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَ مَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ.

خدایا! چه چیز لذت بخش تر از یادآوری هایی است که ذکر و یاد تو بر قلب ها می نشاند و چه چیز شیرین تر از رهروی به سوی تو در راه های ناشناخته است و چه چیز دل پذیرتر از طعم دوستی تو و چه چیز گواراتر از شراب قرب و جوار دوستی؟

حضرت در بخش دیگری از همین دعای شریف (مناجات مفتقرین) در راز و نیاز با محبوب چه زیبا می فرماید:

و سوز سینه مرا چیزی جز وصال تو سرد نمی کند و آتش دلم را جز دیدار تو خاموش نمی سازد و اشتیاقم را جز نظر افکندن بر وجه تو چیزی سیراب نمی کند و بدون تقرب به درگاه تو و نزدیک شدن به تو چیزی مرا آرامش نمی دهد و افسوس و حسرت من جز به نسیم رحمت برطرف نمی شود و بیماری و درد من جز با طبابت تو شفا نمی یابد و غم و اندوه من جز با قرب تو از بین نمی رود و آسیب و زخم من جز با گذشت و بخشش تو التیام نمی یابد و زنگار قلب من جز با عفو تو جلا نمی یابد و پریشانی خیالم را جز دستور تو پاک نمی سازد.

بنده تا زمانی که به غیر خدا توجه دارد، قلب او به غیر خدا مشغول است و به همان اندازه دوستی خدا از قلب او بیرون می رود و محبتش ناقص می شود؛ مگر آنکه آن غیر را نیز به خاطر خدا دوست بدارد.

استغفار

استغفار

استغفار، جلادهنده قلب هاست و باید در همه حال از خدا استغفار کرد. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان هر روز هفتاد بار استغفار می کرد. در پاره ای از احادیث نقل شده است آن حضرت پس از هر نشستی ۲۵ بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» می گفت. (۱) در حقیقت استغفار همین بس که داروی شفابخش گنه کاران است، چنان که در حدیث آمده است: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ؛ برای هر دردی درمانی است و داروی گناهان استغفار است.» (۲) گفتنی است بهترین موقع برای استغفار و توبه، نیمه های شب است، آنگاه که همه درها بسته است و تمام دیده ها در خواب، ولی درهای رحمت الهی به روی بندگانش باز است.

خداوند در وصف بندگان مؤمن می فرماید: «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ؛ آنان صابرند و صادقند و فرمانبردارند و انفاق کنندگانند و در نیمه های شب به دعا و استغفار برمی خیزند.» (آل عمران: ۱۷) و در آیه ای دیگر آمده است: «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ [اهل تقوا]، شب ها کم می خوابند و در سحرها به استغفار و دعا برمی خیزند.» (ذاریات: ۱۷ و ۱۸)

در پاره ای از روایت ها نیز شب زنده داری و خوف از خدا ستایش و سفارش شده است. امام صادق (ع) می فرماید:

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۹.

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ سَيَّهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (۱)

روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر سه چشم: چشمی که از نظر کردن به حرام فرو افتد، چشمی که در طاعت خدا بیداری کشد و چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.

با استغفار و مناجات می توان به تدریج دردهای درون را شناخت و به فکر درمان افتاد و خود را اصلاح کرد.

یاد مرگ

یاد مرگ

یاد آوری مرگ و توجه همیشگی به آن، انسان را وارسته و به دنیا بی رغبت می کند. فردی به امام باقر(ع) عرض کرد: برایم سخنی بگو که از آن استفاده کنم. حضرت فرمود: «أَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْتَرِ ذِكْرُهُ إِنْسَانًا إِلَّا زَهَدًا فِي الدُّنْيَا؛ مرگ را بسیار یاد کن که هر که آن را زیاد به خاطر آورد، زهد در دنیا را پیشه خواهد ساخت.» (۲) امام صادق(ع) نیز در رهنمودی، بهره گیری از یاد آوری مرگ را چنین می نمایاند:

إِذَا أَنْتَ حَمَلْتَ جِنَازَةً فَكُنْ كَأَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُولُ وَكَأَنَّكَ سَأَلْتَ رَبَّكَ الرَّجُوعَ إِلَى الدُّنْيَا فَفَعَلَ فَانظُرْ مَاذَا تَسْتَأْنِفُ. [ثُمَّ قَالَ (ع):] عَجَبٌ لِقَوْمٍ حُبِسَ أَوْلَاهُمْ عَنْ آخِرِهِمْ ثُمَّ نُودِيَ فِيهِمُ الرَّحِيلُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ. (۳)

هنگامی که جنازه‌ای حمل می کنی، فرض کن که تو مرده‌ای و این جنازه توست که حمل می شود و گویا پس از مرگ، از خدا خواسته ای که به دنیا بازگردد (تائیکی پیشه سازی) و خداوند درخواست تو را اجابت فرموده است. پس بنگر که چگونه در اعمال خویش تجدیدنظر خواهی کرد. [سپس فرمود:] شگفت از گروهی که رستاخیز در

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۲.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۵.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۸.

گذشتگان نشان به خاطر رسیدن بازماندگان نشان به تأخیر افتاده است و آنگاه که منادی در میان آنها ندای مرگ و رفتن را نیز می دهد، هنوز به بازی مشغولند.

غفلت ما از این رویداد بزرگ به خاطر آن است که درباره مرگ کمتر می اندیشیم. اگر هم آن را یاد کنیم، با قلبی مشغول و سرگرم به آرزوهای دنیوی از آن ذکری به میان می آوریم، درحالی که راه درست یادآوری مرگ آن است که آدمی قلب خود را از همه چیز خالی کند و تنها به مرگ بیندیشد و به کسانی فکر کند که پیش از او بار سفر بستند و به آخرت پیوستند و بدانند که او نیز باید این مراحل را پشت سر بگذارد. از این رو، باید این سخن پروردگار را همیشه به یاد داشته باشیم که می فرماید: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ؛ هر کجا باشید، مرگ به سراغتان می آید، اگرچه در کاخ های محکم باشید». (نساء: ۷۸)

خودانتقادی

خودانتقادی

خود انتقادی آن است که انسان به عیوب خود بپردازد و با عیب جویی از دیگران، در مقام تبرئه خویش برنیاید و براساس توصیه مولای موحدان عمل کند که می فرماید: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنِ عَيْبِ النَّاسِ؛ خوشا به حال آن که عیب هایش او را از عیوب دیگران بازدارد!»؛ (۱) یعنی آن قدر گرفتار عیوب خویش باشد که دیگر فرصتی برای پرداختن به عیب های مردم نداشته باشد. اگر کسی به خود مشغول باشد، به فکر اصلاح خود می افتد، چنان که امام علی (ع) می فرماید:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَزَأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ وَ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ وَ مَا أَنْسَكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ؟ أَمَا مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمِكَ يَقْظَةٌ؟
أَمَا تَرَحَّمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرَحَّمُ مِنْ غَيْرِكَ. (۱)

ای انسان! چه چیز تو را به گناهت جرئت داده و چه چیز تو را در برابر پروردگارت مغرور ساخته و چه چیز تو را به هلاکت خویش علاقه‌مند کرده است؟ آیا این بیماری تو بهبود ندارد، آیا این خوابت بیداری ندارد؟ آیا همان گونه که به دیگری رحم می‌کنی، به خود رحم نمی‌کنی؟

اولیای الهی به منظور تنبیه و تأدیب نفس، خود را ملزم به تکالیف ویژه‌ای می‌کردند. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسُسْ نَفْسَهُ أَضَاعَهَا؛ هر که نفس خود را سیادت و تأدیب نکند، آن را تباه کرده است». (۲)

پاک‌سازی نیت‌ها

پاک‌سازی نیت‌ها

اصل در همه اعمال بدنی و قلبی، نیت است. اهمیت نیت تا آنجاست که اگر عمل مباحی با قصد قربت انجام شود، عملی عبادی به شمار می‌رود و ثواب بسیاری دارد. برای مثال، اگر غذا خوردن یا استراحت را با این قصد انجام دهیم که بهتر عبادت کنیم یا بیشتر در خدمت مردم باشیم، عبادت است. بنابراین، آنچه در اسلام اهمیت دارد، جنبه باطنی و حقیقی عمل است که ارزش و قبولی اعمال به آن وابسته است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَانَوِي فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ. (۳)

۱- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، خطبه ۲۲۳.

۲- فهرست غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۸۹.

۳- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

همانا اعمال وابسته به نیت است و برای انسان همان است که قصد کرده و هدف قرار داده. هر کس برای خدا و رسولش هجرت کرده است، هجرتش به سوی خدا و رسول است و هر کس به خاطر زنی که با او ازدواج کند یا برای ثروتی که به دست آورد، هجرت کرده است، هجرتش به سوی همان خواهد بود.

حضرت در سخنی دیگر می فرماید: «نَيْتُهُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نَيْتُهُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نَيْتِهِ؛ نیت مؤمن از عمل او بهتر و نیت کافر از عمل او بدتر است و هر کس طبق نیتش کار می کند.» (۱) نقل است که از امام صادق (ع) درباره علت جاودانگی دوزخیان در دوزخ و جاودانگی بهشتیان در بهشت پرسیدند، ایشان فرمود: «زیرا نیت دوزخیان این بود که اگر برای همیشه در دنیا بمانند، معصیت خدا را کنند و بهشتیان به این جهت تا ابد در بهشت می مانند که نیت های آنان این بود که اگر همیشه در دنیا زنده باشند، خدا را اطاعت کنند و هر دو گروه به خاطر نیت هایشان در بهشت و دوزخ جاویدانند.» آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ؛ بگو هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند.» (سوره اسراء: ۸۴) (۲)

تذکر و تفکر

تذکر و تفکر

تذکر و تفکر، در مراحل مختلف، پایه پای یکدیگر پیش می روند. گاهی تذکر مقدمه تفکر است و گاه تفکر، زمینه ساز تذکر. انسان باید از آنچه در اطرافش می گذرد، برای کسب دانسته های نو و شناخت بیشتر استفاده کند، سطح فکرش را بالا برد، از جمود و رکود بیرون آید و از حالت

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۰.

۲- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۰۹.

ایستایی به پویایی رسد. تفکر، اساس تعالی و تکامل مادی و معنوی انسان است و او را از بسیاری از موجودات متمایز می کند. تفکر، انسان را از مرحله احساس به مرحله تعقل می رساند. خداوند متعال در آیه ای از قرآن در وصف مؤمنان می فرماید:

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا. (آل عمران: ۱۹۱)

آنان که در همه حال خدا را یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و می گویند: خدایا! تو این عالم [با این عظمت را] بیهوده نیافریده‌ای.

انسان، با تفکر، به صلاح روز رستاخیز و پایان کارش آگاه و دانشش افزون می شود. پس هیچ عبادتی بالاتر از تفکر نیست، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «یک ساعت تفکر بهتر از یک سال عبادت است و تنها کسانی به این مقام می رسند که خداوند آنان را به نور معرفت و توحید آراسته باشد.» (۱) رسول گرامی اسلام در حدیث ارزشمند دیگری می فرماید:

عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِي مَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحَظِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ. (۲)

شخص عاقل باید برای خود سه زمان داشته باشد: ساعتی برای مناجات با خداوند عزوجل و ساعتی برای حساب رسی از خویش و ساعتی برای اندیشه در آنچه خداوند عزوجل درباره او انجام داده است. افزون بر

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۶.

۲- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۳.

اینها باید ساعتی را نیز به استراحت و بهره بردن از لذت های حلال اختصاص دهد.

زهد (۱)

زهد (۱)

زهد؛ یعنی دل نبستن به دنیا و به اندازه ضرورت از آن بهره گرفتن. روشن است که زهد با داشتن امکانات کامل رفاهی منافات ندارد؛ مگر آنکه انسان این امکانات را دوست بدارد و به آنها عشق ورزد، به گونه ای که باعث غفلت او شوند و وی را از یاد خدا بازدارند. حضرت علی (ع) می فرماید:

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَافَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». (حدید: ۳۳) (۱)

تمام زهد در دو کلمه از قرآن جمع شده است، خداوند سبحان فرمود: «تا شما بر آنچه از دستتان می رود، دلتنگ نشوید و بدانچه به شما می رسد، دل شاد نگردید».

پس کسی که بر آنچه از دست رفته حسرت نخورد، و به اموال به دست آمده، خشنود نگردد، از زاهدان به شمار می آید.

حضرت علی (ع) در روایتی دیگر زهد را از جنبه ای دیگر معرفی می کند:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنِ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۲)

زهد در دنیا عبارت است از کوتاه بودن آرزو و سپاس گذاری بر هر نعمت و پرهیز از هر آنچه خداوند عزوجل حرام کرده است.

در بعضی تعبیرها برای زهد، مراتبی دیگر بیان شده است، از جمله:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۱.

۱. انسان در دنیا زهد بورزد، درحالی که حرص و میل دنیا را دارد و قلب وی به دنیا روی آورده و نفس او متوجه دنیاست، ولی کوشش او در رفع دنیاست و آن را از خود دور می سازد.

۲. آن که دنیا را از روی میل و رغبت تحقیر کند، به آن کم بها دهد و آن را ترک گوید و آخرت و نعمت های آن را طالب باشد.

۳. مرتبه اعلای زهد، آن است که در انسان رغبتی جز خدا و رسیدن به مقام دیدار او نباشد. در این مرحله، قلب زاهد جز خدا نمی خواهد و مطلوب و خواسته واقعی اش به خداوند است. انس و الفت او به خداوند است و آنچه قلب وی را دربر گرفته، شیرینی طاعت و عبادت خداوند است.

زهد (۲)

زهد (۲)

از مهم ترین و بارزترین سجایای اخلاقی، زهد است. زهد همان بی رغبتی به دنیا و تعلقات آن است که انسان را از غرق شدن در مظاهر دنیا حفظ می کند. امیرالمؤمنین، علی (ع) انسان های ریاکار و دنیاطلب را نکوهش می کند و می فرماید: «إِذَا طَلَبَ الزَّاهِدُ النَّاسَ فَاهْرَبْ مِنْهُ؛ اگر زاهد، مردم طلب باشد، از او اجتناب کن.»^(۱) تمام گرفتاری های مردم، به دلیل وابستگی به دنیا و راه نجات از این گرفتاری ها زهد و بی رغبتی به دنیاست. آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «زُهِدْكَ فِي الدُّنْيَا يُنْجِيكَ وَ رَغْبَتُكَ فِيهَا تُرْدِيكَ؛ بی رغبتی تو به دنیا، تو را از گرفتاری ها رهایی می بخشد و علاقه تو به دنیا سبب هلاکت تو می شود.»^(۲) و نیز چه زیبا فرموده است: «الزُّهُدُ أَنْ لَا تَطْلُبَ الْمَفْقُودَ حَتَّى يُعْدَمَ الْمَوْجُودُ؛

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۴۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۱۱۱.

زهد آن است که طلب نکنی آنچه را نداشته باشی تا وقتی که نایاب شود آنچه که داری». (۱)

در کلام گران‌سنگ دیگری می‌خوانیم:

لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا بِإِضَاعِهِ الْمَالِ وَلَا بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْ تَقُ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۲)

بی‌رغبتی به دنیا، تباه کردن مال و حرام ساختن حلال نیست، بلکه زهد و بی‌رغبتی به دنیا آن است که اطمینانت به آنچه در دست داری، از آنچه در پیشگاه خدای عزوجل است، بیشتر نباشد.

همچنین در روایتی دیگر می‌خوانیم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

إِزْهَادٌ يُجِبُّكَ اللَّهُ وَأَزْهَادٌ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُجِبُّكَ النَّاسُ. (۳)

به دنیا رغبت و میل نشان مده تا خدا تو را دوست بدارد و به آنچه در دست مردم است، بی‌رغبت شو تا مردم دوستت بدارند!

توکل (۱)

توکل (۱)

خداوند در قرآن مجید در موارد بسیاری، توکل به پروردگار را از ویژگی‌های افراد باایمان شمرده است، چنان که در آیه ۲۳ سوره مائده می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ بر خدا توکل کنید، اگر ایمان دارید.» و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ. (انفال: ۲)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۰.

۳- محجبه البيضاء، ج ۷، ص ۳۵۶.

مؤمنان کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هاشان بیمناک می‌گردد و آنگاه که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونی می‌گیرد و فقط بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

در روایتی آمده است پیامبر گرامی اسلام معنای توکل را از جبرئیل پرسید، جبرئیل فرمود:

معنای توکل این است که انسان یقین کند به اینکه سود و زیان و بخشش و حرمان به دست مردم نیست و باید از آنها ناامید بود و اگر بنده‌ای به این درجه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری نکند و جز او به کسی امیدوار نباشد و از غیر او نهراسد و غیر از خدا چشم طمع به کسی نداشته باشد، این همان توکل به خداست. (۱)

شخصی به نام حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام رضا(ع) رسیدم و عرض کردم: جانم فدایت! حد و مرز توکل چیست؟ ایشان فرمود: «أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ توکل آن است که با اتکای به خدا از هیچ کسی نترسی». (۲)

علی بن سُوَید نیز می‌گوید: از امام موسی کاظم(ع) درباره تفسیر آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» پرسیدم، حضرت فرمود:

توکل مراتب گوناگون دارد، از جمله درجات توکل آن است که در تمام امور به خدا توکل کنی و از آنچه خدا برای تو مقدر کرده است، راضی باشی و بدانی که خدا برای تو جز خیر و فضیلت نمی‌خواهد، نیز بدانی که در تمام این امور اختیار با اوست. پس با واگذار کردن امور به او، به خدا توکل کن!

بنابراین، انسان باید خود را از خدا بداند و چون قطره‌ای به دریا بیوندد.

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۴.

توکل (۲)

توکل (۲)

انسان با توکل کسی است که در تمام کارها به خدا تکیه، و از غیر او قطع امید کند. کسی که به پروردگار توکل می کند، هرگز به مردم و آنچه در اختیار دارند، امیدوار نیست. امام سجاد (ع) می فرماید:

رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَبْدِ اجْتِمَاعِ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ مَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِي شَيْءٍ وَ رَدَّ أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ اسْتَجَابَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ. (۱)

تمام (کسب) خیر را در قطع طمع از آنچه در دست مردم است، می دانم و آن که به مردم در چیزی امید نبسته باشد و همه کارهای خویش را به خدا واگذارد، خداوند همه خواسته های او را برآورده می کند.

امام جعفر صادق (ع) نیز می فرماید: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ؛ شرافت مؤمن به شب زنده داری اش و بزرگواری او به بی نیاز بودنش از مردم است.» (۲) ایشان در سخنی دیگر، حقیقت توکل به خداوند متعال را چنین بیان می کند:

خداوند به داود (ع) این گونه وحی فرمود: «هیچ یک از بندگانم، بدون توجه کردن به هیچ یک از مخلوقاتم، به من پناهنده نشود مگر آنکه من بدانم نیت او همان است. پس [اگر] آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، با او نیرنگ بازند، راه نجاتی از میان آنها برای او قرار می دهم و هیچ یک از بندگانم به یکی از مخلوقاتم پناه نمی برد مگر آنکه بدانم قصدش همان است، پس اسباب و وسایل آسمانها و زمین را از دستش

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۷.

می گیرم و زمین زیر پای او را فرو می برم و به هر وادی هلاکتی افتاد، باکی ندارم. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره توکل به خداوند و بی نیازی از مردم چه زیبا می فرماید:

مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَفَاهُ اللَّهُ كُلَّ مَوْنِهِ وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهَا. (۲)

هر کس به خداوند توکل کند خدا هم هزینه و روزی او را از جایی که حساب نمی کند، برآورده می کند و هر کس به دنیا بپیوندد، خدا او را به آن وامی گذارد.

ادای تکالیف دینی

ادای تکالیف دینی

ادای فرایض و اهتمام به واجبات از نشانه های ایمان و خلوص عمل است. مؤمن باید نمازش را اول وقت بخواند و حتی پیش از وقت، خود را آماده کند. امام صادق (ع) می فرماید:

أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَ آخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَ الْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ. (۳)

نماز در اول وقت، خشنودی خدا و در پایان وقت عفو و بخشش خداوند را در پی دارد و بخشش جز در مورد گناه صدق نمی کند.

اهتمام به فرایض، نشان وجود روح بندگی و تعبد است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ؛ به آنچه خدا واجب کرده است عمل کن تا باتقواترین مردم باشی!» (۴) ابو حمزه ثمالی از امام سجاد (ع) نقل

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳.

۲- تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۲۲.

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۲.

می‌کند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ؛ هر کس به آنچه خدا بر او واجب کرده است، عمل کند از بهترین مردم است.» (۱) و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «فَهُوَ مِنْ أَعْيَدِ النَّاسِ؛ هر کس واجبات الهی را به جا آورد، از عابدترین مردم است.» (۲) امام صادق (ع) نیز با بیان حدیثی قدسی، مقام بنده مطیع را چنین توصیف می‌کند: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ؛ هیچ عبادتی به اندازه ادای واجبات، بنده‌ام را نزد من محبوب نمی‌کند.» (۳) قطب راوندی نیز روایت کرده است که فرشته‌ای از کعبه ندا می‌دهد: «هر کس واجبات خدا را ترک کند، از امان خدا بیرون آمده است.» (۴) بنابراین، اهتمام به انجام دادن واجبات و تکالیف دینی بر همگان لازم است، به ویژه انجام نماز، روزه، حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر. در ادای خمس و زکات، احسان و مانند آن نیز نباید لحظه‌ای درنگ کرد که آنچه در دنیاست فانی و آنچه نزد خداست، باقی است.

شکر و سپاس‌گزاری

شکر و سپاس‌گزاری

بی‌شک، سپاس‌گزاری و شکر نعمت‌های الهی نعمت‌ها را فزونی می‌بخشد. به فرموده امام زین العابدین (ع)، خداوند شاکران را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ؛ خداوند هر قلب محزون و هر بنده سپاس‌گزار را دوست دارد.» (۵) امام باقر (ع) استمرار و پایداری نعمت‌های خداوند را مشروط به سپاس‌گزاری بندگان می‌داند و می‌فرماید: «لَا يَنْقَطِعُ

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۱.

۲- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۲.

۴- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۹.

۵- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸.

الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ؛ افزایش نعمت از طرف خداوند قطع نمی‌شود مگر به خاطر ناسپاسی بندگان. (۱) امام صادق(ع) نیز می‌فرماید:

مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ. (۲)

آن که توفیق شکر یابد، افزایش نعمت هم نصیب او خواهد شد که خداوند می‌فرماید: اگر سپاس‌گزارى کنید، [نعمتان را] زیاد خواهم کرد.

امام سجاد(ع) نیز به بعضی از فرزنداناش سفارش می‌کند:

يَا بُنَيَّ أَشْكِرِ اللَّهَ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنُّعْمَةِ إِذَا شَكَرْتَ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ. (۳)

ای فرزندم! خدا را به خاطر نعمتی که از دیگران به تو می‌رسد، سپاس‌گزار باش و به کسی که از تو قدردانی کرد، عطا کن؛ چراکه وقتی از نعمتی سپاس‌گزارى شود، از بین نخواهد رفت و وقتی که ناسپاسی شود، دوام نخواهد یافت.

امام صادق(ع) نیز در روایتی زیبا می‌فرماید:

أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفَدِ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ. (۴)

هر بنده‌ای که خدا به او نعمت داده، اگر نعمت را بشناسد و با زبانش خدا را بر آن نعمت ستایش کند، هنوز آن نعمت تمام نشده، خدا فرمان می‌دهد تا نعمت او زیادتر شود.

۱- بحارالانوار، ص ۵۶.

۲- بحارالانوار، ص ۴۰.

۳- بحارالانوار، ص ۴۹.

۴- بحارالانوار، ص ۴۱.

آن حضرت در پاسخ به این سؤال که گرامی‌ترین مردم نزد خدا کیست، فرمود: «آن که وقتی چیزی به او داده شود، سپاس‌گزاری می‌کند و وقتی گرفتار شود، صبر می‌کند» (۱).

محاسبه و مراقبت از نفس

محاسبه و مراقبت از نفس

بسیار نیکوست همواره به روزی بیندیشیم که دستمان از دنیا کوتاه می‌شود همان روزی که انگشت حسرت به دندان می‌گیریم و می‌گوییم: «یا حَسِيرَتِي عَلَي مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ؛ ای وای بر من که در انجام وظیفه کوتاهی کردم و جانب خدا را فرو گذاشتم!» (زمر: ۵۶) و نیز روزی را یاد آوریم که بازگشت به دنیا را آرزو می‌کنیم و با التماس می‌گوییم:

رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا. (مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰)

پروردگارا! مرا بازگردان! شاید بتوانم به تدارک گذشته، عملی صالح انجام دهم و در پاسخ گفته می‌شود: هرگز چنین نیست، این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد کارش همچون گذشته است)

و در آن روز کلمه «رَبِّ ارْجِعُونِي» را پاسخی در خور نمی‌یابیم. بنابراین، نباید عمر گران‌مایه را به رایگان از دست بدهیم. برای استفاده از عمر، باید انسان با خود پیمان بندد و در تمام اوضاع و احوال مراقب و نگران خویش باشد تا مبادا بر اثر غفلت و سهل‌انگاری، عهدی را که بسته است، بشکند و خدا را فراموش کند که این کار به خودفراموشی می‌انجامد، چنان‌که در آیه ای از قرآن می‌خوانیم:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ. (حشر: ۱۹)

مانند کسانی نباشید که به طور کلی خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را از خود بیگانه کرد تا آنجا که خود را فراموش کردند.

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز می‌فرماید: «يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ مُهَيِّمِنًا عَلَى نَفْسِهِ مُرَاقِبًا قَلْبَهُ حَافِظًا لِسَانَهُ؛ سزاوار است انسان بر خویش اشرف داشته و همیشه مراقب قلب خود و نگهدار زبان خویشش باشد.» (۱) برای توفیق در این راه شایسته است به این توصیه رسول الله صلی الله علیه و آله عمل کنیم که می‌فرماید:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ. (۲)

خود حسابگر خویش باشید پیش از آنکه به حساب شما برسند و اعمال خود را وزن کنید قبل از اینکه اعمال شما را بسنجند، و خویش را برای روز قیامت آماده سازید.

میانہ روی در اقتصاد

میانہ روی در اقتصاد

از مواردی که رعایت آن در بهتر شدن و بهتر زندگی کردن بسیار مؤثر است، رعایت اقتصاد در هزینه‌های مصرفی روزانه است. در آیین اسلام به این عمل بسیار تأکید و سفارش شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «مَنْ اِقْتَصِدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ؛ آن که در زندگی اقتصادی خود اعتدال را رعایت کند، خداوند به او روزی خواهد داد.» (۳) آن حضرت در سخنی دیگر ویژگی یک خانواده نمونه را چنین برمی‌شمارد:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُمْ فِي الدِّينِ وَ وَقَّرَ صِيغَهُمْ كَبِيرَهُمْ وَ رَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي مَعِيشَتِهِمْ وَ الْقَصْدَ فِي نَفَقَاتِهِمْ وَ بَصَّرَهُمْ عِيُوبَهُمْ فَيَتُوبُوا مِنْهَا وَ إِذَا أَرَادَ بِهِمْ غَيْرَ ذَلِكَ تَرَكَهُمْ هَمَلًا. (۴)

۱- فهرست غررالحکم، ص ۳۹۳.

۲- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

۴- کنز العمال، ح ۲۸۶۹۱.

هر گاه خداوند خوبی خانواده‌ای را بخواهد، آنان را در دین فقیه می‌کند. کوچک آنان، بزرگشان را گرامی و محترم می‌شمارد، رفق و مدارا در معیشت و صرفه جویی در هزینه‌ها و میانه‌روی را روزی‌شان می‌کند و آنان را به عیب‌هایشان بینا و آگاه می‌سازد که در نتیجه از آنها دست می‌کشند و توبه می‌کنند و اگر برای خانواده‌ای خوبی نخواهد، آنان را به حال خود وامی‌گذارد.

میانه‌روی در اقتصاد از سفارش‌های حضرت علی (ع) به پیروانش است، ایشان می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْاِقْتِصَادَ اَهْلَكَهُ الْاِسْتِرَافُ؛ آن‌که [در زندگی خود] به درستی میانه‌روی نکند اسراف و زیاده‌روی او را هلاک خواهد کرد.» (۱) معصومین (ع) نیز زیاده‌روی در امور مالی را نکوهش و به پیروانشان توصیه می‌کنند در این راه، از حد و حدود خود خارج نشوند، تا برای رفع احتیاج خود مجبور نگردند از هر وسیله و راهی استفاده کنند؛ اگرچه به قیمت از بین رفتن آبرو و دین خود و دیگران باشد.

میانه روی در دنیاگرایی

میانه روی در دنیاگرایی

در آموزه‌های دینی، دل بستگی به دنیا بسیار نکوهش شده است. بدیهی است این نکوهش بدان معنا نیست که انسان از نعمت‌های خداوند استفاده نکند. مولای متقیان علی (ع) به علاء بن زیاد می‌فرماید:

أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا؟ أَنْتَ أَهْوَنَ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. (۲)

۱- غررالحکم، ح ۸۲۰۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹.

تو گمان می کنی خداوند حکیم به ظاهر، طیبات را بر تو حلال کرده، ولی در واقع دوست ندارد از آنها استفاده کنی؟ تو در نزد خداوند کوچک تر از آنی که این گونه با تو رفتار کند.

نعمت های الهی برای استفاده بهترین انسان های روی زمین است و این گونه نیست که کسانی که از دنیا بهره گرفته اند، از آخرت بی بهره باشند، بلکه شکل استفاده از دنیا و نعمت های آن مهم است. امام علی (ع) در فرمایشی ما را این چنین راهنمایی می کند:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَيَكُونُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سُكِنَتْ وَ آكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أُكِلَتْ. (۱)

همانا پرهیزکارانی در دنیا هستند که هم از نعمت دنیا استفاده کرده اند و هم از نعمت آخرت؛ با اهل دنیا در دنیایشان شرکت جستند، در حالی که اهل دنیا در امر آخرت با آنها شرکت نکردند، در دنیا در بهترین مسکن ها نشسته و بهترین غذاها را خوردند (و در عین حال به نعمت آخرت نیز رسیدند).

امام رضا (ع) نیز در سخنی ارزشمند از زاویه دیگری به این موضوع نگریسته است:

إِجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهَى مِنَ الْحَلَالِ مَا لَمْ تَتَلَمَّ الْمُرُوءَةَ وَ لَاسْرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ نَرُوى: لَيْسَ مِمَّا مِنْ تَرَكَ دُنْيَاً لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاً. (۲)

برای نفس خودتان بهره ای از دنیا قرار دهید، آن گونه که چیزهای حلالی را که می خواهید، در اختیارش بگذارید؛ البته تا هنگامی که به

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۲.

مرّوت ضرری نرساند (از حد خارج نشود) و موجب زیاده‌روی نشود و از آن در امور دینتان کمک بجوید! پس به‌راستی که ما می‌گوییم از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک کند.

اعتدال در گفتار

اعتدال در گفتار

یکی از صفات پسندیده، میانه روی در سخن گفتن و پرهیز از پرگویی است. زیاده‌گویی نشانه کم‌خردی است. پیامبر خدا در این باره می‌فرماید:

همانا که موسی(ع)، خضر(ع) را ملاقات کرد. پس موسی گفت: مرا سفارشی بفرما! حضرت خضر(ع) فرمود: ای جست‌وجوکننده علم! همانا گوینده، کمتر دلتنگ و خسته می‌شود تا شنونده. پس هنگامی که سخن می‌گویی، هم نشین‌هایت را افسرده مکن... و در گفتار زیاده‌گو و پرسخن مباش؛ زیرا زیاده‌گویی در سخن، عالمان را خوار و معایب افراد کم‌عقل را آشکار می‌کند، ولی بر تو باد به میانه‌روی که این خود توفیق است. (۱)

امیرالمؤمنین، علی(ع) نیز می‌فرماید:

الإِكْتَارُ يُزِلُّ الْحَكِيمَ وَيُمِلُّ الْحَلِيمَ فَلَا تُكْثِرْ فَتَضَجِرَ وَ تُفْرِطَ فَتَهِنَ. (۲)

زیاده‌گویی، انسان حکیم را می‌لغزاند و انسان بردبار و صبور را ملول و دل‌آزرده می‌کند. پس زیاد سخن مگو که دیگران را دل‌گیر کنی و کوتاهی مکن که خوار شوی!

قبل از گفتن کلام باید درباره آن با دقت تأمل کرد. این توصیه حضرت علی(ع) نیز قابل توجه است که فرموده:

پرهیز از سخن گفتن درباره چیزی که نمی‌شناسی و از راه آن بی‌خبری و حقیقت و واقعیت آن را نمی‌دانی؛ زیرا گفتار تو بر عقل تو دلالت می‌کند و کلام تو از شناخت تو خبر می‌دهد! پس کلام و سخن خود را

۱- منیه المرید، ص ۴۷.

۲- غررالحکم، ح ۲۰۰۹.

با حرف بی ربط ضایع مکن و در گفتن، به سخنی اکتفا کن که آن را نیکو می دانی؛ زیرا این برای تو زیباتر است و قدر و منزلت تو را بیشتر می سازد! (۱)

میانروی در عبادت

میانروی در عبادت

کسانی که در انجام امور عبادی زیاده روی می کنند و خود را به رنج و سختی می افکنند، راه درستی را انتخاب نکرده اند. رسول گرامی اسلام می فرماید:

إِنَّ هَذَا الدِّينُ مَتِينٌ فَأَوْغُلُوا فِيهِ بِرَفِقٍ وَلَا تَكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالزَّائِكِ الْمُتَبِّتِ الَّذِي لَا سَيْفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى. (۲)

همانا این دین (اسلام) محکم است. به آرامی در آن درآیید (تندروی نکنید) و عبادت خدا را به زور به بندهای خدا تحمیل نکنید [که در نتیجه این عمل] مانند سوار در مانده ای خواهید بود که نه مسافتی را پیموده و نه مرکبی را به جا گذاشته است!

امام صادق (ع) نیز در روایتی می فرماید: «لَا تَكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ؛ عِبَادَتِ الرَّبِّ بِخَيْرِ حَالٍ كَمَا كَرِهْتُمْ دَارَكُمْ» (۳) اولیای گرامی اسلام همواره به پیروانشان ادای تکلیف در حد وسع و توان را سفارش کرده اند، چنان که امام حسن مجتبی (ع) می فرماید:

لَمَّا حَضَرْتُ وَالِدِي الْوَفَاءُ أَقْبَلَ يوصي إلى أن قالَ وَاقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ. (۴)

زمانی که وفات پدرم فرا رسید، به من وصیت کرد در عبادت خود میان رو باش و در عبادت به کاری پرداز که مداوم و در توان تو است.

۱- غررالحکم، ح ۲۷۳۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۷.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۳۰.

اسلام در امور مختلف به ویژه امور عبادی، بیشتر به کیفیت عمل اهمیت می دهد. خشنودی پروردگار در گرو عمل خالص است، هرچند مقدار آن عمل به ظاهر اندک باشد. امام صادق(ع) در این باره فرمود:

اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌّ فَقَالَ لِي أَبِي: يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ. (۱)

من جوان بودم و در عبادت سخت کوشی می کردم. پدرم به من فرمود: پسر جان! کمتر از آنکه می بینم، عبادت کن؛ زیرا خداوند عزوجل وقتی بنده‌ای را دوست داشته باشد، به اندک از او راضی می شود.

میانۀ روی در زندگی

میانۀ روی در زندگی

میانۀ روی و پرهیز از افراط و تفریط در تمام جنبه های زندگی، از بزرگ ترین توصیه ها و دستورهای دین مبین اسلام است. رعایت این امر، انسان ها را در زندگی موفق می کند. آدمی با رعایت اعتدال در تمام کارها از قبیل عبادت، خدمت به مردم، محبت و همچنین در ویژگی های اخلاقی مانند تواضع، خشم و... خود را به کمال می رساند. تعادل، بهترین شیوه زندگی به شمار می رود، چنان که رسول گرامی اسلام می فرماید:

خِيَارُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ. (۲)

بهترین کارها معتدل ترین آنهاست. بنابراین باید دوست داشتنی ترین امور در نزد معتدل ترین آنها در کارهای حق باشد.

امیرالمؤمنین، علی(ع) معتدل بودن در زندگی را از ویژگی های بارز انسان مؤمن برمی شمارد و می فرماید: «المؤمن سیرته القصد و سنته الرشد؛ شیوه

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۵۵.

و روش مؤمن، میانه‌روی و طریقه او رشد است.» (۱) ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید:

اِذَا ارَادَ اللهُ بَعْدَ خَيْرٍ اَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَ حُسْنَ التَّدْبِيرِ وَ جَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْاِسْرَافِ. (۲)

هرگاه خداوند خیری برای بنده‌اش بخواهد، در دل او میانه‌روی، تدبیر و نیکویی را می‌گذارد و او را از تدبیر بد و زیاده‌روی مصون می‌سازد.

ارزش و منزلت اعتدال و لزوم رعایت آن، در فراز و نشیب‌های زندگی ظاهر می‌شود. هرگاه پروردگار عالم بخواهد به بنده‌ای خیری برساند، معتدل بودن در زندگی را روزی او می‌کند. رسول رحمت در روایتی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا ارَادَ بِقَوْمٍ بَقَاءً أَوْ نَمَاءً رَزَقَهُمُ الْقَصْدَ وَ الْعِفَافَ؛ هرگاه خدای تبارک و تعالی مانند‌گاری یا رشد مردم را بخواهد، صرفه‌جویی و پاک‌دامنی را روزی‌شان می‌سازد.» (۳)

ترس از خدا و امید به او

ترس از خدا و امید به او

اسلام، خواهان توازن انسان بین حالت خوف و رجاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ... فَاعْمَلْ عَمَلًا مَنْ يَرْجُو أَنْ يَمُوتَ هَرِمًا وَ أَحَدُ حَذَرَ مَنْ يَتَخَوَّفُ أَنْ يَمُوتَ غَدًا. (۴)

ای علی!... همانند کسی عمل کن که امیدوار است در پیری بمیرد (شخصی که امیدوار است، زیاد عمل می‌کند و با امیدواری به آینده و با فراغ‌بال مشغول تهیه امور زندگی خواهد شد) و بپرهیز همانند کسی که می‌ترسد فردا بمیرد.

۱- غررالحکم، ح ۱۵۰۱.

۲- غررالحکم، ح ۴۱۳۸.

۳- درالمنثور، ج ۳، ص ۲۷۰.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۷.

اگر کسی بداند فردا خواهد مرد، به امور دنیوی بی‌میل و رغبت خواهد شد و می‌کوشد حتی یک ثانیه از عمر خود را هدر ندهد. براین اساس، همه کارهای واجب خود را در اسرع وقت انجام می‌دهد، از گناهان دوری می‌کند و اگر به توبه نیاز باشد، به سرعت توبه خواهد کرد. چنین فردی انجام هیچ کاری را که مربوط به آخرت باشد، به فردا واگذار نخواهد کرد. امام صادق(ع) درباره وجود این دو صفت در مؤمنان می‌فرماید:

كَانَ أَبِي يَقُولُ: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خَيفَهُ وَ نُورٌ رَجَاءٍ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَي هَذَا. (۱)

پدرم می‌فرمود: «هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آنکه در دلش دو نور است؛ نور خوف و نور رجا که اگر این وزن شود، از آن بیشتر نباشد و اگر آن وزن شود، از این بیشتر نباشد».

حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید:

وَ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ يَشْتَدَّ خَوْفُكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَنْ يَحْسَنَ ظَنُّكُمْ بِهِ فَاجْمَعُوا بَيْنَهُمَا فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا يَكُونُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِرَبِّهِ عَلَي قَدْرِ خَوْفِهِ مِنْ رَبِّهِ وَ إِنْ أَحْسَنَ النَّاسِ ظَنًّا بِاللَّهِ أَشَدَّهُمْ خَوْفًا لِلَّهِ. (۲)

اگر توانستید که هم از خداوند سخت بترسید و درعین حال به خداوند حسن ظن داشته باشید، پس چنین کنید و بین آن دو جمع کنید؛ زیرا حسن ظن بنده راستین به خداوند، به اندازه خوفش از اوست و آن که به خداوند حسن ظن دارد، باید بیش از همه از مجازات او ترسان باشد.

میانه روی در انفاق

میانه روی در انفاق

خداوند کریم درباره میانه روی در انفاق کردن می‌فرماید:

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۸.

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا. (اسراء: ۲۹)

هرگز [از خسیسی و تنگ نظری] دست را بر گردن خود زنجیر مکن و نیز بیش از اندازه گشاده دست مباش که سرزنش شوی و در کار خود بمانی.

امام صادق (ع) نیز درباره میانه روی در انفاق می فرماید:

لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ مَا فِي يَدَيْهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا كَانَ أَحْسَنَ وَلَا وُفَّقَ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَعْنِي الْمُقْتَصِدِينَ. (۱)

اگر مردی همه اموال خود را در راهی از راه‌های خدا انفاق کند، کار درست و به جایی نکرده است. مگر نه این است که خداوند متعال می فرماید: «خویشتن را با دستان خود به نابودی نکشانید و نیکوکاری کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد» (بقره: ۱۹۵)؛ یعنی میانه‌روان را.

پروردگار متعال در آیه دیگری در مورد ویژگی بندگان خاص خویش می فرماید:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا... وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (فرقان: ۶۳ و ۶۷)

و بندگان خدای رحمان کسانی هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه می‌روند و هرگاه مردم جاهل آنها را خطاب کنند، با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب می‌دهند... و همچنین کسانی هستند که هنگام انفاق اسراف نمی‌کنند و بخل نیز نمی‌ورزند، بلکه در احسان کردن میانه‌رو و معتدلند.

امام علی (ع) نیز در این باره توصیه ارزشمندی دارد، ایشان می‌فرماید: «كُنْ سَمِيحاً وَلَا تَكُنْ مُبَدِّراً وَلَا تَكُنْ مُقَدِّراً وَلَا تَكُنْ مُقَتَّراً؛ سخاوتمند باش، ولی اسراف مکن و در زندگی حسابگر باش، ولی سخت گیر مباش!» (۱)

میان‌روی در لباس پوشیدن

میان‌روی در لباس پوشیدن

میان‌روی در پوشش، از صفات پرهیزکاران شمرده شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَلَمَلْبَسِيهِمُ الْإِقْتِصَادُ؛ پرهیزکاران کسانی هستند که در پوشش میان‌روی می‌کنند»؛ (۲) یعنی نه لباس گران قیمت به تن می‌کنند و نه لباس مندرس و کهنه، بلکه از لباس‌هایی استفاده می‌کنند که متعادل باشد؛ چه از نظر ارزش مالی و چه از نظر ظاهری.

پیامبر خدا مردم را از دو شهرت نهی می‌فرمود، شهرت در نازکی و ضخامت لباس؛ نرمی و زبری آن و بلندی و کوتاهی آن، بلکه باید حد وسط را میان این خصوصیات رعایت کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «إِلْبِسُوا وَتَصَدَّقُوا فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ؛ بپوشید و صدقه بدهید تا جایی که از حد خود خارج نشود» (۳).

در شرایط کنونی، لباس گویای شخصیت آدمی است و می‌تواند نمادی از تفکر و منش انسان باشد. یکی از معصومین در روایتی درخور تأمل می‌فرماید: «الْبَسُ مَا لَا تَشْتَهَرُ بِهِ وَلَا يُزِرِي بِكَ؛ لباس بپوش [به صورتی] که نه با آن شهرت بیابی و نه باعث خفت تو شود» (۴) امام صادق (ع) نیز در روایت دیگر می‌فرماید: «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ دَائِعٌ وَ جَوَزَ لَهُمْ يَلْبَسُوا قَصْداً؛ دارایی از

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۳- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۱۸۱.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۳۱۶.

آن خداست و آنها را نزد مردم به امانت می سپارد و به آنها تجویز شده است در لباس پوشیدن میانه‌رو باشند» (۱).

میانه‌روی در خوردن و آشامیدن

میانه‌روی در خوردن و آشامیدن

خداوند متعال درباره چگونگی استفاده از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها در سوره انعام می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُمْتَشِبَةً وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (انعام: ۱۴۱)

او خدایی است که باغ‌های معروش (باغ‌هایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد) و باغ‌های غیرمعروش (باغ‌هایی که نیاز به داربست ندارد) را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را [آفرید] که از جهتی با هم شبیه هستند و از جهتی تفاوت دارند. (برگ و ساختمان ظاهری شان شبیه یکدیگر است درحالی که طعم میوه آنها متفاوت است). از آن میوه هر زمانی که برسد، بخورید و زکات فقیران را در روز برداشت محصول بپردازید و اسراف نکنید که خداوند، اسراف‌کاران را دوست ندارد.

خداوند در آیه‌ای دیگر اسراف را نکوهش کرده و فرموده است:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (اعراف: ۳۱)

ای فرزندان آدم! زیورهای خود را در هنگام عبادت بگیرید و هم از نعمت‌های خداوند بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کاران را [که اندازه نگه نمی‌دارند] دوست نمی‌دارد.

امام جعفر صادق (ع) نیز در حدیث زیبایی، راه درست استفاده از نعمت‌ها را این گونه بیان می‌کند:

المال مال الله يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ دَائِعَ وَ جَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا. (۱)

دارایی برای خداست و آنها را نزد مردم به امانت می‌سپارد و به آنها اجازه داده است با میانه‌روی بخورند.

با توجه به این دستورالعمل‌ها، میانه‌روی در مصرف مهم بوده تا آنجا که عامل سلامت نیز دانسته شده است. در روایت دیگری می‌خوانیم: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَّيْدُوا فِي الْمَطْعِمِ لَأَسْتَقَامَتِ أْبْدَانُهُمْ؛ اگر مردم در خوردن غذا اعتدال و میانه‌روی را رعایت می‌کردند، بی‌شک بدنی سالم داشتند». (۲)

تأمل در کارها

تأمل در کارها

پروردگار متعال در قرآن مجید می‌فرماید: افرادی که گوش دارند و نمی‌شنوند، چشم دارند و نمی‌بینند و عقل دارند و نمی‌اندیشند، برای جهنم برگزیده شده‌اند.

وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. (اعراف: ۱۷۹)

بی‌شک، بسیاری از جن و انس را آماده دوزخ کردیم. نشانه آنها این است که عقل دارند و اندیشه نمی‌کنند، چشم دارند و با آن نمی‌بینند و گوش دارند و با آن نمی‌شنوند. آنها چون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر؛ آنها همان غافلانند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۴.

۲- بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۳۳۴.

خداوند در آیه ای دیگر یکی از صفات دوزخیان را نداشتن تفکر و تعقل بیان کرده و فرموده است: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ دوزخیان می گویند: اگر ما گوش شنوا و عقل بیداری داشتیم، در میان دوزخیان نبودیم.» (ملک: ۱۰)

در روایات اسلامی نیز به این موضوع مهم تأکید شده است. امام رضا(ع) در حدیثی می فرماید: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيِّئَاتِ وَالصَّوْمِ أَمَّا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ عبادت به زیادی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت حقیقی به تفکر در کار خداوند متعال و اسرار جهان آفرینش است.»^(۱) بنابراین، می توان گفت همواره تفکر و تدبیر، انسان را به خیر و نیکی دعوت می کند و در مقابل، تصمیم شتاب زده اغلب پی آمدهای خوبی ندارد. آدمی با چراغ تفکر راه را از چاه بازمی شناسد. به همین دلیل خداوند حکیم این امانت را در وجود انسان قرار داده است. در آخر شایسته است انسان در کارهای فردی و اجتماعی نخست به آثار و نتایج کارهایش توجه و سپس آن را شروع کند.

امیدواری به خداوند

امیدواری به خداوند

حسن ظن به خداوند باعث کامیابی در دنیا و آخرت می گردد. امام رضا(ع) در این باره می فرماید:

أَحْسِنِ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي، إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ.^(۲)

گمان خود را به خداوند خوب کن؛ زیرا خداوند بزرگ و بلندمرتبه می فرماید: «من در حسن ظن بنده مؤمنم هستم. هرگاه گمان نیکی به من داشته باشد، با او به نیکی رفتار خواهیم کرد و اگر بد باشد، به بدی!».

۱- ۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۸۴.

حسن ظن به خدا و وعده‌های رحمت، کرم، لطف و عنایت او، از نشانه‌های مهم ایمان و از راه‌های مؤثر نجات و سعادت انسان است. در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُظُنُّ بِاللهِ خَيْرًا إِلَّا كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ؛ هَيْجَ بِنْدَةِ الْغَمَانِ نِيكَ بِخِدا نَمِي بَرْد مِگر اينكه خداوند طبق گمانش با او رفتار می‌کند.»^(۱) در حدیث زیبایی از امام صادق (ع) نیز آمده است:

يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخَافَ اللهُ خَوْفًا كَأَنَّهُ مُشْرِفٌ عَلَى النَّارِ وَيَرْجُوهُ رَجَاءً كَأَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمْ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَأَيْتُمْ أَنِّي إِذَا قَالَ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ.^(۲)

سزاوار است بنده مؤمن چنان از خدا بترسد که گویی در کنار دوزخ قرار گرفته و مشرف بر آتش است و چنان بر او امیدوار باشد که گویی اهل بهشت است، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «این گمانی است که شما به خدا پیدا کردید و سبب هلاکتان شد.» سپس امام افزود: خداوند نزد گمان بنده خویش است. اگر گمان نیک برد، نتیجه‌اش نیک و اگر گمان بد برد، نتیجه‌اش بد است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَمَنُ الْجَنَّةِ؛ بهای حسن ظن به خدا بهشت است.»^(۳)

رضا و تسلیم

رضا و تسلیم

اعتراض نکردن به خواست پروردگار را رضایت از قضای الهی می‌گویند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

رَأْسُ طَاعَةِ اللهِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللهِ فِيْمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَلَا يَرْضَى عَبْدٌ عَنِ اللهِ فِيْمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ فِيْمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ.^(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۸۴.

۲- نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۴۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۸.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۵.

بالا‌ترین مرتبه اطاعت از خداوند، صبر و رضایت بر خوشاینها و ناخوشاینهاست. بنابراین، کسی که از خداوند در امور خوشایند و ناخوشایند خشنود نمی‌شود، مگر آنکه در آن خوشاینها و ناخوشاینها برای او خیری است.

ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ عالم‌ترین مردم به خداوند، خشنودترین آنها از قضای خداوند است.» (۱) بدیهی است پروردگار حکیم، در سرنوشت و تقدیر انسان‌ها هدف بزرگی را دنبال می‌کند. پس شایسته است همان گونه که امام صادق (ع) می‌فرماید، انسان در برابر قضای الهی این گونه باشد:

عَبْدِي الْمُؤْمِنَ لَا- أَصِيرُفُهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا- جَعَلْتُهُ خَيْرًا لَهُ فَلْيُرْضَ بِقَضَائِي وَلْيُصْبِرْ عَلَيِّ بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي. (۲)

اوضاع بنده مؤمن خویش را از حالتی به حال دیگر دگرگون نمی‌کنم، مگر آنکه برای او خیری در آن قرار دهم. پس باید به قضای من راضی باشد، هنگام بلای من صبر کند و نعمت‌های من را سپاس گوید؛ زیرا اگر این گونه باشد، ای محمد! او را نزد خود از صدیقان قرار خواهم داد.

در روایتی می‌خوانیم روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از گروهی از اصحاب پرسیدند: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: از مؤمنان هستیم. حضرت پرسید: «نشانه ایمان شما چیست؟» گفتند: هنگام بلا صبر می‌کنیم و هنگام گشادگی و نعمت، سپاس می‌گزاریم و بر قضای خداوند راضی هستیم. پیامبر فرمود: «به خدای کعبه شما از گروه مؤمنان هستید.» (۳)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۶.

۳- احیاء العلوم، ج ۴، ص ۳۳۲.

از آنچه گذشت درمی یابیم آنچه خداوند مقدر کرده، به صلاح و مصلحت انسان است، هرچند او به اسرار و حکمت‌های آن آگاهی نیابد.

خداترسی

خداترسی

برای خداترسی، اندیشیدن در آیات قرآنی کافی است؛ زیرا بیشتر آیات برای کسی که در آنها بیندیشد، سرشار از هشدار است. همین یک آیه برای بیدار شدن انسان کافی است: «سَيَنْفَعُ لَكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ؛ [ای گروه انس و جن!] به زودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت.» (الرحمن: ۳۱) و در آیه ای دیگر آمده است: «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ امروز به اختیار خود هر چه می خواهید انجام دهید که خدا به تمام اعمال شما آگاه است.» (فصلت: ۴۰)

در روایت دیگری نیز آمده است:

هرگاه حضرت ابراهیم(ع) به یاد ایام گذشته خویش می‌افتاد، دگرگون می‌گشت و ضربان قلبش از مسافتی دور شنیده می‌شد. روزی جبرئیل به سوی وی آمد و به او فرمود: خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: آیا تا به حال دیده ای دوستی از دوست خود بترسد؟ پس ابراهیم(ع) به جبرئیل گفت: وقتی اشتباه خود را به یاد می‌آورم، دوستی خود را از یاد می‌برم. (۱)

همچنین گفته‌اند: «چون ابراهیم خلیل به نماز می‌ایستاد، صدای تپش قلب او از دور شنیده می‌شد؛ زیرا خداترس بود.» (۲) روش ائمه اطهار(ع) در گریه و خداترسی نیز درخور تأمل است. به‌راستی چرا ما خداترس نیستیم؟ آیا گناهانمان اندک است یا عبادت‌هایمان بسیار؟!

۱- محجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۰۹.

۲- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸.

اخلاص در عمل (۱)

اخلاص در عمل (۱)

اخلاص در عمل، از اصول مهم اخلاق است. انسان مؤمن کار را برای خدا و با قصد خیر انجام می‌دهد و این گونه نیست که تنها صورت و ظاهر کار را در نظر بگیرد، بلکه باطن کار نیز برایش اهمیت دارد. پیامبر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ؛ خداوند به ظاهر شما نمی‌نگرد، بلکه به قلب‌هایتان و اعمال شما می‌نگرد» (۱).

مؤمنان هر کاری را برای رضای خدا انجام می‌دهند و پاداش خویش را از خدا می‌طلبند. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ رَغِبَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ أَخْلَصَ عَمَلَهُ؛ آن که به آنچه نزد خداست، مایل است، عملش را خالص می‌کند» (۲). اخلاص در عمل، به معنای همسانی ظاهر و باطن است و در این حال، انسان عملش را برای خدا انجام می‌دهد. رسول گرامی اسلام به یکی از یارانش می‌فرماید:

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ! إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْهُ لِلَّهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا. (۳)

ای پسر مسعود! اگر عملی انجام می‌دهی، آن را برای خدا انجام بده؛ زیرا خداوند فقط کارهایی را از بندگانش می‌پذیرد که با خلوص نیت برای او انجام داده باشند.

بنا بر آنچه گذشت، اخلاص، ملاک قبولی طاعات است. انسان، با اخلاص از تنگناها رها می‌شود و ارزش کارها را به اوج می‌رساند. بنابراین، شایسته است آدمی در عملش غیرخدا را شریک نسازد. امام علی (ع) در توصیه‌ای می‌فرماید: «لَا تَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ فِي عَمَلِكَ نَصِيْبًا وَلَا عَلَيَّ»

۱- محجه البيضاء، ج ۶، ص ۳۱۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۱۹۴.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۴۵۳.

نَفْسِكَ سَيِّئًا؛ هرگز در کارت، برای شیطان بهره و برای او راهی برای تسلط بر وجودت قرار مده». (۱)

اخلاص در عمل (۲)

اخلاص در عمل (۲)

در قرآن و روایات به عمل خالصانه تأکید شده است. اهمیت اخلاص چنان است که قبولی اعمال به مقدار خلوص در عمل بستگی دارد. اخلاص، واقعیت و دریافتی قلبی است که تنها با عنایت الهی حاصل می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

جبرئیل به من خبر داد که خداوند عزوجل فرموده است: «الْإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي إِسْتَدْعَتْهُ قَلْبٌ مَنْ أَحْبَبْتُ مِنْ عِبَادِي؛ اخلاص رازی از رازهای من است که آن را در دل بندگان محبوبم به امانت می‌سپارم». (۲)

حضرت فاطمه (س) درباره پیامد اخلاص در عمل می‌فرماید:

مَنْ أَوْجَدَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ. (۳)

هر که عبادت خالصانه خود را به سوی خدا بفرستد، خدای عزوجل بالاترین مصلحت را برایش فرو می‌فرستد.

از امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز نقل شده است که فرمود:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ: طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ. (۴)

امیر مؤمنان علی (ع) همیشه می‌فرمود: خوشا به حال کسی که عبادت و دعایش را برای خدا خالص گرداند.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۲۸۶.

۲- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۳- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

امام صادق(ع) نشانه اخلاص در عمل را چنین معرفی می کند: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ عمل خالص آن است که نخواهی کسی جز خدا تو را برای انجام آن ستایش کند».(۱)

شرم

شرم

یکی از نشانه های ایمان شرم است. حیا، زینت مسلمان است. افراد باتقوا حیا می کنند از چشم و گوش و دست و زبانی که خداوند به آنان بخشیده است، در جهت گناه و انحراف استفاده کنند. امام علی(ع) می فرماید: «الْحَيَاءُ سَبَبٌ إِلَى كُلِّ جَمِيلٍ؛ شرم راهی برای رسیدن به همه زیبایی هاست».(۲)

شرم، انسان را از کارهای ناپسند بازمی دارد. حضرت امیرمؤمنان علی(ع) در این باره می فرماید: «الْحَيَاءُ يَصِيدُ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ؛ شرم، انسان را از کارهای زشت بازمی دارد».(۳)

منشأ عفت و پاک دامنی نیز حیاست و افراد عقیف به خاطر وجود این صفت پسندیده گرد گناه نمی روند. حضرت علی(ع) در سخنی دیگر می فرماید: «الْحَيَاءُ قَرِينُ الْعَفَافِ؛ شرم و پاک دامنی دوشادوش یکدیگرند».(۴) جوان مردان دیدگان خود بر گناه می پوشانند و از نظر بازی می پرهیزند. حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در جای دیگری می فرماید: «أَصْلُ الْمَرْؤَةِ الْحَيَاءُ وَ ثَمَرُهَا الْعِفَّةُ؛ اساس جوان مردی، حیا و نتیجه آن پاک دامنی است».(۵) انسان های باحیا، هنگام گناه حتی از خود نیز شرم می کنند و این روحیه، آنان را از گناه بازمی دارد. حضرت علی(ع) می فرماید: «غَايَةُ الْحَيَاءِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ الرَّجُلُ مِنْ

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۶۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۶۶.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۵۲.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۴۱۸.

نَفْسِهِ؛ نتیجه حیا همان است که انسان هنگام گناه از خویشتن شرم می‌کند.» (۱) هر کس لباس حیا بر تن کند، بی شک عیب او از دیگران پوشیده خواهد ماند. حضرت علی (ع) در کلامی دل‌نشین می‌فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبُهُ لَمْ يَرَ النَّاسُ عَيْبَهُ؛ هر کس جامه حیا در بر کند، مردم عیب او را نمی‌بینند.» (۲) کسی که از خدا شرم کند، گناهانش زدوده می‌شود: «الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا؛ شرم از خداوند، بسیاری از گناهان را از بین می‌برد.» (۳)

شرح صدر

شرح صدر

انسان‌ها در پذیرش حق یکسان نیستند، بعضی با یک اشاره یا یک اندرز کوتاه، حقیقت را درمی‌یابند و آن را می‌پذیرند و بعضی دیگر بهترین اندرزها در وجودشان کمترین اثری نمی‌گذارد. خداوند در قرآن مجید در این باره تعبیر بسیار زیبایی به کار برده و فرموده است:

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ. (انعام: ۱۲۵)

آن که را خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای اسلام وسعت می‌بخشد و آن که را بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را چنان تنگ می‌کند که گویی می‌خواهد به آسمان بالا رود.

بعضی افراد روحشان به اندازه ای وسیع است که به راحتی حقایق الهی را می‌پذیرند، ولی بعضی دیگر روح و فکرشان چنان محدود است که تحمل هیچ حقیقتی را ندارند. اگر آموزه‌های روشن الهی در قلب‌های آماده وارد شود، آنها را نورباران می‌کند. در مقابل، در قلب‌های سخت و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۵۰۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۹۹.

تاریک، نه موعظه سودمند است و نه بیم و امید، نه آیات تکان دهنده الهی و نه باران حیات بخش وحی. امیرمؤمنان علی(ع) درباره این قلب ها می فرماید: «ما جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ؛ اشک ها خشک نمی شود مگر به خاطر سختی دل ها و دل ها سخت و سنگین نمی شود مگر به خاطر فزونی گناه.»(۱) در حدیثی دیگر از امام صادق(ع) می خوانیم:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى يَا مُوسَى لَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَلَا تَدْعَ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَإِنَّ تَرَكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ.(۲)

خداوند متعال به موسی(ع) وحی فرستاد که ای موسی! از کثرت اموال خوشحال مباش و یاد مرا هیچ گاه ترک مکن؛ چرا که کثرت مال موجب فراموش کردن گناهان است و ترک یاد من قلب را سخت می کند.

در هر حال برای به دست آوردن شرح صدر، باید به درگاه خدا روی آورد تا آن نور مطلق بر دل ها بتابد و آینه قلب را از زنگار گناه صیقل دهد.

نفس ستیزی

نفس ستیزی

در قرآن و روایات، توجه بسیاری به مبارزه با نفس شده است و معصومین(ع) برای هدایت مردم در مبارزه با نفس، آموزه های ویژه ای دارند. امام علی(ع) می فرماید:

وَ إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرَوْضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِي آمِنَهُ يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ.(۳)

همانا می گویم نفس خویش را با تقوا رام کنم تا در روزی که ترس و بیم آن سخت تر است، آسوده باشد.

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۵۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۵۵.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، نامه ۴۵.

بی شک، چیرگی بر هوای نفس و مهار کردن آن، کار دشواری است. اگر انسان نتواند خود را حفظ کند و در ارضای خواهش‌های درونی، مغلوب این خواسته‌ها شود، به تدریج توان مقاومت در برابر گناه و معصیت را از دست خواهد داد، چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید:

غَالِبِ الشَّهْوَةَ قَبْلَ قُوَّةِ ضَرَاوَتِهَا فَإِنَّهَا إِنْ قَوِيَتْ مَلَكَتْكَ وَاسْتَفَادَتْكَ وَلَمْ تَقْدِرْ عَلَى مُقَاوَمَتِهَا. (۱)

پیش از آنکه خواهش‌های نفسانی به تندروی عادت کنند، با آنها بجنگ؛ زیرا اگر این خواسته‌های سرکش در تجاوز و خودسری نیرومند شوند، فرمانروای تو می‌شوند و تو را به هر سو که بخواهند، می‌برند. پس قدرت مقاومت در برابر آنها را از دست خواهی داد.

ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید: «غَالِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى تَرْكِ الْمَعَاصِي تَسْرِيْهُلْ عَلَيْكُمْ مَقَادَتُهَا إِلَى الطَّاعَاتِ؛ با ترک گناه، بر نفس‌های خویش چیره شوید تا کشاندن آن به سوی بندگی و فرمانبرداری بر شما آسان شود.» (۲) به یقین، در این مبارزه کسانی موفق خواهند بود که برای سرکوبی نفس، تلاش کنند و آن را به کارهای شایسته عادت دهند. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

وَلَا تُرَخِّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتَذْهَبَ بِكُمْ الرُّخْصُ مَذَاهِبَ الظَّلَمَةِ وَلَا تُدَاهِنُوا فِيهِجَمَ بِكُمْ الْإِدْهَانُ عَلَى الْمُعْصِيَةِ. (۳)

خود را به بی‌بندوباری عادت ندهید؛ چراکه این آزادی، شما را به راه ستمکاران می‌برد و سهل‌انگاری نکنید؛ چون شما را به نافرمانی و گناه می‌کشاند.

۱- فهرست غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۷.

۲- فهرست غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۲۹.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، خطبه ۸۶.

امید داشتن

امید داشتن

امیدواری از عوامل حرکت انسان به سوی کمال است. امید، به زندگی پویایی و نشاط می بخشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا. (۱)

امید برای امت من رحمت است و اگر امید نبود، نه مادری به فرزندش شیر می داد و نه باغبانی درختی می نشانند.

زندگی انسان با امیدواری سرشار از بالندگی و رشد می شود و او را به سوی رستگاری رهنمون می کند.

در آیه ۱۱۰ سوره مبارکه کهف می خوانیم: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ کسی که به دیدار و خشنودی خدا، امید دارد، باید اعمال نیک و صالح انجام دهد.»

آری، انسان امیدوار، انسان موفق و هدفمندی است و جامعه امیدوار نیز جامعه‌ای است پرتوان و پیشرو در عرصه‌های مختلف اجتماعی. امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ؛ کسی که به چیزی امیدوار باشد همیشه در پی اوست و کسی که از چیزی می ترسد از آن دوری می کند.» (۲) این بدین معناست که امید و عمل با هم معنا می یابد و اگر شخصی فقط امیدوار باشد و آینده‌ای درخشان برای زندگی ترسیم کند، ولی به دنبال عمل نباشد، بی شک، به جایی نخواهد رسید. امیرالمؤمنین

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۰.

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۵۷.

علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَجَأَ إِلَى الرَّجَاءِ سَقَطَتْ كَرَامَتُهُ؛ هر کس [فقط] به امید پناه برد، بزرگواری اش نابود می‌شود».^(۱)

فرونشاندن خشم

اشاره

فرونشاندن خشم

واکنش انسان در برابر نیروی خشم را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. تفریط

۱. تفریط

به یقین، بی‌تفاوتی و بی‌رغبتی انسان به عوامل حساسیت برانگیز پیرامونش، ناشی از تعادل نداشتن نیروی غضب در اوست. در قرآن کریم، انسان از تفریط در نیروی غضب نهی شده است. خداوند در سوره مبارکه فتح یکی از ویژگی‌های بارز اصحاب رسول بزرگوار اسلام را «اشدء علی الکفار» معرفی کرده است و از ایشان به عنوان کسانی که در غضب میانه روی کرده‌اند، یاد می‌شود.

۲. افراط

۲. افراط

زیاده‌روی، چه در امور فردی و چه در امور اجتماعی، پیامدهای ناخوشایندی را به همراه خواهد داشت. بی‌پروایی خارج از حد و پیروی نکردن از دستوره‌های اخلاقی و عقلی، از بدترین و آشکارترین نمونه‌های زیاده‌روی در عصبانیت و خشم است. گاهی شدت غضب تا آنجاست که انسان از مبانی شرعی نیز چشم‌پوشی می‌کند و پا از دایره ایمان خارج می‌نهد، چنان‌که امام جعفر صادق (ع) در حدیث گهرباری می‌فرماید: «الغضب یفسد الایمان کما یفسد الخلُّ العسل؛ خشم، ایمان انسان را نابود می‌کند، همان‌گونه که سرکه باعث تباهی عسل می‌گردد».^(۲)

۱- نغمه‌های عقل و عاطفه، ص ۲۷۹؛ به نقل از: کتر الفوائد، ج ۱، ص ۳۵۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۲.

آبرومندی

آبرومندی

از جمله سرمایه‌های باارزش هر انسانی، آبروی اوست که اولیای دین به حفظ آن بسیار سفارش کرده اند. حفظ آبرو، چه در زمان زندگی و چه پس از مرگ، واجب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ؛ مؤمن، آبرو و مال و خونسش محترم است.» (۱) اهمیت آبرومندی تا بدانجاست که انسان باید جاننش را برای آن فدا کند، چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «مِنَ النَّبْلِ أَنْ يَتَّيَّدَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ وَ يَصُونَ عِرْضَهُ؛ از کارهای نیک است که انسان جاننش را بدهد و آبرویش را حفظ کند.» (۲)

در مقابل، از دست دادن آبرو برای پاسداری از مال بسیار نکوهش شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «مِنَ اللُّؤْمِ أَنْ يَصُونَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَ يَتَّيَّدَ عِرْضَهُ؛ مایه سرزنش است که انسان مالش را حفظ کند و آبرویش را از دست بدهد.» (۳) کسی که آبروی خود را حفظ کند، دیگران به وی احترام خواهند گذاشت و هر کس از آبرویش گذشت، بی‌ارزش خواهد شد. آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مَنْ صَانَ عِرْضَهُ وَقَرَّ وَ مَنْ يَتَّيَّدَ عِرْضَهُ حُقِرَ؛ کسی که آبرویش را حفظ کرد، بزرگوار می‌ماند و کسی که آبرو را از دست داد، بی‌ارزش می‌شود.» (۴) یکی دیگر از توصیه‌های پیشوایان دینی برای پاس‌داشت آبرو، پرهیز از رفتن به جاهایی است که احتمال متهم شدن وجود دارد. توصیه شده است از موضع تهمت پرهیزید تا متهم و بی‌آبرو نشوید. رسول

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۲۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۲۷.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۱۹۱.

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أُولَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ؛ سزاوارترین مردم به تهمت، کسانی هستند که با افراد متهم و بدنام هم نشینی می کنند».(۱)

پرهیز از خودبینی

پرهیز از خودبینی

خودبینی، آدمی را به تکبر می کشاند و انسان متکبر از دیدن کاستی ها و لغزش های خویش باز می ماند. عجب، مانع مشورت کردن و استفاده از اندیشه دیگران است. از این رو، خداوند در قرآن مجید، دارنده این صفت را نکوهش کرده و فرموده است: «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا؛ آیا آن که عمل ناپسندش در نزد او نیکو جلوه گر می شود و آن را نیک می بیند.» (فاطر: ۸) در روایات بسیاری این خصلت نکوهش شده است، امام سجاد(ع) به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ شُغَّ مُطَاعٌ وَ هَوَى مُتَّبَعٌ وَ إِعْجَابٌ أَلْمَزَّةُ بِنَفْسِهِ.(۲)

سه چیز است که انسان را هلاک می کند؛ حرصی که از آن پیروی شود و هوای نفسی که از آن پیروی شود و از خود راضی بودن.

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «مَنْ دَخَلَ الْعُجْبُ هَلَكَ؛ آن که عجب بر او مسلط گردد، هلاک می شود.»(۳) گاهی عمل نیک انسان، او را مغرور می سازد و مانع تهذیب نفس بهتر و بیشتر وی می شود. امام صادق(ع) درباره این افراد می فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذِنُّ فَيَنْدُمُ عَلَيْهِ وَ يَعْمَلُ الْعَمَلَ فَيَسِيرُهُ ذَلِكَ فَيَتْرَاحِي عَنْ حَالِهِ تِلْكَ فَلَا يُكُونُ عَلَى حَالِهِ تِلْكَ خَيْرٌ لَهُ مِمَّا دَخَلَ فِيهِ.(۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۷.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۳.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۳.

فردی گناهی مرتکب می‌شود، سپس از آن عمل پشیمان می‌گردد و کار نیکی می‌کند، آن کار نیک، وی را خوشحال می‌کند و از حال پشیمانی دور می‌افتد، در صورتی که حالت پشیمانی برای او بهتر از حالت خوشحالی و سروری است که به علت انجام کار خیر به او دست داده بود.

بهترین راه درمان عجب، توجه به ضعف و ناتوانی خود است و مراقبت بر اینکه هیچ‌گاه به خود مغرور نشود.

پرهیز از جاه‌طلبی

پرهیز از جاه‌طلبی

جاه‌طلبی، علاقه‌مندی به مقام و شهرت است که اسلام به شدت آن را نکوهش کرده است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

مَا ذُبَانَ ضَارِيَانِ أُرْسِلَا فِي زَرْيَبِهِ غَنَمٍ بِأَكْثَرِ فَسَادٍ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْجَاهِ وَالْمَالِ فِي دِينِ الْ-مَرْءِ الْمُسْلِمِ. (۱)

تباهی دو گرگ درنده که در گله گوسفندی رها شوند، بیشتر از فساد دوستی جاه و مال در دین انسان مسلمان نیست.

قلبی که از اشتیاق نام و آوازه سرشار شود، دل به دوستی مردم می‌بندد و گرفتار خودنمایی، شهرت طلبی، نفاق، ظاهرسازی و مانند آن می‌گردد. جاه طلب، همواره در فکر حفظ مقام خویش است و برای اینکه منزلت و مقام او باقی بماند، در حفظ آن می‌کوشد، حال آنکه کمال حقیقی انسان، چیزی جز معرفت الهی و قرب به پروردگار نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا هُلِكَ النَّاسُ بِاتِّبَاعِ الْهَوَىٰ وَحُبِّ الثَّنَاءِ؛ به درستی که مردم بر اثر پیروی از هوای نفس و علاقه به مدح و ثنا هلاک

گردیدند.» (۱) جاه طلبی و ریاست‌مداری زمینه هلاکت انسان را فراهم می‌کند. امام صادق (ع) این خطر را در روایتی زیبا چنین بیان می‌کند:

إِنَّاكُمْ وَ هَوْلَاءِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ يَتْرَاشُونَ فَوَاللَّهِ مَا خَفَقَتِ النَّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَ وَ أَهْلَكَ. (۲)

از این رئیسان ریاست طلب پرهیزید! به خدا سوگند! نعلینی در پشت سر فردی به صدا درنیامد، (مرید و پیرو پیدا نکرد) مگر آنکه هم خود هلاک شد و هم زمینه هلاک دیگران را فراهم کرد.

در هر حال برای حسن عاقبت لازم است انسان از آنچه تخم نفاق در دل می‌افکند، بگریزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حُبُّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ يُنْبِتَانِ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ؛ دوستی مال و جاه طلبی، نفاق را در قلب می‌رویاند آن گونه که آب، گیاه را می‌رویاند.» (۳)

ترک خودستایی

ترک خودستایی

در جای جای قرآن آیه‌های مختلفی در نکوهش خودستایی و سفارش بر ترک آن دیده می‌شود. در سوره مبارکه نجم می‌خوانیم: «فَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى؛ خودستایی نکنید؛ چرا که او پرهیزکاران را بهتر می‌شناسد.» (نجم: ۳۲) و در آیه دیگر آمده است:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا. (نساء: ۴۹)

آیا ندیدی آنهایی را که خودستایی می‌کنند؟ بلکه خدا هر که را بخواهد، می‌ستاید و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

۱- محجه البيضاء، ج ۶، ص ۱۱۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳- محجه البيضاء، ج ۶، ص ۴۰.

بنابراین، انسان باید از خودستایی پرهیزد و هیچ‌گاه خود را از عیب‌ها و کاستی‌ها، پاک و منزّه نداند. در بسیاری از احادیث نیز خودستایی به شدت نکوهش شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

پرهیزکاران از اعمال خویش به اندک راضی نیستند و اعمال فراوان خود را زیاد نمی‌بینند. آنان خویشتن را متهم می‌کنند و از کردار خود بیمناکند. هرگاه یکی از آنها ستوده شود، از آنچه درباره‌اش گفته شده، در هراس می‌افتد و می‌گوید: «من از دیگران نسبت به خود داناترم و پروردگارم به اعمالم از من آگاه‌تر است.» پروردگارا! مرا بهتر از آنچه آنها گمان می‌کنند، قرار ده و گناہانی را که نمی‌دانند، بیامرز! (۱)

حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «أَقْبَحُ الصَّدَقِ ثَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ؛ زشت‌ترین سخن راست، مدح و ثنای انسان درباره خویشتن است.» (۲) و امام علی بن موسی الرضا (ع) چه زیبا می‌فرماید:

عقل هیچ مسلمانی کامل نمی‌شود مگر اینکه ده خصلت در او باشد، آیا می‌دانید دهمین خصلت کدام است؟ گفته شد: چیست؟ فرمود: هیچ‌کس را ننگرد، مگر اینکه بگوید او از من پرهیزکارتر است. همانا مردم دو دسته‌اند: گروهی که از او بهتر و پرهیزکارتر و گروهی که از او بدتر و زبون‌ترند. پس هرگاه کسی را ببیند که از او پست‌تر است، بگوید شاید درونش بهتر باشد و آن بهتر بودن باطن برای او بهتر است و خوبی من ظاهر است و شاید این ظاهر خوب در واقع به ضرر من باشد و هرگاه کسی را ببیند که بهتر و باتقواتر از او باشد، در برابرش فروتنی

۱- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، خطبه ۱۹۳.

۲- فهرست موضوعی غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۱.

کند تا به رتبه او برسد و هنگامی که این گونه رفتار کند، عزت و احترامش بالا می‌رود و نامش به نیکی برده می‌شود. (۱)

تقویت اراده

تقویت اراده

اراده قوی، نتیجه علم و ایمان است. هنگامی که انسان به موضوعی علم و ایمان و شناخت دارد، تصمیمش نیز محکم خواهد بود. در آموزه‌های روایی شیعه، بر تقویت اراده بسیار سفارش شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِذَا عَقَدْتُمْ عَلَيَّ عَزَائِمَ خَيْرٍ فَأَمْضُوهَا؛ هرگاه بر کارهای خیر تصمیمی گرفتید، به سوی آنها بروید و انجامش دهید.» (۲) عزم جزم و اراده راسخ اثرهای فراوانی دارد. کسانی که به گناه مبتلا شده‌اند و می‌خواهند آن را ترک کنند، افرادی که گرفتار اعتیادند و قصد رهایی دارند، آنان که قصد فاصله گرفتن از دوستان ناباب دارند، همگی به اراده قوی نیاز دارند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «أَصْلُ الْعَزْمِ الْحَزْمُ وَ ثَمَرَتُهُ الظَّفَرُ؛ اساس اراده، دوراندیشی و نتیجه آن پیروزی است.» (۳) بدیهی است تصمیم‌گیری و اراده در پی تفکری قوی خواهد بود؛ یعنی انسان، نخست کاری را می‌سنجد و پیامدهای آن را محاسبه می‌کند، سپس تصمیم به انجام دادن آن می‌گیرد. بنابراین، قبل از انجام دادن هر کاری، به تفکر و مشورت نیاز است. مشورت کردن درحقیقت، بهره‌مندی از علم و تجربه دیگران است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَلَّ الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ؛ دوراندیشی به این است که با

۱- تحف العقول، ص ۴۴۳.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۲۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۱۷.

صاحب رأی مشورت و به پیشنهاد او عمل کنی.»^(۱) البته اگر این دوراندیشی در مسیر درست نباشد، اراده و عزم قوی انسان را در بیراهه رفتن تقویت خواهد کرد؛ زیرا اگر راه، راه درستی نباشد، شخص هر لحظه از هدف دورتر خواهد شد. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي عَزْمٍ بَعِيرٍ حَزْمٍ؛ در اراده، بدون دوراندیشی خیری نیست.»^(۲)

شجاعت

شجاعت

از جمله صفات پسندیده‌ای که موجب عزت و پرورش شخصیت انسان می‌شود، شجاعت است. در مقابل، ترس مایه ننگ و بدنامی است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «الشُّجَاعَةُ زَيْنُ الْجَبْنِ شَيْنٌ؛ شجاعت، زینت و ترس مایه ننگ و زشتی است.»^(۳) البته در میان شجاعان، عده‌ای شجاعت بیشتری دارند. ایشان کسانی هستند که بر نفس خویش غالب و پیروزند. امام علی (ع) از این افراد چنین یاد می‌کند: «أَشَجُّ النَّاسِ مَنِ غَلَبَ هَوَاهُ؛ دلیرترین مردم کسی است که بر هوای نفس خویش پیروز گردد.»^(۴) ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید: «أَقْوَى النَّاسِ أَعْظَمُهُمْ سُلْطَانًا عَلَى نَفْسِهِ؛ نیرومندترین مردم کسی است که بیشترین سلطنت را بر نفس خویش داشته باشد.»^(۵)

در کنار تسلط بر نفس، ایستادگی در هنگام بروز حوادث نیز نوعی شجاعت است. آن که شجاع است، حوادث ناگوار، متزلزلش نمی‌کند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵.

۲- مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۱۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۴.

۴- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۶.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۳۶.

امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می فرماید: «أَشَجُّعُ النَّاسِ أَثْبَتُهُمْ عَقْلًا فِي بِدَاهِهِ الْخَوْفِ؛ دَلِيرُتَرِينَ مَرْدَمِ كَسَى اسْتِ كِه عَقْلَشِ دَرِ مَوَاقِعِ تَرَسِ، مَحْكَمُ تَرِ وَ ثَابِتُ تَرِ بَاشِد.»^(۱) اگر انسان بتواند در هنگام بروز حوادث، صبور باشد یا به هنگام مواجه شدن با لغزشگاه‌های معصیت، پایدار بماند، می توان گفت انسان شجاعی است. امام علی(ع) می فرماید: «الشُّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةٍ؛ شَجَاعَتُ، [دَرِ گَرُو] لِحِظَةِ اَیِ صَبْرِ كَرْدَنِ اسْت.»^(۲) حضرت در سخنی دیگر این فضیلت را به گونه‌ای دیگر بیان می کند: «الشُّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَ فَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ؛ شَجَاعَتُ، یَاوَرِیِ آمَادَه وَ فَضِيلَتِیِ أَشْكَارِ اسْت.»^(۳)

سکوت

سکوت

زبان از بهترین نعمت‌های الهی است، اما درست استفاده نکردن از آن مشکلات فراوانی به بار می آورد. باید دانست همان گونه که سخن گفتن به موقع، لازم و کارگشاست، سکوت نیز در جای خود مطلوب و پسندیده است. سکوت، زمینه تفکر و تدبر را فراهم می کند و به انسان هیبت و عظمت می بخشد و با سکوت از بسیاری از لغزش‌های زبان جلوگیری می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ صَيَّمَتْ نَجِيًّا؛ اَنْ كِه سَاكِتْ بَاشِدِ، نَجَاتِ مِیِ یَابِد.»^(۴) آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ عَلٰی مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ اِلَّا حَصَائِدُ اَلْبَسَاتِيهِمْ؛ اَیَا چِیزِیِ جِزِ مَحْصُولِ زَبَانِ، مَرْدَمِ رَا بَه رُو دَرِ آتَشِ مِیِ اَفْكَند.»^(۵)

۱- نغمه‌های عقل و عاطفه، ص ۱۹۰، به نقل از: شرح نهج البلاغه، ص ۲۰.

۲- نغمه‌های عقل و عاطفه، ص ۱۹۰، به نقل از: شرح نهج البلاغه، ص ۲۰.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۰.

۴- محجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۲.

۵- محجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۳.

پرگویی باعث فزونی گناهان انسان می شود، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ وَ مَنْ كَثُرَ سَقَطُهُ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ مَنْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ كَانَتْ النَّارُ أُولَىٰ بِهِ. (۱)

هر کس سخنش زیاد شد، لغزش وی نیز زیاد می گردد و هر که لغزشش زیاد شد، گناهانش افزون می شود و آن که گناهش افزون شد، آتش بر او سزاوارتر است.

امام علی (ع) می فرماید: «الْعَافِيَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُهُ مِنْهَا فِي الصَّمْتِ؛ سلامتی از حوادث، ده بخش است که نه بخش آن در سکوت است.» (۲) حضرت در سخن دیگری می فرماید: «كُلُّ سَكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ سَهْوٌ؛ هر سکوتی که در آن اندیشه نباشد، سهو و فراموشی به حساب می آید.» (۳)

سخن بی موقع همانند کبریت زدن به مواد آتش زاست که ممکن است ضررهای جانی و مالی به انسان برساند. امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می فرماید: «الصَّمْتُ فِي أَوَانِهِ خَيْرٌ مِنَ الْمُنْطِقِ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ؛ سکوت به موقع بهتر از سخن گفتن بی موقع است.» (۴) یا در جایی دیگر می فرماید: «لَا حَافِظَ أَحْفَظُ مِنَ الصَّمْتِ؛ هیچ نگهبانی نگه دارنده تر از سکوت نیست.» (۵) بعضی روایت ها، سکوت را عبادت معرفی کرده اند، چنان که امام علی (ع) می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ

۱- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۱۹۶.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.

۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۶.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۶.

۵- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۳۷۸.

و الصَّمْتُ وَ انْتِظَارُ الْفَرْجِ؛ برترین عبادت ها، سکوت و انتظار فرج است.» (۱) خودداری از حرف های غیر ضروری باعث مصونیت می شود. مولای متقیان در کلامی فرمود: «مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ؛ آن که زیاد سخن می گوید، خطایش زیاد می شود.» (۲) آن حضرت کم حرفی را نشانه بلوغ عقل دانسته و فرموده است: «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ زمانی که عقل و خرد کامل شد، سخن کم می گردد.» (۳)

لقمان حکیم چه زیبا به فرزندش پند می دهد: «يَا بُنَيَّ إِنْ كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضِّهِ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ؛ ای فرزند! اگر تصور می کنی سخن گفتن نقره است، بدان که سکوت طلاست.» (۴) حضرت علی (ع) نیز در کلامی شیرین فرمود:

آدمی به زیر زبان خویش پنهان است. پس کلام خود را بسنج و آن را بر عقل و دانش خود عرضه کن، اگر آن کلام برای خدا و در راه خدا بود، آن را بگو و اگر غیر از این بود، سکوت از سخن گفتن بهتر است! (۵)

ادب‌ورزی

ادب‌ورزی

ادب، نسیمی است که از چمنزار ایمان و اخلاق می وزد و عطر ایمان را در جامعه می پراکند. ادب، دل را پاکیزه می کند و آن را صیقل می دهد. حضرت علی (ع) می فرماید: «ذَكَكَ قَلْبُكَ بِالْأَدَبِ؛ دلت را با ادب تزکیه و پاکیزه

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۳.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۷.

۵- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

کن! (۱) ایشان در کلامی دیگر چارچوب ادب‌ورزی را چنین بیان می‌کند: «أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حِدِّهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ؛ بهترین نوع ادب این است که انسان در حد و مرز خویش توقف کند و از اندازه شخصیت خویش تجاوز نکند.» (۲) نتیجه رعایت ادب، کسب اخلاق نیکو و پسندیده‌ای است که انسان را از دیگران متمایز می‌کند. خردمندان به ادب نیاز دارند، چنان که زارع، به آب نیازمند است. حضرت علی (ع) فرمود: «كَفَاكَ أَدْبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ در خصوص ادب کفایت می‌کند تو را، از آنچه در دیگران ناپسند می‌دانی، دوری کنی.» (۳)

کسب فضایل اخلاقی بهترین نوع آداب است. امام علی (ع) در کلامی فرمود: «مَنْ لَمْ يَضِلُّخْ عَلَى أَدَبِ اللَّهِ لَمْ يَضِلُّخْ عَلَى أَدَبِ نَفْسِهِ؛ آن که با ادب الهی اصلاح نشود، بر ادب نفس خود، اصلاح نشود.» (۴) بعضی از افراد ادب را در نژاد و نسب نیکو جست‌وجو می‌کنند، درحالی که در منطق اسلام، حسن ادب جای حسب و نسب را پر می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «حُسْنُ الْأَدَبِ يُنُوبُ عَنِ الْحَسَبِ؛ نیکویی ادب جای خالی حسب و نسب را پر می‌کند.» (۵) ایشان در سخنی

۱- نهج البلاغه، ص ۵۴۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۴۷.

۳- نهج البلاغه، ص ۵۴۸.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۴۱۷.

۵- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۱۹.

دیگر می‌فرماید: «الشَّرْفُ بِالْعَقْلِ وَ الْأَدَبِ لَا بِالْحَسَبِ وَ النَّسَبِ؛ شرافت انسانی به عقل و ادب است، نه به اصل و نسب» (۱).

عزت‌مداری

عزت‌مداری

برخی از مردم، در دنیا به دنبال عزت و سربلندی هستند، در حالی که عزت و عظمت در وابستگی به خداوند و وارستگی از دنیا است. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ جِدَّ الدُّنْيَا هَزْلٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ عُلوُّهَا سُفْلٌ؛ به‌راستی که جدی دنیا شوخی و عزتش، خواری و بلندی‌اش عین پستی است» (۲). آن حضرت، در کلامی دیگر عزت حقیقی را در کسب تقوا می‌داند و می‌فرماید: «لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَا عِزٌّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى؛ شرافتی بالاتر از اسلام و عزتی ارجمندتر از تقوا نیست» (۳). انسان سربلند، با قناعت، خود را از دیگران بی‌نیاز می‌کند و دست‌نیاز خویش را فقط به سوی خالق، بلند می‌کند. حضرت علی (ع) این بی‌نیازی را نیز چنین تصویر می‌کند: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ؛ عزت مؤمن در بی‌نیازی‌اش از مردم است» (۴). اگر دندان فاسد نیازمندی به مردم، از بن‌کنده شود، عزت خدادادی انسان محفوظ خواهد ماند، در غیر این صورت زمینه خواری فراهم می‌آید.

ناگفته نماند که برخی صفات پسندیده در افراد، مایه عزت و سربلندی آنها می‌شود. امام محمد باقر (ع) در روایتی به چند صفت اشاره می‌کند:

- ۱- نغمه‌های عقل و عاطفه، ص ۱۲۵، به نقل از: نهج‌البلاغه، کلمات قصار. این حدیث در تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۱، ح ۳۴۸ نیز این‌طور آمده است: «أَتَمَّ الشَّرْفُ بِالْعَقْلِ وَ الْأَدَبِ لَا بِالْمَالِ وَ الْحَسَبِ».
- ۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۰۳.
- ۳- نهج‌البلاغه، ص ۵۴۰.
- ۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۹.

ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ وَ الصَّلَةُ لِمَنْ قَطَعَهُ.

سه چیز است که خدا مسلمان را به خاطر آنها جز عزت و سربلندی ندهد: عفو و گذشت از کسی که به او ستم کرده، بخشش به کسی که از او دریغ داشته و پیوند و ارتباط برقرار کردن با کسی که از او بریده و با وی قهر کرده است. (۱)

جوان مرد

جوان مرد

جوان مرد به کسی گفته می‌شود که اهل گذشت و ایثار باشد و در بسیاری از مواقع از حق خودش برای رسیدن دیگران به مقصودشان بگذرد. البته جوان مردی آیین و روشی دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «اسْمَعُوا إِذَا سِئِلْتُمْ؛ هر گاه از شما چیزی خواستند، جوان مرد و بخشنده باشید!» (۲) جوان مردان به دلیل گذشت و احسانی که دارند، دارای محبوبیت و جذابیت ویژه‌ای هستند. حضرت علی (ع) در روایتی، این اثر ارزشمند جوان مردی را چنین توضیح می‌دهد: «مَنْ سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِالْعَطَاءِ اسْتَعْبَدَ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا؛ هر که نفس خویش را به بخشندگی وادارد، مردم دنیا را بنده احسان خود کرده است.» (۳)

شخص جوان مرد به دلیل جوان مردی‌اش از دوستی مردم بهره‌مند می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «مِنْ عَامِلِ النَّاسِ بِالْمُسَامَحَةِ اسْتَمْتَعَ بِصِيَحْتِهِمْ؛ آنان که با مردم به گذشت و ایثار معامله می‌کنند، از مصاحبت و دوستی آنان بهره‌مند می‌گردند.» (۴) جوان مردان آن قدر اهل عفو و گذشتند که حتی از کسانی که به آنها ظلم روا داشته‌اند، می‌گذرند؛ زیرا حضرت علی (ع) به آنان آموخته

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۹.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۴۱.

۴- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۳۸۴.

است: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ چون بر دشمن دست یافتی، گذشت از او را شکرانه این نعمت قرار ده!»^(۱)

کنترل زبان

کنترل زبان

نعمت سخن گفتن، از مهم ترین نعمت های الهی است. از این رو انسان باید قدر این نعمت را بداند و خدا را بر آن سپاس گوید. بی شک سپاس حقیقی این نعمت آن است که از آن به جا و به وقت استفاده کند. در متون روایی، یکی از نشانه های انسان عاقل آن است که بی جا سخن نمی گوید؛ زیرا زبان، نشان دهنده میزان عقل انسان است، چنان که امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ سخن بگویند تا شناخته شوید؛ چرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است.»^(۲) انسان تا هنگامی که سخن نگفته است، کلام در اختیار اوست، اما وقتی از دهان او خارج شد، انسان در اختیار آن قرار می گیرد، این حقیقت را امام علی (ع) این گونه بیان می فرماید:

أَلَكَلَامِ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ فَاخْزِنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزِنُ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ قُرْبَ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَجَلَبَتْ نِقْمَةً.^(۳)

تا سخن نگفته ای، [مهار] آن در اختیار توست، اما اگر از دهانت خارج شد، تو در اختیار آنی. بنابراین، زبانت را چون طلا و نقرهات نگه دار؛

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۴۷۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۸۴.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، حکمت ۳۸۱.

زیرا بسیار شده که یک کلمه، نعمت بزرگی را از انسان سلب کرده یا بلا و دردسری برایش فراهم ساخته است.

چه بسیار افرادی که از سخن گفتن خود پشیمانند، اما هیچ کس به خاطر سکوت کردن پشیمان نمی‌شود. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «نَجَاهُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ؛ نجات مؤمن در حفظ زبان اوست.»^(۱) امام جعفر صادق (ع) نیز می‌فرماید:

قال لقمان لابنه يا بُنَيَّ! إِنْ كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضِّهِ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ.

لقمان به فرزندش گفت: فرزند عزیزم! اگر گمان می‌کنی سخن گفتن از نقره است، به درستی که سکوت از طلا است.

در آخر، همواره این توصیه رسول الله صلی الله علیه و آله را در نظر داشته باشیم که: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْلَمَ فَلْيَلْزِمِ الصَّمْتَ؛ آن که می‌خواهد سالم بماند، باید سکوت کند.»^(۲)

صبر و شکیبایی

صبر و شکیبایی

انسان هیچ‌گاه از صبر بی‌نیاز نیست؛ زیرا آنچه که آدمی در دنیا با آن برخورد کند، یا مطابق میل اوست یا برخلاف میل و سلیقه فردی اوست که در هر دو حالت صبر لازم است. در حالت اول مانند صحت و سلامت و دارایی و مقام و زیادی خویشان و مانند آن که برای بنده شایسته است، صبور باشد؛ زیرا اگر انسان نفس خویش را از تمایل به این موارد حفظ نکند، ناتوان می‌شود و به اسراف، زیاده‌روی، طغیان و سرکشی سوق پیدا می‌کند. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴.

۲- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۳.

لَيَطْغَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ؛ انسان هنگامی که خود را بی‌نیاز ببیند، سرکش و مغرور می‌شود.» (علق: ۶ و ۷) البته مؤمن در برابر بلا و مصیبت، شکیباست، ولی صبر بر عافیت، رفاه و آسایش مخصوص صدیقان است و اینها، نوعی آزمایش است که خداوند متعال در آیه ای از قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ به درستی که اموال و فرزندان شما مایه آزمایش شما هستند.» (تغابن: ۱۴) اما در حالت دوم که مطابق میل و هوای انسان نیست، در دو حالت محصور است یا مانند طاعات و گناهان در اختیار و تحت اراده آدمی است یا مانند هجوم دشمن و حوادث در اختیار انسان نیست.

در طاعت و عبادات نیز انسان نیازمند صبر است، برای مثال در طاعاتی مانند نماز باید با تنبلی و در زکات باید با بخل مقابله کرد و با صبر و شکیبایی به این اعمال پرداخت. درباره صبر در مقابل حوادث و مشکلات نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی می‌فرماید:

إِذَا وَجَّهْتُ إِلَىٰ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي مُصِيبَةً فِي بَدَنِهِ أَوْ مَالِهِ أَوْ وُلْدِهِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ ذَلِكَ بِصَبْرٍ جَمِيلٍ اسْتَحَيْتُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَنْصِبَ لَهُ مِيزَانًا أَوْ أَتَشْرَهُ دِيوَانًا. (۱)

اگر در بدن یا مال یا فرزند بنده ای از بندگانم بلایی ایجاد کنم و آن بنده با آن مصیبت با صبری نیکو برخورد کند، در روز قیامت شرم خواهم کرد از اینکه برای اعمال آن بنده، میزان اعمال را نصب کنم یا پرونده اعمالش را منتشر سازم.

مسئولیت گوش

مسئولیت گوش

خداوند در قرآن کریم مسئولیت انسان را به محدوده زبان و سخن محصور نمی‌کند، بلکه چشم و گوش و قلب و دل را نیز در خوش بختی یا بدبختی انسان مسئول می‌داند؛ چنان که می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ از آنچه نمی‌دانی پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولند». (اسراء: ۳۶)

در روایتی نیز می‌خوانیم: شخصی خدمت امام جعفر صادق (ع) رسید و عرض کرد: همسایگان من کنیزکانی دارند که می‌خوانند و می‌نوازند. گاهی که برای قضای حاجت بیرون می‌روم، به خاطر اینکه نغمه و آواز آنها را بشنوم، نشستن خود را طولانی‌تر می‌کنم. حضرت فرمود: «این کار را مکن!» آن مرد عرض کرد: به خدا سوگند! برای اینکه نغمه‌های آنها را بشنوم، نمی‌روم، بلکه گاهی که آنجا می‌روم و صدای آنها به گوشم می‌رسد، قدری بیشتر می‌نشینم. امام صادق (ع) فرمود: «مگر نشنیده‌ای که خداوند در قرآن می‌فرماید: گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولند؟» گفت: به خدا سوگند! هرگز این آیه را از هیچ کس، نه عرب و نه عجم، نشنیده بودم و اکنون این کار را ترک می‌کنم و از خداوند عفو و مغفرت می‌خواهم. امام صادق (ع) فرمود: «برخیز غسل [توبه] کن و تا می‌توانی نماز بخوان؛ چون به کار بسیار بدی عادت کرده بودی که اگر در آن حال می‌مردی، در بدترین حالت از دنیا می‌رفتی و مسئولیت بزرگی داشتی. اینک به درگاه خدا توبه کن و از او بخواه توبه تو را از کارهای زشتی که مرتکب شده‌ای، بپذیرد!» (۱)

بنابراین، باید گوش را مثل زبان حفظ کرد. امام سجاد(ع) درباره حق گوش می‌فرماید:

و اما حق گوش آن است که آن را مجرای ارتباط قلبت با خارج قرار ندهی، جز در مورد انتقال سخنان کریمانه و حکیمانه‌ای که در دل، اندیشه و ایده خوبی پدید آورده و یا خُلق کریمی نصیب تو کند؛ زیرا گوش دری است به سوی دل که انواع و اقسام معنای خوب یا بد را به آن می‌رساند و برای خلق جز نیرویی که پروردگار به آنها می‌بخشد، هیچ نیرویی نیست. (لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ). (۱)

گناه گریزی

گناه گریزی

همان گونه که در تربیت و سالم‌سازی بدن باید از انجام بعضی امور و خوردن پاره‌ای از خوردنی‌ها پرهیز کرد، در تربیت و تهذیب نفس نیز باید پرهیزهایی داشت. امام باقر(ع) می‌فرماید:

عَجَبًا لِمَنْ يَحْتَمِي عَنِ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ كَيْفَ لَا يَحْتَمِي عَنِ الْمَعَاصِي خَشْيَةَ النَّارِ. (۲)

شگفتا که مردم از ترس بیماری در خوردن غذا احتیاط و امساک می‌کنند، ولی از بیم آتش دوزخ از گناه خودداری نمی‌کنند.

البته خویشتن‌داری و پرهیز، برخلاف خواهش‌های نفسانی انسان و در آغاز قدری دشوار است، اما با ریاضت و مجاهدت، در پایان، کارها آسان و راه‌ها هموار خواهد شد، چنان که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید:

غَالِبُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى تَرْكِ الْمَعَاصِي تَسْهَلْ عَلَيْكُمْ مَقَادَّتُهَا إِلَى الطَّاعَاتِ. (۳)

۱- تحف العقول، ص ۱۸۴.

۲- جامع احادیث شیعه، ج ۳، ص ۳۲۷.

۳- جامع احادیث شیعه، ج ۳، ص ۳۲۶.

در ترک گناه، با نفس خویش دست و پنجه نرم کنید تا کشاندن آن به سوی طاعات و عبادات بر شما آسان شود.

امام صادق(ع) نیز درباره ترک گناه می‌فرماید:

إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يُخْتِمَ بِخَيْرٍ عَمَلُكَ حَيْثُ تُقْبِضَ وَ أَنْتَ فِي أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ فَعِظْمَ لِلَّهِ حَقُّهُ أَنْ تَبْدُلَ نِعْمَاتَهُ فِي مَعَاصِيهِ وَ أَنْ تَعْتَرَّ بِحِلْمِهِ عَنْكَ. (۱)

اگر بخواهی کارت به خوبی به پایان رسد، تا از این دنیا، در حالی رخت بربندی که به بهترین عمل مشغول باشی، حق خدای را بزرگ بدار. مبدا نعمت‌های او را در نافرمانی صرف کنی و به حلم و بردباری او مغرور شوی!

باید دانست گناه همان سرکشی از دستورهای پروردگار و بسیار زشت و ناپسند است و هیچ گناهی از این نظر کوچک نیست. امام صادق(ع) می‌فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ. (۲)

گناه، انسان را از عبادت و تهجد محروم می‌سازد و لذت مناجات با خدا را از او سلب می‌کند. اثر گناه از کارد برنده سریع‌تر است.

خرسندی و بی‌نیازی

خرسندی و بی‌نیازی

آرزوهای مادی، انسان را به خواری می‌کشاند؛ زیرا انسان برای رسیدن به آنها منت همه را می‌کشد، درحالی که اگر قناعت پیشه کند و به آنچه دارد راضی و خرسند باشد، هرگز نیازمند نخواهد شد و در نتیجه این بی‌نیازی، با عزت و شرافت زندگی خواهد کرد. امام علی(ع) در

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۵۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۲.

توصیه ای می‌فرماید: «الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ بزرگ‌ترین بی‌نیازی آن است که به آنچه در دست مردم است، بی‌اعتنا باشی.» (۱) استغنا و بزرگ منشی، انسان را بلندطبع می‌کند، به گونه‌ای که هرگز احساس کمبود نمی‌کند. امام علی (ع) در حدیثی به این امر اشاره دارد: «الْغِنَى عَنِ الْمُلُوكِ أَفْضَلُ مُلْكِكِ؛ برترین سلطنت، بی‌نیازی از پادشاهان است.» (۲)

بدیهی است هرگونه وابستگی به غیر خداوند، نیازمندی است و تکیه به خداوند متعال و ایمان به خداست که به انسان آزادگی می‌بخشد، چنان که امام علی (ع) در سخنی دیگر می‌فرماید: «الْغِنَى بِغَيْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ الْفَقْرِ وَالشَّقَاءِ؛ توانگری به غیر خداوند، بزرگ‌ترین فقر و بدبختی است.» (۳)

امام جعفر صادق (ع) به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعِفَافَ وَ الْكِفَافَ. (۴)

خدایا! به محمد و آل محمد و دوستدارانشان پاک دامن‌ی و به اندازه کفایت روزی عطا کن!

آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلِمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافًا؛ خوشا به حال کسی که مسلمان و زندگی‌اش به قدر کفاف باشد.» (۵) اگر مؤمن به آنچه خدا به او داده است، قناعت کند، از دیگران بی‌نیاز است و روح قناعت و بی‌نیازی است که ارزشمند است، نه مال و ثروت؛ چه بسا ثروتمندانی که فاقد روح بلندند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةٍ»

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۵۳۴.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۶.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

الْعَرَضِ إِنَّمَ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ؛ بی‌نیازی به فراوانی ثروت نیست، بی‌نیازی تنها در روحیه بی‌نیازی است.» (۱) امام جعفر صادق (ع) در روایت دیگری به همین مضمون می‌فرماید: «مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ هر که به آنچه خدا روزی اش کرده قانع باشد، از بی‌نیازترین مردم است.» (۲) روشن است اگر کسی به آنچه خدا برای او مقدر کرده است، راضی نباشد، به مال دیگران چشم طمع خواهد داشت. در نتیجه دست نیاز به سوی آنان دراز می‌کند و این موجب خواری او می‌شود. امام جعفر صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ؛ چه زشت است برای مؤمن، میل و رغبتی در او باشد که او را خوار و ذلیل کند.» (۳)

سرعت در توبه و بازگشت

سرعت در توبه و بازگشت

هیچ انسانی از گناه مصونیت ندارد. از این رو، توبه و بازگشت به همگان توصیه شده است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا؛ همگی به سوی پروردگار توبه کنید!» (نور: ۳۱) امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِئَةَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ، إِنَّ اللَّهَ يُخْصُّ أَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ لِيُاجِرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ. (۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شبانه‌روز صدبار به درگاه خداوند توبه و استغفار می‌کرد، بدون اینکه از او گناهی سر زده باشد. به درستی که خداوند اولیای خود را به گرفتاری و مصیبت دچار می‌سازد تا بدین وسیله آنها را اجر و پاداش دهد. بدون آنکه گناهی [از آنان سر زده باشد].

۱- محجبه البیضاء، ج ۶، ص ۵۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۰.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در قرآن سفارش شده زمان مناسب برای توبه، کوتاه ترین زمان پس از ارتکاب گناه است:

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِنَّ. (نساء: ۱۷ و ۱۸)

بی شک، خداوند توبه کسانی را می پذیرد که عمل ناشایست را از روی نادانی مرتکب شوند، به زودی توبه کنند و کسانی که گناهان را [در همه عمر] انجام می دهند و آن گناه که مرگ آنان فرارسید، [در آن ساعت پشیمان می شوند و] می گویند: «اکنون توبه کردم»، توبه شان پذیرفته نخواهد شد.

لقمان حکیم نیز به فرزندش این گونه سفارش می کند:

آن که با عقب انداختن توبه، به توبه کردن شتاب نرزد، میان دو خطر بزرگ است: یکی آنکه ظلمت گناه بر قلبش انباشته شده، تا آنجا که رنگ گناه بر آن نقش بسته و دیگر پذیرای پاکی و پاکیزگی نگردد. دوم آنکه مرض و مرگ به سوی او بشتابد و فرصت پاک کردن آلودگی های خویش را به دست نیاورد. (۱)

اصرار بر گناه

اصرار بر گناه

کسانی که در توبه تسویف می کنند و از گناه پشیمان نیستند، فرجام شومی در پیش دارند. امام صادق (ع) می فرماید:

كَانَ أَبِي (ع) يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِنَّ الْقَلْبَ لِيَوَاقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَرَأَى بِهِ حَيْثِي تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرُ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ. (۲)

۱- محجه البيضاء، ج ۷، ص ۲۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۸.

پدرم (امام محمد باقر (ع)) بارها می فرمود: هیچ چیز برای قلب زیان بارتر از گناه نیست؛ چه آنکه قلب با گناه می آمیزد و بر گناه اصرار می ورزد تا آنکه گناه بر قلب چیره می شود و سرانجام آن را وارونه می کند.

قلبی که بر اثر زیاده روی در گناه، پاکی و طهارت اولیه خود را از دست دهد، سخن حق و موعظه در آن اثر نمی کند و این همان راهی است که به فرموده خدا در قرآن کریم، پایانش کفر و تکذیب آیات خدا و استهزای حقایق آسمانی خواهد بود. در سوره روم می خوانیم:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوْآیَ أَنْ كَذَّبُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا یَسْتَهْزِؤْنَ. (روم: ۱۰)

پس آنها که بد کردند [و در ارتکاب گناه اصرار ورزیدند]، دچار عاقبتی بدتر شدند. [و آن اینکه] آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به استهزا گرفتند.

آدمی با اصرار بر گناه، توفیقات الهی را از دست می دهد و در دام دنیا و خواسته های نفسانی گرفتار می شود. امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

یَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ أَدْنَى مَا أَصْنَعُ بِالْعَبْدِ إِذَا أَثَرَ شَهْوَتَهُ عَلَى طَاعَتِي أَنْ أُحْرِمَهُ لَذِيذَ مُنَاجَاتِي. (۱)

خداوند تعالی می فرماید: هنگامی که بنده من خواهش های نفسانی خویش را بر طاعت من ترجیح دهد، کمترین کیفری که در حق او روا می دارم آن است که او را از لذت مناجات محروم می سازم.

بنابراین، شایسته نیست انسان خردمند در رفع آثار شوم گناه از صفحه دل درنگ کند؛ زیرا گناه چون سم مهلکی است که اگر در رفع آن هرچه زودتر اقدام نکند، راه نجاتی برایش باقی نمی ماند.

ترک آرزوهای دراز

ترک آرزوهای دراز

پایه آرزوهای دراز، دنیادوستی و دور دانستن مرگ است. درحالی که مرگ هر لحظه ممکن است به سراغ ایشان بیاید. از این رو، رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

إِذَا أَضِیْبَحْتَ فَلَا تُحِیْدُ نَفْسَکَ بِالْمَسَاءِ وَإِذَا أُمْسِیْتَ فَلَا تُحِیْدُ نَفْسَکَ بِالصَّبَاحِ وَخُذْ مِنْ دُنْیَاکَ لِآخِرَتِکَ وَ مِنْ حَیَاتِکَ لِمَوْتِکَ وَ مِنْ صِحَّتِکَ لِشَقْمِکَ فَإِنَّکَ لَا تَدْرِی مَا اسْمُکَ غَدًا. (۱)

هنگامی که صبح کردی، با نفس خویش درباره ماندن تا شب سخن مگو و اگر شب کردی، به نفس خود وعده صبح کردن را مده و از دنیای خود برای آخرت خویش و از زندگانی خود برای زمان مرگ خویش و از دوران سلامت خود برای روزهای بیماری خویش توشه‌ای بگیر که همانا نمی‌دانی فردا نام تو چیست؟ (جزو زندگانی یا مردگان)

آن حضرت در کلامی دیگر آرزوی دراز را به همراه پیروی از هوای نفس، عامل انحراف می‌شمارد و می‌فرماید:

إِنَّ أَشَدَّ مَا أَخَافُ عَلَیْکُمْ خَصِیْلَتَانِ، إِتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا إِتِّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ یَعْدِلُ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ یُورِثُ الْحُبَّ الدُّنْیَا. (۲)

بدترین چیزی که بر شما از آن می‌ترسم، دو خصلت است؛ پیروی از هوای نفس و گرفتار آمدن به آرزوی دور و دراز. پس پیروی از هوای نفس، انسان را از راه حق منحرف می‌سازد و آرزوهای دور و دراز، دنیا را در نظر آدمی دوست داشتنی جلوه می‌دهد.

ایشان در سخن زیبای دیگری از مردم می‌پرسد: «ای مردم، آیا از خدای عزوجل شرم نمی‌کنید؟!» گفتند: کاری که به خاطر آن از خدا شرم کنیم، کدام است؟ حضرت فرمود: «تَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ تَأْمَلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَ»

۱- محجه البیضاء، ج ۸ ص ۲۴۴.

۲- محجه البیضاء، ج ۸ ص ۲۴۵.

و تَبْنُونَ مَا لَا تَشِيْكُونُونَ؛ آنچه را نمی‌خورید، می‌اندوزید و آنچه را بدان دست نخواهید یافت، آرزو می‌کنید و چیزی را که در آن مسکن نخواهید گزید، می‌سازید» (۱).

دوری از شکم‌پرستی

دوری از شکم‌پرستی

شکم‌پرستی، انسان را از خردورزی و عبادت پروردگار باز می‌دارد. در مقابل، اگر انسان، نفس خود را با گرسنگی خوار و راه نفوذ شیطان را بر او تنگ کند، به اطاعت و پیروی از خدا کردن خواهد نهاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در نکوهش شکم‌پرستی می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ؛ آن که شکمش پر شده باشد، داخل ملکوت آسمان‌ها نمی‌شود».

همچنین می‌فرماید:

لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ الْقَلْبَ كَالزَّرْعِ يَمُوتُ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ. (۲)

قلب‌ها را به کثرت خوردن و آشامیدن نمیرانید. همانا قلب، مانند کشتزار است، اگر آب زیاد بر آن مسلط گردد، می‌میرد.

حضرت امام جعفر صادق (ع) در رهنمودی ارزشمند می‌فرماید:

إِنَّ الْبُطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ وَإِنْ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ وَابْغَضَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ. (۳)

به درستی که شکم از خوردن طغیان می‌کند و نزدیک‌ترین زمانی که بنده به خدای متعال نزدیک است، وقتی است که شکمش سبک باشد و زمانی که بنده بیش از دیگر اوقات مورد خشم خدای متعال است، وقتی است که شکمش پر باشد.

۱- محجه البیضاء، ج ۸، ص ۲۴۵.

۲- المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۱۴۷.

۳- اصول کافی، ج ۶، ص ۲۶۹.

شکم پر، مانعی برای انجام عبادات و کارهای روزمره و تفکر و تدبر می‌گردد، چنان که لقمان حکیم به فرزندش می‌گوید:

يَا بُنَيَّ إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَ خَرِسَتِ الْحِكْمَةُ وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ. (۱)

ای فرزند! اگر معده پر شود، اندیشه می‌خوابد و خوابد و حکمت پامال می‌گردد و اعضا از عبادت باز می‌مانند.

به خاطر این آسیب‌هاست که امام باقر(ع) می‌فرماید: «ما مِنْ شَيْءٍ أَنْعَصَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ؛ چیزی نزد خداوند مبعوض‌تر از پر خوری و شکم پر نیست». (۲)

کنترل خشم

کنترل خشم

حضرت امام محمدباقر(ع) در روایتی، خشم و عصبانیت را چنین معرفی می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تُوقَدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ وَإِنْ أَحْدَكُمْ إِذَا غَضِبَ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ وَانْتَفَخَتْ أَوْدَاجُهُ وَ دَخَلَ الشَّيْطَانُ فِيهِ فَإِذَا خَافَ أَحَدَكُمْ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ فَلْيَلْزِمِ الْأَرْضَ فَإِنَّ رِجْزَ الشَّيْطَانِ لَيَذْهَبُ عَنْهُ عِنْدَ ذَلِكَ. (۳)

غضب، پاره آتشی است از شیطان که در دل آدمی برافروخته می‌شود و هر گاه یکی از شما خشمناک شود، چشم‌هایش سرخ می‌گردد و رگ‌های گردنش متورم می‌شود و شیطان در وجودش وارد می‌شود و بر او مسلط می‌گردد. پس هر گاه یکی از شما از بروز این حالت بر خویش بترسد، بر زمین آرام گیرد؛ زیرا وسوسه شیطان در آن هنگام از او دور می‌شود.

۱- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۱۵۱.

۲- اصول کافی، ج ۶، ص ۲۷۰.

۳- بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۷.

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید: «الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ غَضَبٌ، کلید هر بدی است.» (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيَّ إِفْضَائِهِ حَشَا اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَ إِيْمَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

آن که خشمی را فرو برد، با اینکه می‌توانست آن را اعمال کند، خداوند دل او را در روز قیامت از آرامش و ایمان پر می‌کند.

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «إِنَّ لِيْجَهَنَّمَ بَابًا لَا يَدْخُلُ مِنْهُ إِلَّا مَنْ شَفِيَ غَيْظُهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى؛ یکی از درهای جهنم مخصوص کسانی است که خشم خود را فرو نمی‌نشانند، مگر با معصیت خدای تعالی.» (۳) پس شایسته است هرگاه خشمگین شدیم، خدای قادر متعال را به یاد آوریم و شخصیت و کرامت خود و برادر دینی مان را در نظر بگیریم و با یاری جستن از خدای متعال، آرامش و وقار را بر قلب و روحمان حاکم کنیم.

غفلت‌گریزی

غفلت‌گریزی

سرچشمه تقوا، یاد خدا و توجه به حضور در برابر ذات او از یک سو و توجه به مرگ و قیامت از سوی دیگر است. از این رو، توجه دادن به این دو اصل؛ یعنی مبدأ و معاد، در رأس برنامه‌های تربیتی انبیا و اولیا قرار داشته است. در قرآن مجید درباره دعوت به خدامحوری آمده است:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (حشر: ۱۹)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳- احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۴۹.

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد و آنها فاسق و گنهکارند.

فراموش کردن خدا سبب خودفراموشی می‌شود؛ زیرا انسانی که در لذت‌های مادی و خواسته‌های حیوانی فرو می‌رود، هدف آفرینش خود را و اینکه از کجا آمده و نهایت کار او چه خواهد شد، فراموش می‌کند. انسانی که خدا را فراموش کرد، در زندگی خود نیز دچار مشکل می‌شود؛ زیرا مشکلات زندگی بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نداشتن آرامش روحی است. آن که به خدا ایمان دارد و دل به او بسته، از همه این نگرانی‌ها در امان است.

یاد خدا مایه آرامش جان است. از دیدگاه مؤمن واقعی، عالم محضر خداست و همه کارها در حضور او انجام می‌گیرد و همین احساس حضور، برای دوری از گناه کافی است. چه تکان دهنده است این آیه که خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي؟» آیا انسان نمی‌داند که خدا همه چیز را می‌بیند؟ (علق: ۱۴) البته کسانی که خدا را فراموش می‌کنند، خداوند نیز آنها را وامی‌گذارد، چنان که در آیه دیگری می‌خوانیم؛

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمْ الْفَاسِقُونَ. (توبه: ۶۷)

مردان و زنان منافق همه از یک گروهند. آنها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند و دست‌ها را از انفاق و بخشش می‌بندند. خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را (از رحمتش) فراموش کرده است. بی‌شک، منافقان فاسقند.

نظم و برنامه‌ریزی

نظم و برنامه‌ریزی

اولیای الهی در تنظیم و تقسیم وقت بسیار دقیق بودند و می‌کوشیدند از دوران کوتاه عمر و دقایق گران‌بهای زندگی استفاده بهینه را ببرند. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم هنگامی که آن حضرت وارد منزل می‌شد، وقت خود را به سه قسمت تقسیم می‌کرد؛ قسمتی را برای عبادت، قسمتی را برای خانواده و قسمتی را برای خود و بخش مربوط به خویش را نیز میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و اجازه حضور و شرفیابی را به همه می‌داد. (۱) در روایتی از حضرت علی (ع) نیز آمده است:

إِنَّ لَيْلَكَ وَ نَهَارَكَ لَا يَسْتَوْعِبَانِ لِجَمِيعِ حَاجَاتِكَ فَأَقْسِمُهَا بَيْنَ عَمَلِكَ وَ رَاحَتِكَ. (۲)

ساعات روز و شب گنجایش تمام نیازهای تو را ندارد. پس آنها را میان کار و استراحت تقسیم کن!

آن حضرت در سخنی دیگر می‌فرماید:

إِجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَفْضَلَ الْمَوَاقِيتِ وَ الْأَقْسَامِ. (۳)

میان خود و خدای سبحان، بهترین وقت را برای عبادت و راز و نیازت قرار ده.

نظم و انضباط نشانه عقل و خرد است. امام جعفر صادق (ع) در اهمیت برنامه‌ریزی و تنظیم اوقات می‌فرماید:

يُنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفِضُ بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ فِي

۱- محجه البيضاء، ج ۴، ص ۱۶۰.

۲- فهرست موضوعی غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۳۴.

۳- فهرست موضوعی غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۱.

أَمْرٍ آخِرَتِهِ وَ سَاعَهُ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَدَائِبِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ. (۱)

سزاوار است مسلمان خردمند ساعتی را برای عبادت و وظایف الهی خویش منظور کند و در مرحله بعد ساعتی را برای ملاقات برادران دینی قرار دهد که با او در امر آخرت گفت و گو می کنند و یاری می دهند و ساعتی را برای خود و لذت های حلال، تا بتواند تجدید نیرو کند که این ساعت، بازوی آن دو ساعت دیگر است.

کار و تلاش

کار و تلاش

با اینکه خداوند متعال روزی انسانها را تضمین کرده است، این تضمین بدان معنا نیست که روزی هر کس را بدون تلاش، در خانه اش تحویل می دهند یا برای او مائده آسمانی نازل می شود، بلکه مقصود آن است که در عالم طبیعت، منابع تأمین روزی جانداران پیش بینی شده است. چنان که در قرآن مجید آمده است: «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا سِوَاءَ لِلْسَّائِلِينَ؛ خداوند روزی جانداران را در جهان به اندازه قرار داد.» (فصلت: ۱۰) باین حال برای تحصیل روزی باید کوشید و از خوان گسترده الهی در این راه بهره برد که خداوند می فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ برای انسان بهره ای جز کوشش او نیست.» (نجم: ۳۹)

در روایت های اسلامی کسانی که به دنبال روزی نمی روند و برای تحصیل آن نمی کوشند، نکوهش شده اند. امام محمد باقر (ع) در این باره می فرماید:

إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ فَاغْرَأَ فَأَهُ إِلَى رَبِّهِ فَيَقُولُ أَرْزُقْنِي وَ يَتْرُكُ الطَّلَبَ. (۲)

من بسیار بیزارم از کسی که دهان خود را به سوی خدا باز کرده است و می گوید: خدایا! مرا روزی ده، در حالی که دنبال تحصیل روزی نمی رود.

۱- فروع کافی، ج ۵، ص ۸۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

ایشان در حدیثی دیگر می‌فرماید:

إِنِّي أَجِدُنِي أُمَّتُ الرَّجُلِ مُتَعِدِّدًا الْمَكَاسِبَ فَيَسِّرُ تَلْقَى عَلَى قَفَاهُ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَيَدْعُ أَنْ يَنْتَشِرَ فِي الْأَرْضِ وَيَلْتَمِسَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ فَالذَّرَّةُ تَخْرُجُ مِنْ حُجْرِهَا تَلْتَمِسُ رِزْقَهَا. (۱)

من دوست ندارم کسی را که دنبال کسب و کار نمی‌رود و بر پشت می‌خوابد (در خانه می‌نشیند) و می‌گوید: خدایا! روزی مرا برسان و برای اینکه از فضل (روزی) خدا استفاده کند، گامی بر نمی‌دارد. [آنگاه افزود:]: مورچه برای اینکه روزی خود را به دست آورد، از لانه‌اش بیرون می‌رود.

بنابراین، انسان باید برای کسب روزی فعالیت و تلاش کند و تنها عبادت کردن و خانه‌نشینی و دل خوش بودن به ضمانت الهی در کسب روزی، دردی را دوا نمی‌کند.

عوامل کاهش یا افزایش روزی

عوامل کاهش یا افزایش روزی

انسان وظیفه دارد برای امرار معاش و به دست آوردن روزی حلال بکوشد، اما باید بداند با کار و تلاش بیشتر، روزی بیشتری نصیبش نخواهد شد. آنچه خدای متعال روزی انسان کرده است، هر کجا باشد به او خواهد رسید. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

يَا ابْنَ آدَمَ الرِّزْقُ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ. (۲)

ای فرزند آدم! روزی دو گونه است، یکی آنکه تو در جست‌وجوی آن هستی و دیگر آنکه تو را می‌جوید که اگر به دنبال آن نروی، به سراغ تو می‌آید.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، حکمت ۳۷۹.

خدای متعال، روزی انسان را ضمانت کرده، همان طور که حضرت علی (ع) فرمود: «قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ؛ [خداوند] روزی هایتان را ضمانت کرده است.» (۱) گفتنی است یکی از عواملی که سبب وسعت رزق می شود، تقوا و پرهیز از گناه است. خداوند در قرآن مجید می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ هر کس تقوا داشته باشد و حریم الهی را نگه دارد، خدا برای او راه گریزی قرار می دهد و از آنجا که گمان ندارد، او را روزی می دهد.» (طلاق: ۲ و ۳) عامل دوم، استغفار است. حضرت علی (ع) می فرماید:

وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْإِسْمَ تَغْفَارًا سَبَبًا لِئِمَّةٍ وَ لِلرِّزْقِ وَ رَحْمَةً لِلْخَلْقِ فَقَالَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ اشْتَغِفُوكُمْ رَبُّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. (۲)

خداوند، استغفار و توبه را وسیله ای برای فراوانی روزی و رحمت به خلق قرار داده است. خدای سبحان فرموده است از پروردگارتان آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران رحمتش را از آسمان پی در پی بر شما فرو فرستد.

در مقابل، بی پروایی و گناه عامل کاهش روزی است. امام باقر (ع) می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُرْوَى عَنْهُ الرِّزْقُ؛ به راستی بنده ای که مرتکب گناه شود، روزی او کنار زده می شود.» (۳) همچنین ناسپاسی و کفران نعمت نیز از روزی می کاهد. خداوند متعال می فرماید:

خداوند قریه ای را مثل می زند که امنیت و آرامش داشت و روزی فراوان آن از هرجا می رسید. پس آنها در برابر نعمت های خدا ناسپاسی کردند و خداوند بر اثر کارهایی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس بر آنها پوشاند. (نحل: ۱۱۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۰.

پرهیز از دروغ گویی

پرهیز از دروغ گویی

دروغ یکی از آفات زبان و از گناهان بزرگ است. خداوند منان می فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ؛ تنها کسانی دروغ می گویند که به آیات خدا ایمان ندارند و دروغ گویان واقعی، آنها هستند.» (نحل: ۱۰۵) حضرت علی (ع) می فرماید: «لَا شَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكِذْبِ؛ هیچ بدی و زشتی بدتر از دروغ گویی نیست.» (۱) امام حسن عسکری (ع) نیز دروغ را کلید پلیدی ها می شمارد و می فرماید: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكِذْبُ؛ تمام پلیدی ها و زشتی ها در خانه ای نهاده شده که کلید آنها دروغ گویی است.» (۲) رسول گرامی اسلام نیز کار بهشت و جهنم را برای راست گویان و دروغ گویان چنین ترسیم می کند:

عَمَلُ الْجَنَّةِ الصَّدْقُ وَإِذَا صَدَقَ الْعَبْدُ بَرَّ وَإِذَا بَرَّ أَمِنَ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَعَمَلُ النَّارِ الْكِذْبُ وَإِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ فَجَرَ وَإِذَا فَجَرَ كَفَرَ وَإِذَا كَفَرَ دَخَلَ النَّارَ. (۳)

کار بهشت راست گویی است. چون بنده راست بگوید، نیکی کند و چون نیکی کند، در امان باشد و وقتی در امان باشد، وارد بهشت شود و کار جهنم دروغ گویی است. چون بنده دروغ گوید، کار بدی کرده است و آنگاه که کار بدی کرد، به کفر می گراید و چون به کفر گراید، به جهنم می رود.

دروغ گو عاقبت بدی را در پیش دارد. چنان که امام علی (ع) می فرماید: «الْكَذِبُ فِي الْعَاجِلِ عَارٌ وَ فِي الْآجِلِ عَذَابُ النَّارِ؛ دروغ گویی مایه ننگ در دنیا و موجب عذاب آتش در آخرت است.» (۴) رسول الله صلی الله علیه و آله نیز دروغ را عامل کاهش

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۹.

۲- نزهه الطواهر و تنبيه الخواطر، ص ۱۴۵.

۳- نهج الفصاحه، ص ۴۲۱.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۱.

روزی می داند و می فرماید: «الْكَاذِبُ يَنْقُصُ الرِّزْقَ؛ دروغ گویی رزق و روزی انسان را کاهش می دهد.» (۱) ایشان دروغ را سبب نابودی نور مؤمنان دانسته و فرموده است: «لَا تَمْزُحْ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُوكَ وَلَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ نُورُكَ؛ شوخی نکن که شکوه تو از بین می رود و دروغ نگو که نور تو نابود می شود.» (۲)

انتظار فرج

انتظار فرج

خداوند در نظام آفرینش، نیش و نوش را در هم آمیخته و رنج و راحت را با هم همراه ساخته است. همواره در کنار تنگناها، گشایش هاست و پس از شدت‌ها، دوران رهایی و نجات فرامی رسد. این سنت الهی تنها در زندگی فردی جریان ندارد و مخصوص یک بُعد از ابعاد زندگی انسان نیست، بلکه در نظام جامعه و در سطح جهانی هم این سنت الهی جاری است و وعده خدا این است که مستضعفان مؤمن و نیکوکار از لطف و محبت الهی بهره مند و رهبران زمان و وارثان زمین شوند:

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. (قصص: ۵)

و می خواهیم بر مستضعفان منت گذاریم و آنها را پیشوایان مردم قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم.

انتظار ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف برخاسته از رهنمودهای زندگی ساز دین اسلام است که سنت جاری الهی در نظام خلقت، پشتوانه آن است. انتظار، چشمه ناامیدی را می خشکاند و آینده‌ای روشن فراروی انسان ترسیم می کند. رسول گرامی اسلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

۱- کنز العمال، ج ۳، ص ۶۲۳.

۲- نهج الفصاحه، ص ۵۲۱.

برترین عبادت، انتظار فرج است. (۱) امام صادق (ع) نیز صفات منتظران را چنین معرفی می کند:

مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ. (۲)

آن که مایل است جزو یاران حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد، باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و اخلاق نیکو توأم گردد.

امام موسی کاظم (ع) نیز شیعه را در زمان انتظار چنین معرفی می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ لَشِيَعَتَنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۳)

خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به دوستی ما چنگ می زنند و در دوستی ما و برائت از دشمنان ما استوارند. آنها از ما و ما از آنهایم. آنها به پیشوایی ما راضی شدند و ما هم به شیعه بودن آنها راضی و خوشنودیم و خوشا به حال آنها! به خدا قسم، آنها در روز قیامت با ما و در مرتبه ما هستند.

بهداشت جسم و جان

بهداشت جسم و جان

انسان دارای روح و جسم است و خالق هستی، برای هر دو جنبه انسان برنامه ریزی کرده است. او اراده کرده که انسان از هر دو جهت سالم و پاکیزه باشد. در حدیثی از امام هشتم (ع) آمده است:

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

بدان که خدای متعال هیچ خوردنی و آشامیدنی را تجویز نکرد جز آنچه منفعت و مصلحت انسان در آن بود و هیچ چیز را ممنوع و حرام اعلام نکرد مگر آنچه را در آن زیان و تباهی و هلاکت بود. پس هرچه مفید و تقویت کننده جسم و بدن باشد، حلال است و هرچه زیان آور و از بین برنده قوت بدن یا قاتل انسان باشد، حرام است. (۱)

پیشوایان اسلام همواره پیروانشان را به پاکیزگی تشویق می کردند. نقل است پیامبر گرامی اسلام امت خود را به پاکیزگی تشویق و ترغیب می کرد. (۲) ایشان که پاکیزگی را محبوب خداوند می دانست، می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ؛ خداوند، پاک و منزّه است و پاکیزگی را دوست دارد. تمیز است و تمیزی را دوست دارد.» (۳) در سیره امامان (ع) نیز رعایت بهداشت امری مهم بوده است.

نقل است امام هفتم هر گاه قبل از غذا دست‌ها را می شست، با دستمال آنها را خشک نمی کرد و هرگاه بعد از غذا آنها را می شست با دستمال پاک می کرد. (۴)

ائمه (ع) برای رعایت بهداشت سفارش‌هایی داشته اند، چنان که امام علی (ع) می فرماید:

لا تَشْرَبُوا الْمَاءَ مِنْ نُلْمِهِ الْأَنْاءِ وَ لَا مِنْ عُرْوَتِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَعَدَّى عَلَى الْعُرْوَةِ وَ النُّلْمَةِ. (۵)

از قسمت ترک خورده و طرف دستگیره ظرف، آب نخورید؛ زیرا شیطان (میکروب) روی دستگیره و قسمت شکافته مستقر می شود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۴.

۳- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰۲.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۱۴۴.

۵- اصول کافی، ج ۶، ص ۳۸۵.

دریادلان صبور با داشتن همتی بلند، با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند و از انبوه سختی ها نمی هراسند. آنها قله های شرف و کرامت را با سلاح صبر و توشه شکیبایی فتح می کنند و کامیابان عرصه حیات مادی و معنوی اند. امام علی (ع) در مورد جایگاه صبر می فرماید:

الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ فَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ. (۱)

صبر در کارها همانند سر در بدن است، همان طور که وقتی سر از بدن جدا شود، بدن فاسد می شود، هنگامی که صبر از کارها جدا شود نیز کارها تباه می شود.

آن حضرت در سخنی دیگر صبر را دشمن سختی ها معرفی می کند و می فرماید: «أَقْوَى عَدُوِّ الشَّدَائِدِ الصَّبْرُ؛ قَوِي تَرِينِ دَشْمَنِ سَخْتِي هَا، صَبْرٌ دَر بَرَابَرِ أَنْهَاسْت.» (۲)

صبر به اندازه ای مشکل گشاست که رسول الله صلی الله علیه و آله آن را سلاح مؤمن معرفی می کند و می فرماید: «نِعْمَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ الصَّبْرُ وَالدُّعَاءُ؛ چِه نیکو سلاحی است صبر و دعا برای مؤمن.» (۳) از سوی دیگر نتیجه صبر و شکیبایی نیز قابل توجه است، چنان که امام علی (ع) می فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۳.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۹۰۸

۳- نهج الفصاحه، ص ۳۱۲۸.

إِنْ صَبَرْتَ أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ وَإِنْ جَزَعْتَ أَوْرَدَكَ جَزَعَكَ عَذَابَ النَّارِ. (۱)

اگر صبر کنی، به مقام و منزلت نیکان می‌رسی و اگر بی‌تابی کنی به عذاب آتش درافتی.

ابن بصیر نیز به نقل از امام صادق (ع) رابطه صبر و آزادگی را چنین بیان می‌کند:

إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَإِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ وَإِنْ أُسِرَ وَقُهِرَ وَاسْتَبْدَلَ بِالْأَسِيرِ عُسْرًا. (۲)

انسان آزاده همیشه آزاده است. اگر حادثه‌ای برای او پیش آید، صبر و شکیبایی دارد و اگر مصیبت‌ها بر او فرو ریزد، او را نمی‌شکند، اگرچه اسیر و مغلوب شود و سختی او در اثر صبر آسان می‌گردد.

پرهیز از اسراف

پرهیز از اسراف

یکی از صفات ناپسند که در آموزه‌های دینی به پرهیز از آن تأکید شده، اسراف است. در روایتی می‌خوانیم: روزی امام صادق (ع) دید سویی را نیم خورده از خانه بیرون انداخته‌اند. خشمگین شد و فرمود: «اگر شما سیر هستید، خیلی از مردم گرسنه‌اند. خوب بود آن را به نیازمندش می‌دادید». (۳)

آن حضرت، همچنین نشانه‌های اسراف کار را این گونه برشمرده است: «لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبِسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ؛ اسراف کننده را سه نشانه است، چیزهایی را می‌خرد و می‌پوشد و می‌خورد که در شأن او

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۷۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶۹.

۳- محمود شریفی، فروغ حدیث، ج ۱، ص ۲۳۸، به نقل از: مجموعه الاخبار، باب ۱۷۱، ح ۴.

نیست.» (۱) اسراف کنندگان محبوب خداوند نیستند و اسراف در قرآن آمده است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.» (اعراف: ۳۱)

در روایتی از امام حسن عسکری (ع) خطاب به محمد بن حمزه آمده است: «وَعَلَيْكَ بِالْإِقْتِصَادِ وَإِيَّاكَ وَالْإِسْرَافَ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانِ؛ بر تو باد میانه‌روی و پرهیز از اسراف؛ زیرا اسراف از کارهای شیطانی است!» (۲) همچنین در روایات، اسراف مایه زوال نعمت شمرده شده است. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید:

وَمَنْ اقْتَصَدَ وَفَنَعَ بَقِيَّتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ وَمَنْ بَدَّرَ وَاسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ. (۳)

آن که در زندگی میانه‌روی کند و قناعت ورزد، نعمت او باقی می‌ماند و آن که با ریخت و پاش و اسراف زندگی کند، نعمتش از بین می‌رود.

فروتنی در راه رفتن

فروتنی در راه رفتن

هرچند راه رفتن به نظر ساده می‌آید، اما همین مسئله ساده می‌تواند بیانگر حالات درونی و اخلاقی و نشانه شخصیت انسان باشد. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

مَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ اخْتِيَالًا لَعَنَتْهُ الْأَرْضُ وَمَنْ تَحْتَهَا وَمَنْ فَوْقَهَا. (۴)

آن که از روی غرور و تکبر روی زمین راه رود، زمین و کسانی که در زیر زمین خفته‌اند و آنها که روی زمین هستند، همه او را لعنت می‌کنند.

در روایتی دیگر آمده است: «نَهَى أَنْ يَخْتَالَ الرَّجُلُ فِي مَشْيِهِ؛ پیامبر از راه رفتن مغرورانه و متکبرانه نهی می‌کرد.» (۵)

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۷۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۲.

۳- تحف العقول، ص ۳۰۱.

۴- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۰۷.

۵- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۰۷.

تواضع در راه رفتن به این معنا نیست که انسان سست و بی‌رمق راه برود، بلکه به این معناست که در عین تواضع، محکم و با جدیت و قدرت گام بردارد. نقل است در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم دور فردی که دچار صرع و حمله‌های عصبی شده بود، گرد آمده بودند و او را دیوانه می‌پنداشتند. پیامبر با دیدن حالت وی فرمود:

إِنَّ الْمَجْنُونَ، حَقَّ الْمَجْنُونَ الْمُتَبَخَّرُ فِي مَشْيِهِ، النَّاطِرُ فِي عِطْفِيهِ، الْمُحَرِّكُ جَنْبِيهِ بِمَنْكِبِيهِ فَذَاكَ الْمَجْنُونُ وَ هَذَا الْمُتَبَلَّى. (۱)

دیوانه واقعی کسی است که متکبرانه گام برمی‌دارد، همواره به پهلوهای خود نگاه می‌کند و پهلوهای خود را به همراه شانه‌ها تکان می‌دهد، اما آن که دیدید بیمار است.

خداوند منان در سوره فرقان می‌فرماید: «الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونَاً؛ بندگان خاص خداوند کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند.» (فرقان: ۶۳) بنابراین، آدمی باید به حال طبیعی و بدون تکلف و تکبر قدم بردارد.

دوری از هوا پرستی

دوری از هوا پرستی

هوا پرستی سرچشمه کفر و بی‌ایمانی است، چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: «فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ؛ تو را از ایمان به قیامت باز ندارد، آن که به آن ایمان ندارد و پیرو هوای خویش است.» (طه: ۱۶) هوا پرستی بدترین گمراهی است. خداوند در قرآن مجید به صراحت می‌فرماید: «وَ

مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ؛ چه کسی گمراه‌تر است از آن کس که از هوای نفس خویش پیروی می‌کند و هدایت الهی نیافته است.» (قصص: ۵۰)

هوا پرستی، نقطه مقابل حق‌طلبی است و انسان را از راه خدا بیرون می‌برد. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَمَّا تَبِعِ الْهَوَىٰ فَيْضًا لَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ؛ میان مردم به حق داوری کن و پیرو هوا مباش که تو را از راه خدا گمراه می‌کند.» (ص: ۲۶)

پیامبر گرامی اسلام نیز بت هوا را بدترین بت‌ها می‌شمارد و می‌فرماید: «ما تحت ظل السماء من اله يعبد من دون الله اعظم عند الله من هوى متبع؛ در زیر آسمان، نزد خدا هیچ بتی بزرگ‌تر از هوا و هوس که از آن پیروی کنند، وجود ندارد.» (۱) جای تعجب نیست که حضرت علی (ع) می‌فرماید:

ان اخوف ما اخاف عليكم اثنان اتباع الهوى و طول الامل؛ اما اتباع الهوى فيصد عن الحق و اما طول الامل فيستى الاخره. (۲)

خطرناک‌ترین پرتگاهی که بر سر راه سعادت شما قرار گرفته، هوا پرستی و آرزوهای دور و دراز است؛ چراکه پیروی از هوا شما را از حق باز می‌دارد و آرزوهای دراز آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد.

عواقب هوا پرستی آن قدر شوم و دردناک است که گاه یک لحظه هوا پرستی، یک عمر پشیمانی به بار می‌آورد و محصول تمام عمر انسان و حسنات و اعمال صالح او را به باد می‌دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

لا تدع النفس وهوى ها فان هوى ها فى رداها و ترك النفس و ماتهوى داءها و كف النفيس عما تهوى دواءها. (۳)

نفس را با هوا و هوس‌ها رها مکن؛ چراکه هوای نفس سبب مرگ نفس است و آزاد گذاردن نفس در برابر امیال، درد آن است و بازداشتن آن از هوا و هوس‌هایش دوی آن است.

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۰۷.

شیطان گریزی

شیطان گریزی

خداوند به همه افراد بشر هشدار می‌دهد مراقب فریب‌های شیطان باشند و می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا؛ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس آنان را از اندامشان درآورد تا عورت آنها را به آنان نشان دهد.» (اعراف: ۲۷) باید انسان از چنین دشمن خطرناکی که به هیچ انسانی رحم نمی‌کند و قربانیانش در هر گوشه و کناری بر خاک هلاکت افتاده‌اند، سخت برحذر باشد. امیر مؤمنان علی (ع) در خطبه قاصعه می‌فرماید:

ای بندگان خدا! از این دشمن خدا برحذر باشید، مبادا شما را به بیماری خویش (کبر و غرور) مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و به وسیله لشکریان سواره و پیاده‌اش شما را جلب کند. به جان خودم سوگند! او تیری خطرناک برای شکار کردن شما به چله کمان گذاشته و آن را با قدرت و شدت، تا سر حد توانایی کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است و هم او گفته: پروردگارا! به سبب آنکه مرا بیرون کرده‌ای، زرق و برق زندگی را در چشم آنها جلوه می‌دهم و همه آنها را اغوا خواهم کرد. (۱)

البته شیطان دشمنی است که از هر سو به انسان‌ها هجوم می‌آورد و خود او می‌گوید: «ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ؛ من از هر سو به سراغ فرزندان آدم می‌روم؛ از پیش رو، از پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ.» (اعراف: ۷) خداوند گرچه شیطان را در انجام وسوسه‌هایش آزاد گذاشته، ولی انسان را در برابر او بی‌دفاع قرار نداده

است؛ زیرا هم به او نیروی عقل و خرد بخشیده و هم فطرت پاک عشق به تکامل را در وجود انسان به عنوان یک عامل سعادت قرار داده است و فرشتگانی که الهام‌بخش نیکی‌ها هستند را به کمک انسان‌هایی که می‌خواهند از وسوسه‌های شیطان برکنار بمانند، می‌فرستد. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ؛ آنها که می‌گویند پروردگار ما خداوند یکتاست و سپس استقامت به خرج می‌دهند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند.» (فصلت: ۳۰)

فصل دوم: اخلاق اجتماعی

اشاره

فصل دوم: اخلاق اجتماعی

زیر فصل ها

حسن خلق

بر آوردن حاجت مؤمن

صدقه

قرض الحسنه

میانہ روی در شوخی

میانہ روی در دوستی و ستایش دیگران

اعتدال در سرزنش و برخورد با دیگران

دوری از دروغ (۱)

پرهیز از دروغ گویی (۲)

میانہ روی در معاملات

یتیم نوازی

احسان به دیگران

آداب دیدار بیمار

دیدوبازدید

نیکی به والدین

برادری

صله رحم

غیرتمندی

مدارا با دیگران

اصلاح میان مردم

فروتنی با مردم (۱)

فروتنی (۲)

امانت داری

حقوق برادری

پرهیز از سخن چینی

پرهیز از کینه توزی

تولّی و تبرّی

دوری از تکبر

عوامل تکبر

ترک غیبت

پرهیز از بدبینی (۱)

بدگمانی (سوءظن) (۲)

ریا و خودنمایی

خیرخواهی و خدمت به بندگان

خوش رویی

پندپذیری

رعایت حریم دیگران

عفو و چشم‌پوشی

وفای به عهد

احسان و نوع دوستی

پیشی گرفتن در سلام

ادب

مهرورزی و همدردی

بهترین دوستان

نیکی به والدین

معاشرت نیکو

کارگشایی

خوش‌گمانی

مهمان‌نوازی

امر به معروف و نهی از منکر

دوری از تعصب

دوری از تهمت

حفظ زبان

حسن خلق

حسن خلق

همان گونه که تندخویی و بداخلاقی، اطرافیان را می‌رنجاند و باعث تنهایی انسان می‌شود، خوش اخلاقی و نرم‌خویی، وی را نزد مردم محبوب می‌کند و موجب افزایش مهر و محبت متقابل میان او و اجتماع می‌شود. مؤمنان واقعی، خوش اخلاق و بزرگوارند، با مردم انس می‌گیرند و مردم نیز با آنان انس می‌گیرند. در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ [ای پیامبر!] تو دارای اخلاق نیکو و برجسته هستی.» (قلم: ۴) و در آیه ای دیگر آمده است:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران: ۱۵۹)

به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم [و مهربان] شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

از نظر پیامبر اسلام مدارا، آرامش، کردار نیکو و خوش اخلاقی با هر چیز همراه شود، آن را می‌آراید و زیبا نشان می‌دهد و با هر چیز نباشد، آن را معیوب و زشت می‌کند. (۱) امام باقر(ع) از این حقیقت چنین

یاد می‌کند: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ؛ هر چیزی قفلی دارد و قفل ایمان، خوش رفتاری است».^(۱)

علامه مجلسی در توضیح این حدیث می‌نویسد:

مقصود آن است که هر حسنه‌ای به وسیله‌ای، از رخنه عوامل فساد و تباهی حفظ می‌شود. خوش رفتاری در رابطه با ایمان چنین نقشی را دارد که آن را از تباهی و فساد و از بین رفتن نگاه می‌دارد.^(۲)

امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید: «روزی خانواده‌ای که خوش رفتارند، فراوان است و هیچ خانواده‌ای از خوش رفتاری و نرم‌خویی بی‌بهره نشده است، مگر آنکه همگی از خیر محروم شده‌اند».^(۳)

برآوردن حاجت مؤمن

برآوردن حاجت مؤمن

قرآن مجید، مؤمنان را برادران یکدیگر نامیده است که در رفع گرفتاری‌های یکدیگر می‌کوشند و از اجر فراوان آن بهره می‌برند. حضرت علی(ع) می‌فرماید:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَاعْتِنُوا بِهَا وَلَا تَمْلُوهَا فَتَتَحَوَّلَ نِعْمًا.^(۴)

به راستی که حاجتمندی مردم به سوی شما نعمتی است از جانب پروردگار بر شما. پس آن را غنیمت شمرید و از آن خسته نشوید که اگر خسته شدید، نعمت به نعمت تبدیل می‌گردد.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶۱.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۷۳.

از دیگر سفارش‌های مهم، با مهربانی رفتار کردن هنگام رفع نیاز دیگران است. چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اِخْتَجَّ إِلَيْكَ وَجَبَ إِسْعَافُهُ عَلَيْكَ؛ آن که محتاج توست، واجب است به او مهر بورزی.» (۱) امام صادق (ع) می‌فرماید:

قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اَلْخُلُقُ عِيَالِي فَأَحْبِبُهُمْ إِلَيَّ اَلطَّفُ لَهُمْ بِهِمْ وَ اَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ. (۲)

خلق عائله من هستند. پس محبوب‌ترین افراد نزد من، بامحبت‌ترین افراد به خلق هستند و پرتلاش‌ترین افراد در برآوردن حوائجشان.

گره‌گشایی از مشکلات مردم از بهترین اعمال نزد خداوند متعال است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سُورُورٌ يُدْخِلُهُ مُؤْمِنٌ عَلَى مُؤْمِنٍ يَطْرُدُ عَنْهُ جُوعَهُ أَوْ يَكْشِفُ عَنْهُ كُرْبَهُ. (۳)

محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل شادی ای است که مؤمنی در قلب مؤمنی وارد می‌سازد؛ با رفع گرسنگی یا برداشتن غمی از دلش.

به امام صادق (ع) پیشنهاد حل مشکلی شد. حضرت در انجام دادن آن عجله کرد. گفتند: عجله چرا؟ فرمود: «مَخَافَةَ أَنْ يَسْتَعْنِيَ عَنْهَا صَاحِبُهَا؛ می‌ترسم [صاحب مشکل] بی‌نیاز گردد و این فیض از من گرفته شود.» (۴) گره‌گشایی در اسلام ثواب بسیاری دارد. امام صادق (ع) در این باره فرمود:

مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ ثَوَابُكَ وَ لَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ. (۵)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۳۴۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۲.

۴- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۷.

۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵.

هر مسلمانی که نیاز و حاجت مسلمانی را برطرف کند، خدای متعال به او می‌فرماید: «اجر و ثواب تو به عهده من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم شد».

خداوند پادشاه گره‌گشایان را مضاعف می‌سازد، چنان که در روایات آمده است: «مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً أَذْنَاهُنَّ الْجَنَّةُ؛ آن که یک حاجت مؤمنی را برآورد، خداوند متعال نیازهای زیادی را از او برمی‌دارد که کمترین آنها بهشت است.» (۱) امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ قَضَى حَاجَةَ الْمُؤْمِنِ مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أُسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ. (۲)

کسی که نیاز مؤمن را بدون کوچک شمردن او برطرف کند، خداوند متعال او را در بهشت جا خواهد داد.

نکته قابل توجه اینکه نباید مؤمن را مجبور به درخواست کرد، بلکه قبل از درخواست باید آن را برآورده ساخت. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يُكَلِّفُ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ الْطَّلَبَ إِلَيْهِ إِذَا عَلِمَ حَاجَتَهُ؛ انسان مؤمن وقتی نیاز برادرش را می‌داند، او را مجبور نمی‌کند که نیازش را بخواهد.» (۳)

صدقه

صدقه

پروردگار مهربان برای فقرزدایی از جامعه دینی، در اموال مردم حقی برای محرومان قرار داده و فرموده است: «الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.» (معارج: ۲۴ و ۲۵) امام علی (ع) نیز صدقه را بهترین نیکی شمرده و فرموده است: «الْصَّدَقَةُ أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ؛ صدقه دادن، از بهترین کارهای خوب است.» (۴) البته چنانچه فقرا از آبرومندان جامعه اسلامی هستند، به پرداخت

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵.

۲- مشکاه الانوار، ص ۳۲۳.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۰.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۷۹.

پنهانی صدقه سفارش شده است. حضرت علی (ع) می فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْخَيْرِ صَدَقَةُ السِّرِّ؛ بافضیلت ترین کار خیر، صدقه پنهان است.»^(۱) همچنین در آیه ای از قرآن آمده است: «لَا تَبْتَغُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى؛ صدقه های خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.» (بقره: ۲۶۴) نکته جالب توجه این است که گیرنده صدقه در واقع خداوند است: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ؛ مگر نمی دانند خدا توبه بندگانش را می پذیرد و صدقه ها را می گیرد.» (توبه: ۱۰۴)

برخی می پندارند که صدقه دادن، یعنی از دست دادن مال. بدیهی است این گونه افراد از نتایج روحی و معنوی و برکاتی که به آن وعده داده شده اند، بی خبرند. رسول الله می فرماید: «الصَّدَقَةُ بِالْعَدْوَاتِ يَذْهَبَنَّ بِالْعَاهَاتِ؛ در بامدادان صدقه دادن، آفات و کاستی ها را دفع می کند.»^(۲) همچنین امام صادق (ع) فرمود:

مَا مِنْ رَجُلٍ تَصَدَّقَ عَلَى مِسْكِينٍ مُسْتَضْعَفٍ وَ دَعَا لَهُ الْمِسْكِينُ بِشَيْءٍ تِلْكَ السَّاعَةَ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ.^(۳)

هر که به مسکین تهی دستی صدقه دهد و آن مسکین دعایی در آن ساعت برای او بکند، دعایش مستجاب می شود.

قرض الحسنه

قرض الحسنه

یکی از سنت های بسیار پسندیده اجتماعی که در جامعه دینی فراموش شده است، قرض دادن به نیازمندان است. از عوامل بی رغبتی افراد جامعه به این حسنه الهی، دنیاخواهی، بی توجهی به آبروی دیگران و بی اعتمادی

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۴۴.

۲- نهج الفصاحه، ص ۳۹۵.

۳- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۴۴.

به هم نوعان است. در صورتی که در اسلام برای قرض الحسنه، ثواب و اجر فراوانی وعده داده شده است. از رسول خدا نقل شده است:

در شب معراج دیدم بر سردر بهشت نوشته بود: «الْصَّدَقَةُ بِعَشْرِهِ أَمْثَالُهَا وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ؛ صدقه ده برابر اجر دارد و قرض هجده برابر.» به جبرئیل گفتم: چرا این گونه است؟ فرمود: «لِأَنَّ الْمُسِيئَةَ تَقْرُضُ إِلَّا مِنْ حَاجِهِ وَقَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا؛ چون قرض گیرنده همیشه به خاطر نیازش وام می گیرد، ولی سائل تقاضای کمک می کند، اگرچه بی نیاز باشد.» (۱)

در روایات به دادن قرض الحسنه به برادران نیازمند سفارش و تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَحْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ. (۲)

هرکس برادر مسلماننش از نظر مالی به او محتاج شود و او توانایی رفع آن نیاز را داشته باشد، ولی اجابت نکند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام خواهد کرد.

پاداش قرض دادن به برادران دینی، نزد خدا محفوظ می ماند و در روز تنگ دستی به آدمی بازمی گردد. حضرت علی (ع) می فرماید:

إِعْتِنِم مَنِ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيَجْعَلَ قَضَائَهُ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ. (۳)

آن که در حال ثروتمندی ات از تو وام خواهد، مغتنم بشمار و به او بپرداز تا [خداوند] قضای آن را در روز گار تنگ دستی و نیاز و پریشانی ات قرار دهد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۸.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۰۰.

قرض الحسنه، تجلی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی جامعه دینی است.

در آموزه‌های نبوی آمده است که پس از قرض دادن، در بازپس گرفتن آن مدارا کنیم. ایشان می‌فرماید:

مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوْفًا فَأَحْسَنَ طَلِبْتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفَ قِنْطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ. (۱)

هر کس به غم زده‌ای قرض دهد و در بازستاندن آن نیکو رفتار کند، اعمال خویش را از سرگیرد (که خداوند گذشته او را آمرزیده است) و خداوند در برابر هر درهم، هزار قنطار در بهشت به او عنایت می‌کند.

امام جعفر صادق (ع) هم در روایتی دیگر بر این امر تأکید می‌ورزد و می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْظَارَ الْمُعْسِرِ وَ مَنْ كَانَ غَرِيْمُهُ مُعْسِرًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُنْظِرَهُ إِلَى مَيْسَرِهِ.

خداوند متعال مهلت دادن به تنگ دست را دوست دارد. کسی که بدهکارش تنگ دست است، باید به او مهلت دهد تا بتواند گردد. (۲)

در روایتی دیگر، دعای قرض دهنده قرین اجابت شمرده شده است و می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ وَ أَنْ تَكْتَفَى كَرْبَتُهُ فَلْيُفْرِجْ عَنِ الْمُعْسِرِ؛ کسی که مایل است خداوند دعایش را مستجاب کند و غم و اندوهش را بزدايد، پس باید بکوشد غم و اندوه انسانی را که در تنگناست، برطرف کند.» (۳)

بنابراین، با این همه توصیه‌ها و تأکیدهای معصومین، تلاش کنیم تا این حسنه الهی را در جامعه احیا کنیم.

۱- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۶۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۱۵۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۱۲۶.

میان‌ه روی در شوخی

میان‌ه روی در شوخی

در روابط اجتماعی سالم، مزاح به عنوان رفتاری اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. حضرت علی (ع) در سفارشی می‌فرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ. (۱)

دل‌ها [روح‌ها] نیز مانند جسم‌ها خسته و افسرده می‌شوند، پس آنها را با لطیفه‌های حکمت‌آمیز خشنود و خستگی و ملامت آنها را برطرف کنید.

البته هنگام شوخی نباید از حدود شرعی آن خارج شد. مزاح وقتی مناسب است که به حقوق دیگران تجاوز نکند و موجب آزار دیگران نشود. بنابراین، نباید برای خوش‌حالی گروهی، گروه دیگر را آزار داد. زیاده‌روی در شوخی بسیار ناپسند است، ولی اگر شرایط شوخی رعایت شود، یکی از پسندیده‌ترین امور زندگی اجتماعی است. در سیره رسول الله می‌خوانیم:

پیامبر خدا مزاح و شوخی می‌کرد و [در شوخی کردن] سخن ناحقی نمی‌گفت و [با شوخی] دل کسی را نمی‌آزرد و در آن زیاده روی نمی‌کرد. (۲)

بنا بر آنچه گذشت، پیروان واقعی معصومین (ع) باید از زیاده‌روی در شوخی دوری کنند و به میان‌ه‌روی روی آورند. حضرت رسول در سخنی می‌فرماید:

مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أَضْحَكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَاجِبِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (۳)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۹۱.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۳۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.

هر که با شیوه زندگی من مخالفت کند، گمراه شده است و عملش بر باد رفته است. بدانید که من هم می‌خندم و هم گریه می‌کنم و هر که به روش و سنت من پشت کند، از من نیست.

میان‌روی در دوستی و ستایش دیگران

میان‌روی در دوستی و ستایش دیگران

برخی افراد به دلایلی، برخلاف میلشان از دیگران تعریف و حتی در این امر بسیار مبالغه می‌کنند. حضرت علی (ع) درباره خصلت این افراد می‌فرماید: «الثناءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْمِ تَحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْمِ تَحْقَاقِ عَمِيٍّ وَ حَسَدٌ؛ تعریف بیش از استحقاق، چاپلوسی است و تعریف کمتر از استحقاق نیز از روی درماندگی و حسد است.» (۱) آن حضرت به مردی که در تعریف و تمجید از ایشان افراط می‌کرد، ولی در دلش امام را قبول نداشت، فرمود: «أَنَا دُونَ مَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا فِي نَفْسِكَ؛ من کمتر از آنم که تو می‌گویی و بالاتر از آنم که در دل تو می‌گذرد.» (۲)

در دوست داشتن و محبت کردن باید میانه رو بود. گاهی افراد چنان به هم نزدیک می‌شوند که جزئی‌ترین اسرار خود، خانواده یا دیگران را باهم در میان می‌گذارند، غافل از اینکه ممکن است شرایط تغییر کند و دوست صمیمی دیروز، دشمن سرسخت امروز شود و اسرار عالم رفاقت به حربه‌ای علیه وی تبدیل گردد. از این رو، امام علی (ع) می‌فرماید:

أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا. (۳)

در دوستی با دوست مدارا کن شاید روزی دشمن تو گردد و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۳.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۸.

اعتدال در سرزنش و برخورد با دیگران

اعتدال در سرزنش و برخورد با دیگران

سرزنش و نکوهش بیش از اندازه دیگران، باعث لجاجت و جبهه‌گیری آنها می‌شود. سرزنش بیش از اندازه، نه تنها سازنده نیست، بلکه زیان‌آور خواهد بود. امام علی(ع) در این باره فرمود: «الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُشِبُّ نَارَ اللَّجَاجِ؛ زیاده‌روی در سرزنش کردن، باعث می‌شود آتشِ لجاجت برافروخته شود.»^(۱) در صورت مشاهده خلاف، پیش از هر چیز باید انگیزه و علت آن بررسی شود و توجه داشت که برخورد تند، بدون بررسی و علت‌یابی، باعث واکنش منفی می‌شود. نرمش و ملاحظت، با فطرت آدمی سازگاری بیشتری دارد تا شدت و حدت. اگر همه راه‌ها بسته شد، آن وقت می‌توان با در نظر داشتن حد و مرزها، در برخورد با خلاف، شدت به خرج داد. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

فَاسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ وَاخْلَطِ الشَّدَّةَ بِضَغْثٍ مِنَ اللَّيْنِ وَارْزُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَاعْتَرِمِ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا يُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ.^(۲)

در امور مهم خود از خداوند کمک بخواه و شدت و غلظت را با کمی نرمش در هم آمیز و آنجا که جای مدارا کردن است، مدارا کن و در جایی که جز با شدت عمل، کار پیش نمی‌رود، شدت به خرج ده!

آن حضرت، از جنبه‌ای دیگر نیز به این امر نگریسته و فرموده است: «الْعَاقِلُ لَا يَفْرُطُ بِه عَنْفٌ وَلَا يَقَعِدُ بِه ضَعْفٌ؛ عاقل آن است که اگر کسی با او درشت‌خویی کرد، از حد خارج نشود و ضعف و ناتوانی او باعث ترک و اجباتش نشود.»^(۳) امام صادق(ع) نیز به اعتدال در برخورد سفارش می‌کند و می‌فرماید:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۷۶۸.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۹۹۵.

الْمُؤْمِنُ إِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقِّ وَ إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ وَ الَّذِي إِذَا قَدَرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِمَّا لَهُ. (۱)

آنگاه که مؤمن خشمگین شود، خشمش او را از جاده حق بیرون نمی برد و هرگاه خشنود شود، خشنودی اش [از کسی] او را به باطل نمی کشاند و [مؤمن] کسی است که چون قدرت پیدا کند، بیشتر از آنچه از آن اوست، بر نمی دارد.

دوری از دروغ (۱)

دوری از دروغ (۱)

راست گویی و پرهیز از دروغ نشانه سلامت شخصیت انسان است. در آموزه‌های دینی به راست گویی و پرهیز از دروغ اهمیت ویژه‌ای داده شده و دروغ، کلید همه گناهان معرفی شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْصُّدُقُ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَ الْبِرُّ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ؛ راست گویی [انسان را] به نیکوکاری و نیکوکاری، وی [انسان] را به بهشت دعوت می‌کند.» (۲) در حدیثی دیگر از امام محمد باقر (ع) می‌خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ. (۳)

خداوند متعال برای شر و بدی قفل‌هایی قرار داده است و کلید آن قفل‌ها، شراب است و دروغ از شراب نیز بدتر است.

دلیل آنکه دروغ کلید سایر گناهان معرفی شده این است که انسان گناه کار هرگز راست گو نیست؛ زیرا راست گویی موجب رسوایی او می‌شود. انسان گناه کار ناخودآگاه به دروغ آلوده می‌شود؛ زیرا برای پوشاندن آثار گناهش، چاره‌ای جز دروغ گفتن ندارد. بی‌تردید، دروغ،

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ح ۲۰۹.

۲- طبرسی، مشکاه الانوار، ص ۱۵۷.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۴.

انسان را با آلودگی به گناهان پرورش می‌دهد. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این گونه می‌خوانیم:

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّكُونُ الْمُؤْمِنِ جَبَانًا؟ قَالَ نَعَمْ، قِيلَ وَيَكُونُ بَخِيلًا؟ قَالَ نَعَمْ. قِيلَ وَيَكُونُ كَذَّابًا؟ قَالَ لَا. (۱)

از پیامبر پرسیده شد: آیا ممکن است انسان باایمان ترسو باشد؟ ایشان فرمود: آری. [اصحاب] دوباره پرسیدند: آیا ممکن است بخیل باشد؟ حضرت فرمود: آری. باز پرسیدند: آیا ممکن است دروغ گو باشد؟ پیامبر فرمود: نه.

در روایت زیبایی دیگری از آن حضرت، مؤمنان را از دوستی با دروغ گو برحذر می‌دارد و می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَ مَصَادِقَهُ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ. (۲)

از دوستی با دروغ گو پرهیز که او چون سراب است. دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می‌نمایاند.

پرهیز از دروغ گویی (۲)

پرهیز از دروغ گویی (۲)

در فضیلت صداقت همین بس که این صفت از صفات خداوند متعال است، چنان که در قرآن می‌خوانیم: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؟» از خدا راست‌گو تر کیست؟» (نساء: ۱۲۲) همچنین از مؤمنان خواسته شده با صادقان و راست‌گویان همراه و همگام باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باتقوا باشید و با راست‌گویان همراه و همگام

۱- جامع الأخبار، ص ۱۴۸.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۳۷.

شوید.» (توبه: ۱۱۹) امام محمد باقر(ع) می‌فرماید: امام زین العابدین(ع) به فرزندان خود توصیه می‌کرد:

إِتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَى عَلَى الْكَبِيرِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَصْدُقُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ صَدِيقًا وَ مَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَكْذِبُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ كَذَابًا. (۱)

از دروغ کوچک و بزرگ، چه شوخی و چه جدی بپرهیزید؛ زیرا دروغ کوچک، انسان را دلیر می‌کند و موجب می‌شود از دروغ بزرگ نهراسد. آیا نمی‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بنده (خدا) پیوسته راست می‌گوید تا خدا او را در زمره راست گویان می‌نویسد و بنده [دیگر خدا] پی در پی دروغ می‌گوید تا آنجا که خدا نام وی را در ردیف دروغ گویان ثبت می‌کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در زشتی دروغ‌گویی می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْخَطَايَا اللُّسَانَ الْكَذُوبُ؛ به راستی از بزرگ‌ترین خطاها زبانی است که عادت به دروغ داشته باشد.» (۲)

دروغ چه کوچک و چه بزرگ، شوخی یا جدی، پسندیده نیست و در نامه عمل انسان نوشته می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكَذِبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً؛ هیچ بنده‌ای مزه ایمان را نمی‌چشد تا دروغ را، به شوخی باشد یا جدی، به طور کامل ترک کند.» (۳) بی‌تردید علت دروغ‌گویی، عقده حقارت و خودکم‌بینی است، چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این امر اشاره فرموده است: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ؛ علت اصلی دروغ جز کم‌بینی و بی‌شخصیتی نیست.» (۴)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۰.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۰.

میانروی در معاملات

میانروی در معاملات

از ملاک‌های اساسی که در معاملات رایج است و درستی یا نادرستی معاملات با آن روشن و ارزش گذاری می‌شود، میزان و ترازوست. خداوند حکیم نیز به این امر تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ؛ کیل و وزن را تمام بدهید و خیانت و کم فروشی و گران فروشی را ترک کنید.» (انعام: ۱۵۲) و در آیه‌ای دیگر آمده است:

وَالِی مَیْدَیْنِ أَخَاهُمْ شُعَبِیًّا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (اعراف: ۸۵ و هود: ۸۴)

برای اهل مدین، برادر آنها شعیب را فرستادیم. گفت: ای قوم! خدا را پرستید که شما را جز او خدایی نیست. اکنون که از جانب پروردگار بر شما برهانی روشن آمد [که گران فروشی را ترک کنید]، پس در سنجش کیل و وزن با مردم عدل و درستی را پیشه کنید، کم فروشی نکنید و در زمین بعد از آنکه قوانین آسمانی به نظم و اصلاح آن آمد، به فساد برنخیزید که این کار (خدا را به یگانگی پرستیدن و با خلق به عدالت کوشیدن و در وزن تعدی و تجاوز و خیانت نکردن) برای سعادت شما بسیار بهتر است [البته] اگر [به پروردگار در روز قیامت] ایمان دارید.

حضرت علی (ع) نیز در توصیه‌هایی به مالک اشتر، نحوه معامله کردن را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمِحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُتَبَاعِ؛ معاملات باید با شرایط آسان، با موازین عدل و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان برساند و نه به خریدار، صورت گیرد.» (۱)

یتیم نوازی

یتیم نوازی

سرپرستی فرزندان یتیم از فضیلت‌های اخلاقی است که در قرآن و روایات به آن تأکید و سفارش شده است. خداوند در قرآن مجید بی‌اعتنایی به یتیمان را نشانه کفر و نفاق می‌شمارد و می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ؛ آیا دیدی آن را که دین و روز قیامت را دروغ می‌پندارد؟ پس او کسی است که یتیم را از خود می‌راند.» (ماعون: ۱ و ۲) و در آیه ای دیگر می‌فرماید: «كَالْبَلِّ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ؛ چنان نیست که شما خیال می‌کنید، بلکه شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید.» (فجر: ۱۷ و ۱۸)

در روایات اسلامی نیز بر یتیم‌نوازی بسیار سفارش شده است و پاداش‌های فراوانی را برای این عمل بیان کرده‌اند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا وَ كَفَلَ نَفَقَتَهُ كُنْتُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ وَ قَرْنَ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ الْمُسَبَّحِ وَ الْوَسْطَى. (۱)

آن که یتیمی را سرپرستی کند و عهده‌دار نفقه و مخارج او شود، من و او در بهشت هم نشین یکدیگر هستیم، سپس انگشت سبابه و انگشت وسطی را پهلوی هم گذاشت و فرمود: مانند این دو که پهلوی یکدیگر هستند.

در روایت دیگری نیز می‌فرماید:

مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَشْتَعِنِي عَنْهُ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ كَمَا أَوْجَبَ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۵.

۲- امالی، طوسی، ص ۳۳۲.

آن که یتیمی را سرپرستی کند تا اینکه از او بی‌نیاز شود (و خود عهده دار کار خود شود)، خداوند بهشت را بر وی واجب می‌کند، همان گونه که اگر کسی در مال یتیم خیانت کند، مستحق دوزخ می‌شود.

امام صادق(ع) نیز یتیم نوازی را راه ورود به بهشت می‌داند و می‌فرماید:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُدْخِلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي رَحْمَتِهِ وَيُسْكِنَهُ جَنَّتَهُ فَلْيُحْسِنْ خُلُقَهُ ... وَلْيُرْحَمِ الْيَتِيمَ. (۱)

آن که بخواهد مشمول رحمت خداوند گردد و وارد بهشت شود، باید خوش اخلاق و با یتیمان دلسوز و مهربان باشد.

همچنین آن حضرت بهترین خانه ها را خانه ای می داند که در آن یتیمی اکرام شود. ایشان می فرماید: «خَيْرُ بَيْتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُحْسَنُ إِلَيْهِ؛ بهترین خانه های شما خانه ای است که در آن به یتیمی احسان شود».^(۱)

احسان به دیگران

احسان به دیگران

در اسلام به احسان و نیکی سفارش بسیار شده است. حضرت علی(ع) در توصیه ای می فرماید: «أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ؛ آن گونه که دوست داری به تو نیکی شود، نیکی کن».^(۲) حتی سفارش شده است به کسانی که به ما بدی کرده اند، احسان کنیم، چنان که آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «أَحْسِنِ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ؛ با آن که به تو بدی کرد، نیکی کن»!^(۳) احسان آثار و نتایج ارزشمندی مانند برتری و سروری دارد. حضرت علی(ع) در این باره می فرماید: «أَلِّحْسَانُ التَّفَضُّلُ؛ احسان، نیکی کردن است».^(۴) با احسان می توان دل ها را به دست آورد، چنان که امام علی(ع) می فرماید: «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ؛ با نیکوکاری، دل ها تصرف می شود».^(۵) همچنین آن که نیکی می کند، نیکی خواهد دید. در این باره نیز ایشان می فرماید: «أَحْسِنُ يُحْسَنُ إِلَيْكَ؛ نیکی کن تا به تو نیکی شود».^(۶) همچنان که هر نعمتی ممکن است دچار آفت شود، بخشندگی نیز از این امر مستثنا نیست. آسیب های دوری از احسان، بخل و بازداشته شدن از کار خیر است. احسان نکردن ممکن است به از دست

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۴.

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۷۹.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۹.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۲۲۸.

۶- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۱۷۶.

دادن توانایی‌ها بینجامد. امام علی (ع) فرمود: «مَنْ قَطَعَ مَعَهُودَ إِحْسَانِهِ قَطَعَ اللَّهُ مَوْجُودَ إِمْكَانِهِ؛ آن که احسان همیشگی را قطع کند، خداوند توانایی اش را از بین خواهد برد»^(۱).

یکی از مصداق های احسان، انفاق و کمک مالی به دیگران است، البته این انفاق غیر از حق زکاتی است که باید آن را پرداخت.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:

لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حُقُوقًا غَيْرَ الزَّكَاةِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ، فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ غَيْرُ الزَّكَاةِ وَهُوَ شَيْءٌ يُفْرَضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ ... إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ^(۲).

خداوند متعال در اموال ثروتمندان، حقوقی غیر از زکات قرار داده، از جمله اینکه فرموده است: در اموال آنها حق معلومی برای سائل و محروم است. بنابراین، حق معلوم غیر از زکات است و آن چیزی است که انسان بر خود لازم می داند تا از مالش بپردازد...؛ برای هر روز یا اگر بخواهد در هر جمعه یا در هر ماه.

خداوند در قرآن مجید، وسوسه های شیطانی را یک از موانع مهم انفاق دانسته است. شیطان همواره انسان را از فقر و تنگ دستی می ترساند و ترس از تنگ دستی و فقر همواره وی را از خیراندیشی و انفاق باز می دارد.

در آیه قرآن می خوانیم: شیطان به هنگام انفاق، به شما وعده فقر و تهی دستی می دهد (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ) و می گوید: تأمین آینده خود و فرزندانان را فراموش نکنید، از امروز فردا را ببینید، آنچه بر خویشتن رواست، بر دیگری روا نیست و امثال این وسوسه های گمراه کننده. همچنین وی، انسان را به معصیت و گناه وادار می کند (يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَا).

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۲۳۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۷.

آداب دیدار بیمار

آداب دیدار بیمار

از جمله سفارش‌های مهم اسلام، عیادت از بیماران است. امام علی (ع) می‌فرماید: «مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ؛ عیادت مریض یکی از بهترین نیکی‌هاست».^(۱)

عیادت از بیمار آدابی دارد که رعایت آنها، ثواب این عمل پسندیده را بالا می‌برد. در برخی سفارش‌ها گفته شده هنگام عیادت، دست بر دست بیمار بگذارید و احوال او را پرسید تا دلش را به دست آورید و اگر جسمش مریض است، روحش سالم و بانشاط باشد. همچنین برای اینکه عیادت موجب خستگی و آزدگی بیمار نشود، فرموده‌اند در مدت عیادت، رعایت حال مریض را بکنیم و عیادت طولانی نشود که این نیز فضیلت دارد.

در توصیه‌های ائمه (ع) تهیه هدیه برای بیماران، عبادت شمرده شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرِيضَ يَشْتَرِيحُ إِلَى مَا أُدْخِلَ عَلَيْهِ؛ آیا نمی‌دانید که هدیه باعث آرامش خاطر و راحت روان مریض است».^(۲) البته به رعایت حال بیماران نیز سفارش‌هایی شده است، چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَأْكُلَ الْعَائِدُ عِنْدَ الْعَلِيلِ فَيَحْبِطَ اللَّهُ أَجْرَ عِيَادَتِهِ.^(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خوردن در کنار مریض نهی کرده است؛ زیرا این کار موجب از میان رفتن پاداش عیادت او می‌گردد.

همچنین به کم نشستن در کنار بیمار و زود ترک کردن وی سفارش شده است. امام صادق (ع) در مورد مقدار نشستن بر بالین بیمار

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۲۹.

۳- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۴.

می فرماید: «الْعِيَادَةُ قَدْرَ فُوقِ نَاقِهِ أَوْ حَلْبِ نَاقِهِ؛ طول مدت عیادت مریض به اندازه فاصله میان دو دوشیدن ناقه یا به اندازه وقتی است که ناقه‌ای را بدوشند». (۱)

دیدوبازدید

دیدوبازدید

انسان‌ها به انس و الفت و محبت به یکدیگر نیازمندند. رسول گرامی اسلام می فرماید:

أَكْرَمُ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَالصُّدَّيْقِينَ وَلشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ التَّرَاوُرُ فِي اللَّهِ. (۲)

بهترین خصلت پیامبران و راست گویان و شهدا و نیکوکاران، دیدار از یکدیگر برای خشنودی خداوند است.

گاه دیدار مؤمنان از یکدیگر، به بهترین عبادت تعبیر شده است.

امام جعفر صادق (ع) نیز فرمود:

أَمَا أَنَّهُ مَا يُعْبَدُ اللَّهُ بِمَثَلِ نَقْلِ الْأَقْدَامِ إِلَى بَرِّ الْإِخْوَانِ وَزِيَارَتِهِمْ. (۳)

بدان که خداوند به هیچ چیز مانند گام برداشتن برای نیکی به برادران دینی و دیدارشان، عبادت و ستایش نمی شود.

دیدوبازدید، موجب شکفتن گل‌های محبت و دوستی می شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الزِّيَارَةُ تُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ؛ دیدار و ملاقات محبت را در دل‌ها می رویند». (۴) در حدیث دیگری از پیامبر می خوانیم که دیدار مؤمن در حقیقت دیدار پروردگار است: «مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي بَيْتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَنْتَ ضَيْفِي وَزَائِرِي؛ کسی که برای دیدن برادرش به خانه او رود، خداوند می فرماید تو مهمان و زائر من هستی». (۵)

۱- محجه البيضاء، ج ۳، ص ۴۱۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

۳- تحف العقول، ص ۳۱۳.

۴- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۵.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۷.

در مورد آداب ملاقات نیز روایات متعددی وجود دارد، از جمله امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا وَتَصَافَحَا أَدْخَلَ اللَّهُ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا؛ زمانی که مؤمنان با هم ملاقات و مصافحه کنند، خداوند دستش را بین دست آنان نگه می‌دارد.» (۱) رسول گرامی اسلام نیز می‌فرماید:

إِذَا التَّقَيْتُمْ فَتَلَقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافُحِ وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالإِسْتِغْفَارِ. (۲)

وقتی به یکدیگر رسیدید، پس با سلام و مصافحه ملاقات کنید و زمانی که متفرق و جدا می‌شوید، با استغفار جدا شوید.

نیکی به والدین

نیکی به والدین

در قرآن مجید، پیروی از پدر و مادر و احسان به آنان بلافاصله پس از فرمان اطاعت و عبادت خدا آمده است و این همراه بودن دو فرمان در یک آیه، دلیل بر اهمیت فراوان احترام به والدین است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و مقدر کرد خداوند تو که پرستش نکنید جز او را و به والدین نیکی کنید.» (اسراء: ۲۳) در روایات نیز آمده است سه چیز از بهترین اعمال است: «نماز اول وقت، نیکی کردن به پدر و مادر و جهاد در راه خدا.» (۳) در سخن امام صادق (ع) درباره تفسیر آیه «و بالوالدین احساناً» نیز، سفارش شده با والدین معاشرت نیکو داشته باشیم و اگر به کمک ما نیازمند هستند، منتظر نمایم تا نیازشان را ابراز کنند. (۴) رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در توصیه‌ای می‌فرماید: «هر که می‌خواهد عمرش طولانی و روزی‌اش زیاد شود، باید به والدینش نیکی کند؛ چرا که نیکی به آنها همان اطاعت خداوند است.» (۵) آن حضرت

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۵.

۴- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹.

۵- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

رضای الهی را در رضای والدین دانسته و در کلامی دیگر فرموده است: «رِضَا اللَّهِ مَعَ رِضَا الْوَالِدَيْنِ وَ سَيَخْطُ اللَّهُ مَعَ سَيَخْطُ الْوَالِدِينَ؛ خشنودی خدا با خشنودی والدین و غضب خدا به همراه غضب آنان است.» (۱) در برخی روایات نیز نگاه به چهره پدر و مادر عبادت شمرده شده است. چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى الْوَالِدِيهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ؛ نگاه کردن فرزند از روی مهر و محبت به چهره پدر و مادر عبادت است.» (۲) نیکی به پدر و مادر به زمان حیات آنان اختصاص ندارد، بلکه زیارت قبرشان نیز نیکی به آنان است. رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِيهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ لَهُ وَ كُتِبَ بَرًّا. (۳)

کسی که قبر پدر و مادر یا یکی از آنها را در هر جمعه زیارت کند، خداوند او را می بخشد و او را نیکوکار می نویسد.

برادری

برادری

برادری واژه‌ای زیبا و ارزشمند است که ریشه در بسیاری از خوبی‌ها دارد. قرآن کریم تمام مؤمنان را برادر می‌داند. بهترین نوع برادری همان همدردی در هنگام سختی‌ها و مشکلات است. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَظْهَرَ الْكَرَمِ صِدْقُ الْإِخَاءِ فِي الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ؛ آشکارترین بخشش‌ها و جوانمردی‌ها، وفاداری در برادری، در سختی و آسانی است.» (۴) خداوند برای کمک برادران دینی به یکدیگر، پاداش اخروی قرار داده و آنان را به رعایت حقوق یکدیگر فراخوانده است. امام صادق (ع) در سخنی پرارج می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۳- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۵۹.

۴- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۲۱.

الْمُسْلِمِ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَحْدَعُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ. (۱)

مسلمان، برادر مسلمان است. او چشم برادر و آئینه و راهنمای اوست، هرگز به برادرش خیانت نمی‌کند و به او نیرنگ نمی‌زند و به او ستم نمی‌کند و دروغ نمی‌گوید و غیبتش را نمی‌کند.

امام علی (ع)، کسی را که بار مشکلات برادر دینی‌اش را به دوش می‌کشد، آقا و بزرگوار خوانده و فرموده است: «السَّيِّدُ مَنْ تَحَمَّلَ أَثْقَالَ إِخْوَانِهِ وَ أَحْسَنَ مُجَاوِرَةَ جِيرَانِهِ؛ سید و آقا کسی است که سنگینی مشکلات برادرش را تحمل و با همسایگانش خوب برخورد کند.» (۲) ایشان رسیدگی به مشکلات برادران دینی را جوانمردی می‌داند و می‌فرماید: «نِظَامُ الْمَرْؤَةِ حُسْنُ الْأَخْوَةِ؛ پایداری مروت در خوب برادری کردن است.» (۳) در بعضی دیگر از روایات، مؤمنان چون روح در یک بدن شمرده شده‌اند چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ؛ مؤمن، برادر مؤمن است، همانند دو روح در یک بدن هستند.» (۴)

صله رحم

صله رحم

در روایات دینی درباره صله رحم سفارش‌های بسیاری شده است تا آنجا که آمده حتی اگر باید یک سال راه را طی کنید تا با اقوام خود دیدن کنید، این کار را انجام دهید؛ چراکه آن کار خیری که سریع‌تر از همه نتیجه می‌دهد، صله رحم است. امام باقر (ع) از قول رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲- غررالحکم ودررالکلم، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳- غررالحکم ودررالکلم، ج ۶، ص ۱۷۶.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

می فرماید: «إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ ثَوَاباً صَمَلَهُ الرَّحِمِ؛ سریع ترین ثوابی که به خاطر کار خیر نصیب انسان می شود، ثواب صله رحم است.»^(۱) در برخی دیگر از روایات، این عمل باعث افزایش عمر و مال می شود و از مرگ ناگوار جلوگیری می کند. رسول رحمت می فرماید: «صَلِّهِ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ وَ تَدْفَعُ مِيتَةَ الشُّوْءِ؛ صله رحم عمر را زیاد و از مرگ های بد و ناگوار جلوگیری می کند.»^(۲) امام جعفر صادق (ع) نیز در روایتی بر صله رحم سفارش و تأکید می کند و می فرماید: «صَمَلَهُ الْأَرْحَامِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنَسِّي الْأَجَلَ؛ صله رحم رزق و روزی را زیاد می کند و اجل را به دست فراموشی می سپارد.»^(۳) آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ تُيسِّرُ الْحِسَابَ؛ صله رحم حساب روز قیامت را آسان می کند.»^(۴)

در مورد چگونگی صله رحم نیز آمده است گاهی این امر با یک سلام و احوالپرسی یا دادن یک لیوان آب محقق می شود. امام جعفر صادق (ع) می فرماید: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ؛ صله رحم کنید ولو با یک سلام.»^(۵) آن حضرت در روایتی دیگر به شربتی از آب اشاره کرده و فرموده است: «صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مَاءٍ؛ صله رحم کن ولو با بخشیدن شربتی آب!»^(۶)

غیر تمندی

غیر تمندی

غیرت، همان حالت درونی است که حفظ ناموس، دین، مذهب و وطن به واسطه آن میسر می گردد. انسان های بی غیرت، ایمان ندارند؛ زیرا ایمان

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۴.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۵- تحف العقول، ص ۵۷.

۶- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

و غیرت در هم تنیده اند. رسول گرامی اسلام می فرماید: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ؛ غیرت، نشانه ایمان انسان است.» (۱) یکی از میوه ها و ثمره های درخت غیرت، عزت نفس و بزرگ منشی انسان است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ؛ غیرتمندی مرد به اندازه عزت منشی اوست.» (۲) امام صادق (ع) نیز در روایتی می فرماید:

إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً وَ سَرِعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَةً بِتَحْصُنٍ. (۳)

همانا مرد در منزل و خانه خود به داشتن سه خصلت نیازمند است اگرچه در سرشت و طبیعت او نباشد (باید بر خود تحمیل کند): معاشرت خوب، گشایش در امور زندگی به اندازه معین و غیرت به منظور حفظ ناموس.

در متون روایی بی غیرتی نکوهش شده است، چنان که امام علی (ع) در روایتی می فرماید:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ تَبُّتُ أَنْ نِسَائِكُمْ يُدَافِعَنَّ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ [وَقَالَ] لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ. (۴)

ای مردم عراق! به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد می کنند و آنان را کنار می زنند، آیا شرم نمی کنید؟ [و فرمود:] خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

غیرتمندی عامل صیانت از حریم فرد و جامعه و حریم ایمان و دیانت می گردد و شایسته است آدمی به آن آراسته شود.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۲.

۲- غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۳۷۷.

۳- تحف العقول، ص ۳۲۲.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۶.

مدارا با دیگران

مدارا با دیگران

اسلام برای افراد جامعه، حقوق متقابلی مقرر کرده است که مسلمانان در برخورد با یکدیگر باید آنها را رعایت کنند. از جمله آن حقوق گذشت و مدارا در حق همدیگر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ وَ أَدْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ؛ داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.» (۱) آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارا کردن، با مردم نیمی از ایمان و رفاقت و مهربانی با آنان نیمی از عیش محسوب می شود.» (۲)

رسول خدا مدارا با مردم را در شمار واجبات می داند و می فرماید: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ خداوند به من دستور مدارا با مردم را داد، همچنان که به واجبات دینی فرمان داده است.» (۳) مدارا با مردم موجب برکت و افزایش رزق و روزی است، چنان که رسول گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَالْعَبْرَكَةَ؛ در سایه رفق و مدارا، روزی و برکت به سراغ انسان می آید.» (۴) امام علی (ع) نیز مدارا را نشان بلندی طبع می داند و می فرماید: «الرِّفْقُ بِالْأَتْبَاعِ مِنَ كَرَمِ الطَّبَاعِ؛ ملائمت با همراهان، از بزرگواری طبع انسان است.» (۵)

اصلاح میان مردم

اصلاح میان مردم

کوشش برای اصلاح میان مردم از اخلاق های پسندیده در فرهنگ اسلامی است. خداوند در قرآن مجید می فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۸۸.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات: ۱۰)

مؤمنان برادر یکدیگرند. بنابراین، میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید.

و در آیه ای دیگر می فرماید: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ؛ صلح و آشتی بهتر است» (نساء: ۱۲۸) در روایت های پیشوایان دین، پس از سفارش به انجام واجبات دینی، به اصلاح بین مردم سفارش و تأکید شده است. رسول رحمت می فرماید: «مَا عَمِلَ رَجُلٌ عَمَلًا بَعْدَ إِقَامَةِ الْفَرَائِضِ خَيْرًا مِنْ إِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ؛ پس از انجام واجبات، هیچ عملی بهتر از اصلاح در میان مردم نیست.»^(۱) همچنین در احادیث از اصلاح ذات البین به عنوان بهترین نوع صدقه یاد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ؛ برترین نوع صدقه اصلاح کردن میان مردم است.»^(۲)

امام صادق(ع) در روایتی می فرماید:

صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقَارُبٌ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا.^(۳)

صدقه و بخششی را که خدا دوست می دارد، اصلاح میان مردم است، هنگامی که به فساد می گرایند (با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند) و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر است، زمانی که از هم دور می شوند.

اصلاح میان مردم آن قدر ارزشمند است که امام صادق(ع) از مال خود برای این کار سهمی در نظر می گیرد و به یکی از یارانش این گونه

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۶۳.

۲- محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۷۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

سفارش می کند: «إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَأَقْتَدِهَا مِنْ مَالِي؛ هنگامی که بین دو تن از پیروان ما نزاعی می بینی، از مال من غرامت بپرداز تا با یکدیگر صلح کنند».(۱)

اصلاح و ایجاد صلح و صفا بین افراد از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی دروغ مصلحتی برای ایجاد تفاهم جایز شمرده شده، چنان که رسول گرامی اسلام به امام علی(ع) فرمود:

يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْكُذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفُسَادِ.(۲)

خدا دروغ موجب صلاح را دوست دارد و از سخن راستی که موجب فساد گردد، بیزار است.

فروتنی با مردم (۱)

فروتنی با مردم (۱)

یکی از صفات پسندیده در اسلام، فروتنی با مردم و خود را بزرگ نشمردن در برابر آنان است. تواضع و فروتنی نشانه هایی دارد. سلام کردن یکی از نمودهای تواضع انسان است. از امام جعفر صادق(ع) نقل شده است: «مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَيَّ مَنْ لَقِيتَ؛ از نشانه های تواضع آن است که هر کس را ببینی، به او سلام کنی».(۳) یکی دیگر از نشانه های تواضع، نشستن در هر جای خالی در مجلس است، چنان که در حدیث دیگری از امام صادق(ع) می خوانیم: «إِنَّ مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ يَجْلِسَ الرَّجُلُ دُونَ شَرَفِهِ؛ از نشانه های تواضع این است که انسان در مجلس به مکانی پایین تر از مقام اجتماعی اش قانع باشد».(۴)

تواضع، آثار و نتایج ارزشمندی مانند رسیدن به مقام بالا و سروری، ایجاد محبت، نزدیکی به پروردگار و شرافت به همراه دارد. امام جعفر صادق(ع) چه زیبا می فرماید: «أَقْرَبُ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ الْمُتَوَاضِعُونَ؛ نزدیک ترین

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۶.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۳.

مخلوقات به خداوند، فروتنانند.» (۱) گفتنی است اصلی ترین و مفیدترین نوع تواضع، فروتنی در مقابل پروردگار عالم است که نشانه این تواضع، نماز است و پس از آن، فروتنی در مقابل مؤمنان، علما و معلمان. امام علی (ع) در توصیه‌ای می‌فرماید: «تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُوا مِنْهُ الْعِلْمَ؛ در برابر کسی که از او دانش فرامی‌گیرید، متواضع باشید.» (۲) برخی تواضع را کوچک شدن خود می‌پندارند، درحالی که دیده می‌شود بسیاری از متواضعان از مقامی بسیار عالی برخوردارند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «أَعْظَمُ النَّاسِ رَفْعَهُ مَرْنٌ وَضَعُ نَفْسِهِ؛ بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که نفس خود را کوچک و متواضع قرار دهد.» (۳) رسول الله صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «مَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ؛ فروتنی نکرد احدی جز اینکه خدا به او رفعت و بلندی مقام عنایت می‌کند.» (۴)

فروتنی (۲)

فروتنی (۲)

خدای متعال تواضع را از ویژگی‌های بندگان خاص خود می‌شمارد و می‌فرماید:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. (فرقان: ۶۳)

بندگان خداوند رحمان، کسانی هستند که آرام و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب می‌سازند، به آنها سلام می‌گویند و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند.

و در آیه ای دیگر می‌خوانیم:

لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا. (اسرا: ۳۷)

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۱۹۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۰۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۳۴.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۰.

در زمین از سر کبر و غرور گام برمدا؛ چراکه به نیروی خود زمین را نتوانی شکافت و به سربلندی به کوه‌ها نخواهی رسید.

در روایات اسلامی نیز به فروتنی سفارش شده است. رسول گرامی اسلام تواضع را سبب سربلندی و عظمت مقام انسان می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رَفْعَهُ فَتَوَّاضِعُوا يَرْفَعُكُمْ اللَّهُ؛ تواضع وسیله سربلندی و سرافرازی است، پس تواضع کنید تا خدای متعال مقام شما را بلند گرداند!»^(۱) همچنین تواضع باعث جلب محبت دیگران و نشانه کمال عقل است. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «كَمَالُ الْعَقْلِ فِي ثَلَاثٍ التَّوَّاضِعُ لِلَّهِ؛ کمال عقل در سه چیز است، [یکی از آنها] تواضع برای خداست.»^(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره رفعت مقام فرد متواضع نزد مردم می‌فرماید:

مَنْ تَوَّاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي نَفْسِهِ ضَعِيفٌ وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ.^(۳)

کسی که به خاطر خدا تواضع کند، خداوند مقام او را بالا می‌برد. شخص متواضع گرچه به چشم خود ضعیف است (خود را کوچک می‌شمارد)، اما در نظر مردم بزرگ است.

متواضعان حتی در راه رفتن نیز مشی فروتنانه دارند. از جمله صفات برجسته پرهیزکاران این است که راه رفتن آنان از روی فروتنی است، چنان که حضرت علی (ع) در اوصاف آنان می‌فرماید: «وَمَشِيَهُمُ التَّوَّاضِعُ».^(۴)

امانت داری

امانت داری

امانت داری از فضایل اخلاقی و از ویژگی‌های برجسته مؤمنان شمرده می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «رَأْسُ الْأَمَانَةِ؛ اساس و ریشه اسلام،

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳- کنز العمال، ج ۳، ص ۱۱۳.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، خطبه ۱۹۳.

امانت داری است.» (۱) در جامعه اسلامی کسی که امانت دار باشد، بیشتر مورد اعتماد مردم است. شخص امانت دار با توکل بر خدا امانت داری می کند و با اعتماد بر او، در مال دیگران تصرف نمی کند. به فرموده امام صادق (ع)، در هر جامعه ای که امانت داری حاکم شود، راست گویی و صدق و صفا نیز افزایش می یابد: «إِذَا قَوِيَتْ الْأَمَانَةُ كَثُرَ الصِّدْقُ؛ اگر امانت داری استوار شود، راستی فراوان گردد.» (۲) رسول گرامی اسلام نیز می فرماید: «الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ؛ امانت باعث جلب روزی و خیانت، مایه جلب فقر است.» (۳) امانت داری نوعی جوان مردی است. اسلام از پیروانش می خواهد حتی برای کسانی که به آنها خیانت کرده اند، امین باشند. امام علی (ع) در روایتی می فرماید: «لَا تُخْنُ مَنْ ائْتَمَنَكَ وَ إِنْ خَانَكَ؛ به کسی که به تو اطمینان کرده است، خیانت مکن، هرچند او به تو خیانت کرده باشد.» (۴) برخوردار داری از صفت امانت داری، از الطاف خداوند بر بندگانش شمرده شده است، چنان که امام علی (ع) در روایتی می فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ سَيِّبِحَانَهُ عَبْدًا حَبَّبَ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ؛ هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، امانت داری را نزد او محبوب و دوست داشتنی قرار خواهد داد.» (۵) امانت داری حتی از پایه های ایمان شمرده شده است، چنان که امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: «عَلَى الصِّدْقِ وَالْأَمَانَةِ مَبْنَى الْإِيمَانِ؛ ایمان، بر پایه راست گویی و امانت داری استوار است.» (۶)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۴۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳- تحف العقول، ص ۴۵.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۳۳۹.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۴۰.

۶- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۱۸.

حقوق برادری

حقوق برادری

یکی از نعمت های بزرگ الهی به بندگانش، الفت و محبتی است که در قلب های آنان گذاشته است، به گونه ای که مانند اعضای یک پیکر در ناراحتی و رنج و سرور و شادمانی هم شریک می شوند. چنان که خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید: «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ پس به نعمت او برادر شدید». (آل عمران: ۱۰۳)

دوستان و برادران دینی، حقوقی بر یکدیگر دارند که به یک یا چند مورد منحصر نمی شود، بلکه در همه امور زندگی، از مال، جان، زبان و قلب حقوقی دارند که باید آنها را ادا کنند. بالاترین مرتبه ادای حقوق مالی آن است که برادرت را بر خود و نیازهای او را بر نیازهای خود مقدم بداری که خداوند می فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ دیگران را بر خود ترجیح می دهند، اگرچه خود به آنچه می بخشند، نیازمند باشند.» (حشر: ۹) افشا نکردن اسرار برادر دینی، حتی بعد از قطع رابطه با او، از دیگر حقوقی است که باید رعایت شود. همچنین، چشم پوشی از لغزش ها و پذیرش عذرخواهی نیز لازم است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که برادر مؤمنش از او معذرت بخواهد و عذرش را نپذیرد، گناهِش به اندازه گناه باج گیران است».^(۱)

دعا کردن در حق برادران دینی، چه در زمان حیات و چه پس از حیات نیز شایسته است. پس باید مؤمن در دعا کردن، بین خود و دوستش فرقی نگذارد که دعا کردن برای او، دعای برای خود است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هنگامی که مردی پشت سر برادر مؤمنش دعا می کند، فرشته ای همان دعا را در حق او می کند»^(۱).

پرهیز از سخن چینی

پرهیز از سخن چینی

سخن چینی از ویژگی های زشت اخلاقی و به معنای بدگویی کردن از افراد در غیاب آنان است که معمولاً با انگیزه ایجاد اختلاف بین افراد صورت می گیرد. سخن چین بدین وسیله میانه دوستان را بر هم می زند و دوستی و الفت افراد را به دشمنی بدل می سازد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «همواره عیب جویی و سخن چینی می کنند و خلق را از اعمال خیر باز می دارند و به ظلم و بدکاری می کوشند و با این همه متکبر و خشن هستند.» (قلم: ۱۱-۱۳) و نیز در آیه ای دیگر می فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ؛ وای بر هر عیب جوی هرزه زبان!» (همزه: ۱)

نقل است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «آیا شما را به بدترین افرادتان آگاه نکنم؟» عرض کردند: چرا ای رسول خدا! پیامبر فرمود: «بدترین افراد آنهایی هستند که سخن چینی می کنند و در میان دوستان جدایی می افکنند و در جست و جوی عیب برای افراد صالح و پاک دامنند»^(۲).

در روایات متعددی آمده است سخن چین و کسی که برای بر هم زدن وحدت مردم قدم برمی دارد و سبب تفرقه و جدایی میان مسلمین می شود، اهل بهشت نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمِيماً؛ سخن چین وارد بهشت نمی شود»^(۳) ایشان در سخنی دیگر می فرماید:

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَرَّمْتُ الْجَنَّةَ عَلَى الْمَنَّانِ وَالْبُخِيلِ وَالْقَتَاتِ وَهُوَ النَّمَامُ^(۴).

۱- ترجمه: اخلاق شبر، ص ۱۶۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۳- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۲۷۵.

۴- امالی صدوق، ص ۳۵۱.

خدای عزوجل می فرماید: بهشت را بر منت گذارنده، بخیل و سخن چین حرام کرده‌ام.

وحدت، الفت، محبت و هم بستگی اجتماع، از نعمت‌های پروردگار است. سخن چین با عمل خود این نعمت الهی را به نقیمت تبدیل می کند و صلح و صفا و محبت را از دل مردم می زداید و موجب تفرقه و جنگ و جدال در جامعه مسلمانان می شود. امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در نکوهش افراد سخن چین می فرماید:

شِرَارُكُمْ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبِّهِ الْمُتَبَتُّغُونَ لِلْبُرِّ آءِ الْمَعَايِبِ. (۱)

بدترین شما کسانی هستند که در مسیر سخن چینی راه می سپرند. آنها که میان دوستان فاصله می اندازند و عیب جوی افراد بی گناه هستند.

برای آنکه سخن چینی رواج نیابد، شایسته است سخن چین تصدیق نشود و سخن او برای کس دیگری نقل نگردد. روایت شده است: مردی نزد حضرت علی (ع) آمد و از مرد دیگری بدگویی کرد. حضرت فرمود: ای مرد! درباره سخن تو تحقیق می کنم، اگر راست گفته باشی، از تو خشمگین خواهم شد (به خاطر غیبت کردن) و اگر دروغ گفته باشی، تو را مجازات خواهم کرد و اگر بخواهی از تو درمی گذرم. مرد گفت: مرا ببخش ای امیر مؤمنان! (۲)

راه دیگر برای جلوگیری از رواج سخن چینی این است که درباره آنچه سخن چین گفته، کنجکاوی نکنیم؛ زیرا خداوند منان در قرآن می فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا؛ در امور یکدیگر تجسس نکنید!» (حجرات: ۱۲)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۷۸.

پرهیز از کینه توزی

پرهیز از کینه توزی

کینه توزی به معنای پروراندن دشمنی اشخاص در قلب و باطن است. برخی افراد آن چنان سنگ دل و بی رحم هستند که اگر نتوانند دشمنی خود را با دیگران بروز دهند، آن را در دل می پرورانند و در خود نگه می دارند تا روزی آن را عملی سازند. رسول گرامی اسلام این صفت را شایسته مؤمن نمی داند و می فرماید: «الْمُؤْمِنُ لَيْسَ بِحَقُودٍ؛ مؤمن، کینه توز نیست».^(۱)

اگر این صفت در قلب انسان رسوخ کند، دچار غم و اندوه می شود و در دنیا و آخرت آزار و عذاب می بیند. از این رو، عفو و بخشش توصیه شده است. امام صادق(ع) از قول رسول رحمت می فرماید:

إِلَّا- أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ.^(۲)

آیا شما را از بهترین اخلاق های دنیا و آخرت خبر ندهم؟ (آنها عبارتند از گذشت کردن درباره کسی که به تو ستم کرده است، پیوستن به کسی که از تو بریده، نیکی کردن به آن که به تو بدی کرده، و بخشش به کسی که تو را محروم ساخته است.

بنابراین، بهتر آن است که انسان کینه را از خود دور کند و سینه را از غبار خاطرات بد گذشته بزدايد و چنانچه ممکن باشد، از راه عفو و احسان با نفس خویش به مبارزه برخیزد و با شیطان مخالفت کند. چنان که خداوند متعال به پیامبرش می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ؛ راه عفو و بخشش پیش گیر و به نیکوکاری امر کن!» (اعراف: ۱۹۹)

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۳۱۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۸.

تولی و تبری

تولی و تبری

تولی و تبری که از فروع دین است، بدین معناست که مسلمان خوبی‌ها و خوب‌ها را دوست بدارد و با کژی‌ها و کژمدارها در ستیز باشد. خدای متعال در وصف پیروان راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. (فتح: ۲۹)

محمد، پیامبر خدا و پیروانش، با کافران سخت در ستیزند و با یکدیگر رحیم و مهربان.

و نیز در آیه ای دیگر می‌فرماید:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ. (مجادله: ۲۲)

نمی‌یابی گروهی را که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشند، ولی با مخالفان خدا و رسول او دوستی کنند؛ گرچه آن مخالفان پدران یا پسران یا برادران یا خوشاوندانشان باشند. خدا در دل آنان ایمان را رقم زده و به روحی از جانب خویش نیرومندشان ساخته است.

در آیه‌ای دیگر آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ. (ممتحنه: ۱)

ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خود را دوست نداشته باشید که با ایشان طرح دوستی و محبت افکنید، در صورتی که آنها به این حقیقت که برای شما آمده است، کفر می‌ورزند.

از آیات الهی برمی‌آید که مؤمن باید جاذبه و دافعه داشته باشد. رسول گرامی اسلام برای هدایت این حب و بغض می‌فرماید:

ای بنده خدا! دوستی و دشمنی خود را برای خدا و در راه او قرار ده. دوستی‌ها و دشمنی‌ها باید در این راه باشد؛ زیرا جز از این طریق به ولایت الله نمی‌توان رسید و جز از این راه کسی طعم ایمان را نخواهد چشید، هرچند نماز و روزه‌اش فراوان باشد. (۱)

امروزه بیشترین انگیزه‌ها برای دوستی‌ها و دشمنی‌ها غرض‌های دنیوی است و این گونه غرض‌ها در پیشگاه خدا هیچ ارزشی ندارد. پس باید کوشید دوستی‌ها و دشمنی‌ها در محور الهی و در مسیر محبوب قرار گیرد.

دوری از تکبر

دوری از تکبر

کبر، انسان را به فخرفروشی و برتری‌جویی بر دیگران وادار می‌کند. متکبران محبوب خداوند نیستند، چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ؛ خداوند متکبران را دوست ندارد.» (نحل: ۲۳) پیامبر گرامی اسلام نیز تکبر را مانع ورود به بهشت دانسته و فرموده است:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ كِبَرٍ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ إِيْمَانٍ. (۲)

هر که به اندازه ذره‌ای کبر در دل داشته باشد، به بهشت نمی‌رود و آن‌که ذره‌ای ایمان در دل داشته باشد، به جهنم داخل نمی‌شود.

در بعضی روایات، علت تکبر، حقارت و کوچکی انسان بیان شده است، چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَتِيَهُ إِلَّا مِنْ ذَلِّهِ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ انسانی نیست که خودستایی کند، مگر به علت ذلت و حقارتی که در نفس

۱- بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶.

۲- محجبه البيضاء، ج ۶، ص ۲۱۲.

خویش می‌یابد.» (۱) آن حضرت، شکل حضور افراد را در قیامت چنین توصیف می‌کند:

إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِي صُورِ الذَّرِّ يَتَوَطَّأُهُمُ النَّاسُ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ. (۲)

خداوند در روز جزا، گروه متکبران را به صورت مورچه محشور می‌کند که تا پایان حسابرسی خلائق در زیر پای مردم لگد کوب شوند.

البته روایات اسلامی، چگونگی برخورد با افراد مغرور و متکبر را نیز بازگو کرده‌اند، چنان که رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْ أُمَّتِي فَتَوَاضَعُوا لَهُمْ وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُمْ مَذَلَّةٌ وَصَغَارٌ. (۳)

اگر متواضعان امت مرا دیدید، در مقابل آنها فروتنی کنید و اگر متکبران را دیدید، در مقابل آنها تکبر ورزید که این رفتار، باعث خواری و کوچکی آنهاست.

عوامل تکبر

عوامل تکبر

خداوند در آیات فراوانی از قرآن مجید، با عبارتهایی روشن، مؤمنان را از تکبر نهی می‌کند. در این آیات حتی راه رفتن متکبرانه نکوهش شده و غرور یکی از عوامل کبر معرفی شده است. روشن است انسان‌هایی که دچار کمبود شدید هستند، وقتی به مقامی رسیدند و بر دیگران برتری یافتند، دچار غرور می‌شوند. چنین افرادی می‌کوشند امکانات خود را به رخ دیگران بکشند و آن را وسیله برتری‌جویی قرار دهند و بر دیگران

۱- محجه البیضاء، ج ۶، ص ۲۱۷.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۱۱.

۳- محجه البیضاء، ج ۶، ص ۲۲۲.

فخر بفروشنند. از سوی دیگر جهل انسان به ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌هایش از آغاز تا انجام پیدایش، از عوامل دیگر غرور و تفاخر است. از این رو، خداوند برای درهم شکستن این تفاخر، سرگذشت اقوام گذشته را بازگو می‌کند که چگونه با داشتن امکانات و قدرت فراوان به آسانی نابود شده‌اند. عامل دیگر تکبر و گردن‌کشی، احساس ضعف و حقارت ناشی از شکست‌هاست. برخی افراد برای جبران شکست‌های خود، فخرفروشی می‌کنند. امام جعفر صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «مَامِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِمَدْلِهِ وَحَيْدَهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ کس تکبر یا ستمگری نمی‌کند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد.» (۱) روشن است اگر انسان تکبر را در خود از بین نبرد و با این صفت، دنیا را ترک کند، مشمول این روایت خواهد بود که امام صادق (ع) از امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ؛ کسی که ذره‌ای کبر در قلبش وجود داشته باشد، داخل بهشت نمی‌شود.» (۲)

ترک غیبت

ترک غیبت

بسیاری از افراد نمی‌توانند زبان خود را کنترل کنند و مرتکب گناهان متعددی می‌شوند. از این رو، امامان معصوم (ع) درباره حفظ و نگهداری زبان از گناه و معصیت بسیار سفارش و تأکید کرده‌اند؛ زیرا بسیاری از گناهان و خطاهایی که از انسان سر می‌زند، به خاطر نگه‌داشتن زبان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اللِّسَانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرَ؛ زبان، درنده‌ای

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۶۱، ح ۶ (باب الکبر).

است که اگر رهایش کنی، هار می شود و انسان را می گزد. (۱) زبان می تواند منشأ گناهان بزرگی باشد که یکی از آنها، غیبت است. خداوند در هشدار برای ترک غیبت می فرماید:

وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ. (حجرات: ۱۲)

هیچ یک از شما از دیگری غیبت نکنند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت مردار برادر خود را بخورد؟ [بی شک،] همه شما از این کار کراهت دارید.

در روایات اسلامی آمده است، غیبت سبب می شود اعمال نیک انسان تباه گردد و از بین برود. امام صادق (ع) می فرماید:

الْغَيْبَةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِنَّهَا لَتَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (۲)

غیبت کردن بر هر مسلمانی حرام است، همان گونه که آتش هیزم را می خورد، غیبت نیز کارهای نیک انسان را می خورد و از بین می برد.

پیامبر گرامی اسلام نیز می فرماید:

در روز قیامت، یکی از شما را در صحرای محشر برای رسیدگی به اعمالش حاضر می کنند و نامه عملش را به دستش می دهند و هنگامی که به آن نگاه می کنند، از کارهای نیکی که انجام داده است، چیزی در آن نمی بینند. عرض می کند: پروردگارا! این نامه عمل من نیست، زیرا از طاعات و عباداتی که در دنیا انجام داده ام، چیزی در آن نمی بینم. به او گفته می شود پروردگار تو خطا و نسیان نمی کند و این نامه عمل از آن توست، اما به خاطر اینکه غیبت کردی، کارهای نیک تو در نامه عمل

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، حکمت ۵۷.

۲- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۲۵۵.

کسی نوشته شده است که از او بدگویی کردی. سپس شخص دیگری را برای حساب می آورند و نامه عملش را به او می دهند. به نامه نگاه می کند، ولی برخلاف انتظارش طاعات و عبادات زیادی را در آن می بیند و از روی تعجب عرض می کند: خدایا! این نامه عمل من نیست. من در دنیا کارهای نیکی که اینجا نوشته شده است، انجام نداده‌ام. به او گفته می شود: چون فلان شخص از تو بدگویی کرده، کارهای نیک او در نامه عمل تو نوشته شده است. (۱)

پرهیز از بدبینی (۱)

پرهیز از بدبینی (۱)

با توجه به آیات قرآن، سوءظن یکی از زشت ترین گناهان اجتماعی است. در آیه ای آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا. (حجرات: ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز تجسس نکنید و بعضی از شما غیبت همدیگر را نکنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ عِرْضَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السُّوءِ. (۲)

خداوند، خون و مال و آبروی مسلمان را محترم شمرده و سوءظن به مسلمانان را تحریم کرده است.

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۸.

۲- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۲۶۸.

از آنجا که بدگمانی، اعتماد عمومی جامعه را از بین می‌برد و باعث کدورت می‌شود، امامان معصوم (ع) همه را به خوش بینی به یکدیگر فراخوانده اند. امام علی (ع) می‌فرماید:

ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِ نَهْ حَيْثِي يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءَ وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمُولًا. (۱)

اعمال برادرت را به بهترین وجه حمل کن، مگر آنکه حجت و دلیلی برای تو پیدا شود که راه توجیه را بر تو ببندد و هرگز به سخنی که از [زبان] برادر مسلمانان خارج شده است، بدگمان مباش در صورتی که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی.

درحالی که بدگمانی خصلتی بسیار زشت و ناپسند است، در مقابل، خوش گمانی از صفات نیک و از مکارم اخلاقی مؤمن است. اخلاق اسلامی ما را به داشتن حسن ظن به دیگران ترغیب و سلامت روح و بهبود روابط اجتماعی را تضمین می‌کند. امام علی (ع) در کلامی می‌فرماید: «إِطْرَحُوا سُوءَ الظَّنِّ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَهَى عَنْ ذَلِكَ؛ به یکدیگر سوءظن نداشته باشید؛ زیرا خدا از آن نهی کرده است». (۲)

بدگمانی (سوءظن) (۲)

بدگمانی (سوءظن) (۲)

بدگمانی و بدبینی، اخلاقی ناشایست است که در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) نکوهش شده و آثار شوم و زیان‌های متعددی به دنبال دارد. امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ، لَمْ يَتْرُكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحًا؛ آن که روحیه بدبینی بر او غلبه کند میان او و دوستانش هرگز پیوند صلح و صفا برقرار نمی‌گردد». (۳) افراد بدبین، همواره از این درد

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۴.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۹۷.

روحی رنج می‌برند و این روحیه موجب می‌شود از بسیاری مطالب، کارها و اشخاص، هراس به دل داشته و از اعتماد به افراد، بیمناک باشند و آهسته آهسته، گوشه‌گیر شوند. این خطر و زیان بدبینی را حضرت علی(ع) در کلامی شیرین و آموزنده، این‌طور بیان کرده است: «مَنْ لَمْ يُحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛ آن‌که حسن ظن ندارد و به بدبینی و بدگمانی مبتلاست، پیوسته از همه می‌ترسد».(۱)

روحیه بدبینی و گمان‌بد داشتن به برادر مؤمن، به همسر، به همکار، به شریک و خلاصه به افراد جامعه، در قرآن، گناه قلمداد شده است. امام هادی(ع) می‌فرماید:

إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ، فَحَرَامٌ أَنْ تَظُنَّ بِأَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يُعَلَّمَ ذَلِكَ مِنْهُ.(۲)

آنگاه که زمان عدل بر زمان جور و ستم چیره باشد (زمان حاکمیت عدل و معیارهای اسلامی) حرام است انسان به کسی بدبین باشد، مگر هنگامی که به خلاف کسی، علم و یقین پیدا کند.

بدبینی آثار زیان‌بار متعددی به همراه دارد. از این رو، پیشوایان بزرگوار اسلام، در سخنان مختلفی، مسلمانان را از بدبینی برحذر می‌دارند. از پیامبر اسلام روایت شده است: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الكَذِبِ؛ با قاطعیت، از بدبینی بپرهیزید؛ زیرا بدبینی، دروغ‌ترین دروغ‌هاست».(۳) بدگمانی، رشته صلح و محبت را بین افراد می‌گسلد، امنیت روانی و اخلاقی جامعه را تهدید

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۹۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۹.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۴؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۱۶۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۵۹.

می کند، به بازار تهمت و افترا رونق می دهد و ناامنی اجتماعی به وجود می آورد.

ریا و خودنمایی

ریا و خودنمایی

ریا، همان تظاهر و خودنمایی، با انگیزه جلب توجه و ستایش مردم است. در قرآن مجید در نکوهش چنین روحیه‌ای آمده است:

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ. (ماعون: ۴ _ ۶)

وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند؛ آنان که در عبادت جز ریا و خودنمایی انگیزه‌ای ندارند.

در آیه‌ای دیگر در سفارش به دوری کردن از چنین خصلتی آمده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصِيئُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ؛ (شما ای مؤمنان!) همانند کسانی نباشید که نه برای جهاد در راه خدا، بلکه از روی غرور و خودنمایی بیرون آمدند و در پنهان، مردم را از راه خدا بازمی‌دارند.» (انفال: ۴۷) رسول گرامی اسلام نیز نشانه‌های ریاکاران را چنین برمی‌شمارد:

أَمَّا عَلَامَةُ الْمُرَائِي فَارْبَعَةٌ: يَحْرِصُ فِي الْعَمَلِ لِلَّهِ إِذَا كَانَ عِنْدَهُ أَحَدٌ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَحْرِصُ فِي كُلِّ أَمْرٍ عَلَى الْمُحَمَّدِ وَ يُحْسِنُ سَمْتَهُ بِجَهْدِهِ. (۱)

ریاکار چهار نشانه دارد؛ در انظار مردم در عبادت خداوند حریص است، اما به هنگام تنهایی کسل و بی حال است. در کارهایش به مدح و ثنای دیگران آزمند است و تمام کوشش او بر این است که میان مردم وجهه‌ای زیبا و نیکو داشته باشد.

حضرت علی (ع) نیز همین ویژگی‌ها را برای افراد ریاکار را برمی‌شمارد. (۲) امام رضا (ع) نیز در تحذیری، به یکی از اصحابش می‌فرماید:

۱- تحف العقول، ص ۱۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۵.

وَيَحْكُ يَا ابْنَ عَرَفَةَ: اِعْمَلُوا الْغَيْرَ رِئَاءً وَلَا سُمْعَةً فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَى مَا عَمِلَ. (۱)

وای بر تو ای پسر عرفه! کار کنی، نه به منظور ریا و به گوش مردم رسیدن، زیرا هر که برای غیر خدا کار کند، خدا او را به کاری که انجام داده و امی گذارد.

خیرخواهی و خدمت به بندگان

خیرخواهی و خدمت به بندگان

خدمت به بندگان خدا از راه های تقرب به خداوند متعال است. از آیات قرآن مجید درمی یابیم آنچه به سود مردم باشد، پایدار و جاوید خواهد بود و آنچه سودمند نباشد، مانند کف بر روی آب به زودی از میان می رود و اثری از آن باقی نخواهد ماند. خداوند متعال می فرماید:

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ. (رعد: ۱۷)

اما کف به کناری می رود و نابود می شود، ولی آنچه به مردم سود می رساند، [مانند آب] در زمین می ماند. خداوند متعال این چنین مثال می زند.

رسول گرامی اسلام نیز در حدیثی می فرماید:

الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا. (۲)

مردم عائله و جیره خواران خداوندند. محبوب ترین آنها نزد خدا کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده ای را خوشحال کند.

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

أَنْسَكَ النَّاسَ نُسْكَاً أَنْصَحُهُمْ جَنِيًّا وَ أَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ. (۳)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

عابدترین مردم آن است که برای مردم خیرخواه‌تر از دیگران و نسبت به تمام مسلمانان پاک دل تر و باصفا تر باشد.

امام صادق (ع) نیز در روایتی زیبا، همگان را به خدمتگزاری نسبت به بندگان خدا فراخوانده و فرموده است: «عَلَيْكَ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ؛ بر تو باد که برای [رضای] خداوند، خیرخواه بندگان او باشی و بدان که هیچ گاه خدا را به کاری برتر از این دیدار نخواهی کرد.» (۱) این امام معصوم در روایتی دیگر می‌فرماید:

أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا أَتَى رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَاسْتَتَعَانَ بِهِ فِي حَاجَتِهِ فَلَمْ يُعْنَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ إِلَّا ابْتِلَاءُ اللَّهِ بِأَنْ يَقْضِيَ حَوَائِجَ غَيْرِهِ مِنْ أَعْدَائِنَا يُعَذِّبُهُ اللَّهُ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

هرگاه یکی از شیعیان ما نزد یکی از برادران دینی خود برود و از او کمک بخواهد و او با اینکه می‌تواند، وی را یاری دهد، کوتاهی کند، خدای متعال او را گرفتار می‌کند که حاجت دشمنان ما را برآورد تا بدین وسیله خداوند در روز قیامت او را عذاب کند.

خوش رویی

خوش رویی

یکی از صفات پسندیده اجتماعی، گشاده رویی و برخورد محبت آمیز با مردم است که می‌تواند ثبات روابط جمعی را در پی داشته باشد. کسی که اخلاق نیکو داشته باشد، گرچه ناراحت و اندوهگین باشد، در برابر دیگران اظهار ناراحتی نمی‌کند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ؛ شادی مؤمن در چهره‌اش نمایان و اندوه او در

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

قلبش پنهان است.» (۱) رسول گرامی اسلام نیز می‌فرماید: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْتَقَوْهُمْ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ؛ شما نمی‌توانید با اموال خود به همه مردم گشایش دهید، پس با چهره باز و رویی خوش با آنها برخورد کنید.» (۲)

خوش‌رویی، عامل کسب محبت و قرب به خداوند است. امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید:

الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَاقُهُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبِشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَ بُعْدٌ مِنَ اللَّهِ. (۳)

خوش‌رویی و چهره گشاده، راه کسب محبت [مردم] و سبب نزدیک شدن به خداست و ترش رویی سبب نفرت [مردم] و دوری از خدا می‌شود.

این امام همام در کلامی دیگر می‌فرماید: «مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا نصیحت کن! از جمله وصایای پیامبر اکرم به او این بود که برادرت را با چهره باز ملاقات کن و در برخورد با او گشاده رو باش!» (۴) امام صادق(ع) نیز می‌فرماید:

سه چیز است که اگر کسی یکی از آنها را انجام دهد، خدا بهشت را بر او واجب می‌کند: انفاق در حال تنگ دستی، خوش رویی با همه مردم و انصاف دادن از خود (حق را بگویند اگر چه به زیان او باشد). (۵)

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۱۲۴۳، حکمت ۳۲۵.

۲- مشکاه الانوار، ص ۱۸۰.

۳- مشکاه الانوار، ص ۱۷۹.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۳.

پندپذیری

پندپذیری

انسان همواره در معرض خطا و غفلت است. از این رو، به موعظه و نصیحت نیازمند است. زیاد پرداختن به امور مادی، موجب غفلت و مرگ قلبها و دوری از یاد خدا می‌شود. به همین دلیل، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ؛ ای فرزندم! دلت را با موعظه زنده کن!»^(۱) در این زمینه غرور و غفلت، مانع پندپذیری است که امام علی (ع) از این دو مانع چنین یاد می‌کند: «بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْمَوْعِظَةِ حِجَابٌ مِنَ الْعِزَّةِ؛ میان شما و موعظه، پرده‌ای از غرور و غفلت است.»^(۲) امام جواد (ع) نیز در حدیثی می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ وَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٌ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ.^(۳)

مؤمن، نیازمند سه خصلت است: توفیق از سوی خداوند، اندرزدهنده‌ای از درون جان (وجدان) و قبول نصیحت از نصیحت کننده.

بنابراین، افزون بر واعظ بیرونی، آدمی به واعظی درونی نیز نیازمند است، چنان که حضرت علی (ع) در این باره فرمود: «مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ؛ هر که واعظی درونی داشته باشد، از جانب خداوند نگهدارنده‌ای دارد.»^(۴) در پیرامون ما امور متعددی هست که زمینه عبرت آموزی را فراهم می‌کند. اولیای دین به ما سفارش کرده‌اند که از پیشینیان پند بگیریم، چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «اتَّعِظُوا مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ؛ از سرگذشت پیشینیان پند بگیرید، پیش از آنکه آیندگان از سرگذشت شما پند

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- نهج البلاغه، ص ۵۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۸.

۴- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۴.

بگیرند.» (۱) یکی از منظره های پندآموز، قبرهای گذشتگان است. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «أَبْلَغُ الْعِظَاتِ الْإِعْتِبَارُ بِمَصَارِعِ الْأَمْوَاتِ؛ رساترین پند و اندرزها عبرت گرفتن از گورستان هاست.» (۲)

رعایت حریم دیگران

رعایت حریم دیگران

احترام به شئون مردم و حفظ حریم و شخصیت دیگران، از نشانه های اخلاق حسنه است. یکی از موارد حفظ حریم مردم، رعایت حرمت خانه های آنان است. در سوره نور در این باره آمده است:

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید، تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید! این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید و اگر کسی نیافتید، داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، باز گردید که برای شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

در اسلام این امر چنان اهمیت دارد که سفارش شده است حتی اگر کسی بخواهد وارد اتاق پدر یا مادر یا فرزند خود نیز بشود نخست باید اجازه بگیرد. در این باره آمده است: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: آیا هنگامی که می خواهم وارد خانه مادرم شوم، باید اجازه بگیرم؟ حضرت فرمود: آری. عرض کرد: مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد، باز هم باید اجازه بگیرم؟ پیامبر فرمود: «دوست داری مادرت را [در وضع نامناسب] ببینی؟» عرض کرد: نه. حضرت فرمود: «پس هنگامی که

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۲۳.

وارد می‌شوی، از او اجازه بگیر!»^(۱) در روایتی دیگر آمده است رسول خدا هر وقت می‌خواست به منزل دختر خود، حضرت فاطمه زهرا(س) وارد شود، اول اجازه می‌گرفت و سپس وارد می‌شد. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر خدا برای دیدن فاطمه زهرا(س) از منزل خارج شد. من نیز خدمت آن بزرگوار بودم. هنگامی که خواست وارد منزل شود، دست روی در گذاشت، در را کمی عقب زد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ». فاطمه(س) سلام پدر را پاسخ داد. سپس پیامبر فرمود: «اجازه هست وارد منزل شوم؟» فاطمه(س) عرض کرد: «آری ای رسول خدا!»^(۲)

عفو و چشم‌پوشی

عفو و چشم‌پوشی

از دیگر مکارم و محاسن اخلاقی و آداب نیکوی معاشرت، عفو است. در زندگی اجتماعی کمتر کسی دیده می‌شود که حقی از او ضایع نشده و دیگران حرمت او را نشکسته باشند. پایداری روابط اجتماعی بر عفو و گذشت مبتنی است؛ زیرا اگر همه مردم در استیفای حقوق خویش سخت‌گیر باشند و از کوچک‌ترین لغزشی چشم‌پوشی نکنند، زندگی بسیار تلخ خواهد شد و صفا و صمیمیت از میان خواهد رفت. خداوند در قرآن مجید در موارد زیادی مردم را به این روش پسندیده فرا خوانده است. در آیه ای از قرآن می‌خوانیم: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ با آنها مدارا کن، عفو و گذشت را شیوه خود قرار ده و آنها را به نیکی‌ها دعوت کن و از جاهلان روی بگردان!» (اعراف: ۱۹۹) در آیه ای دیگر عفو و گذشت از ویژگی‌های پرهیزکاران بیان شده و آمده است:

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۴.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۸۷.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (آل عمران: ۱۳۴)

[پرهیزکاران] آنها هستند که در وسعت و پریشانی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از خطاهای مردم درمی گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

در آیه ای دیگر می فرماید:

وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (نور: ۲۲)

باید عفو کنید و لغزش هایی دیگران را نادیده بگیرید. آیا دوست نمی دارید خدا شما را ببخشد؟ و خداوند غفور و رحیم است.

در حدیثی از رسول رحمت صلی الله علیه و آله نیز می خوانیم:

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا الْعَفْوَ عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزُّكُمْ اللَّهُ. (۱)

عفو و بخشش را شیوه خود قرار دهید؛ زیرا بخشش و گذشت جز به عزت انسان نمی افزاید. پس نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشید تا خدا شما را عزیز کند.

در کلامی دیگر می فرماید: «مُرُّوْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمْنَا؛ جوانمردی ما خاندان اهل بیت، عفو و گذشت نسبت به کسانی است که بر ما ستم کرده اند و بخشش به کسانی است که از ما دریغ داشته اند». (۲)

بنابراین، انسان باید از خطاهای دیگران چشم پوشد و اگر کسی از او عذرخواهی کرد، عذر وی را بپذیرد و سرزنش نکند.

وفای به عهد

وفای به عهد

در آموزه های قرآنی و روایی، بر پابندی به عهد و پیمان بسیار تأکید و سفارش شده است. خداوند وفای به عهد را از ویژگی های افراد باایمان می داند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ [مؤمنان] آنها هستند که

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲- تحف العقول، ص ۲۷.

امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند.» (مؤمنون: ۸) و در آیه ای دیگر می‌خوانیم: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود!» (اسراء: ۳۴)

در روایات اسلامی نیز به پایبندی به پیمان بسیار توجه و تأکید شده است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعِدَ؛ آن کس که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده خود وفا کند.» (۱) امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «إِنَّ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ مِنْ عِلْمَاتِ أَهْلِ الدِّينِ؛ وفای به عهد از نشانه‌های مردم متدین است.» (۲) امام صادق (ع) نیز در حدیثی وفای به عهد را از حقوق ایمانی می‌شمارد و می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْتُهُ وَدَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَغُشُّهُ وَلَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيَخْلِفُهَا. (۳)

مؤمن برادر مؤمن و مانند چشم و راهنمای اوست، به او خیانت نمی‌کند و ستم روا نمی‌دارد و او را فریب نمی‌دهد و به او وعده‌ای نمی‌دهد که تخلف کند.

پایبندی به تعهدات، از مهم‌ترین اصول استحکام نظام اجتماعی است. به دلیل این تأثیر حیاتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفاکنندگان به عهد و پیمان را همسایه خود در بهشت می‌شمارد و می‌فرماید:

أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ. (۴)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۷۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۴- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۴.

نزدیک‌ترین افراد به من در روز قیامت، کسانی هستند که در سخن، راست‌گوتر، در ادای امانت کوشاتر و در عهد و پیمان از یکدیگر باوفاتر باشند.

بنابراین، نباید به چیزی که توان انجام آن را نداریم وعده دهیم، همان‌گونه که امام علی (ع) توصیه فرموده است: «لَا تَعِدَنَّ عِدَّةَ لَا تَتَّقُ مِنْ نَفْسِكَ بِإِنْجَازِهَا؛ چیزی را که یقین به وفای آن نداری، وعده مده». (۱)

احسان و نوع دوستی

احسان و نوع دوستی

خداوند متعال در اموال ثروتمندان، حقوقی مانند خمس و زکات و دیگر حقوق واجب شرعی را برای کمک به نیازمندان قرار داده و فرموده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ در اموال آنها حقی برای سائل و محروم مقرر شده است.» (ذاریات: ۱۹) و در آیه ای دیگر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و آنها که در اموالشان برای سائلان و محرومان حق معلومی است.» (معارج: ۲۴ و ۲۵) از این رو، ثروتمندان وظیفه دارند به افراد مستمند و آبرومند کمک کنند. در آیه ای از قرآن در وصف این افراد آمده است:

يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا. (بقره: ۲۷۳)

از شدت خویشتن‌داری و عفت، افراد نادان آنها را بی‌نیاز می‌پندارند، اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی. اینان هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند.

در روایات اسلامی نیز درباره رسیدگی به هموعان تأکید فراوان شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ما آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ جَانِعٌ قَالَ وَ مَا مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ بَيْتٌ فِيهِمْ جَانِعٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

به من ایمان نیاورده است کسی که با شکم سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد و در شهر و آبادی که یک نفر گرسنه بخوابد، خداوند در روز قیامت به آنها نظر لطف نخواهد کرد.

امام علی (ع) نیز می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيَانِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ. (۲)

خداوند سبحان غذا و نیاز نیازمندان را در اموال ثروتمندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به واسطه اینکه ثروتمندان از حق آنها بهره مند شده اند و خداوند آنها را به خاطر این عمل مؤاخذه خواهد کرد.

پیشی گرفتن در سلام

پیشی گرفتن در سلام

سلام کردن از نشانه های تواضع است، چنان که امام حسن عسکری (ع) می فرماید: «مِنَ التَّوَضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ؛ نشانه تواضع این است که به هر کس بگذری، بر او سلام کنی.» (۳) این سنت چنان اهمیت دارد که خداوند در قرآن مجید در موارد متعددی با صراحت به آن تأکید کرده است، برای مثال فرموده:

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا. (نساء: ۸۶)

هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، با کیفیت بهتر یا همان گونه آن را پاسخ گوید که خداوند حساب همه چیز را دارد.

۱- الوافی، ج ۱، ص ۹۶.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، حکمت ۳۲۸.

۳- تحف العقول، ص ۳۶۶.

در آیه ای دیگر می خوانیم: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ؛ هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشتن سلام کنید؛ سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلام و تحیتی بابرکت و پاکیزه.» (نور: ۶۱)؛ یعنی حتی اگر کسی در خانه نبود، از جانب خدا به خودتان سلام بگویید و این دلیل بر اهمیت سلام کردن است.

سلام کردن پاداش فراوانی دارد، چنان که رسول گرامی اسلام می فرماید:

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ. (۱)

در بهشت خانه‌هایی وجود دارد که بیرون آن از درون و درون آن از بیرون دیده می‌شود. در این خانه‌ها کسانی از امت من سکونت خواند کرد که سخن خوب بگویند و مردم را اطعام کنند و آشکارا سلام کنند و هنگامی که مردم در خواب هستند، به نماز (نماز شب) برخیزند.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «الْبَادِي بِالسَّلَامِ أَوْلَىٰ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ؛ کسی که اول سلام می‌کند، از نظر قرب و جایگاه به خدا و پیامبر نزدیک‌تر است.» (۲) امام صادق (ع) درباره اینکه چه کسی آغاز سلام کند نیز می‌فرماید: «يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ وَ الْمَارُّ عَلَى الْقَاعِدِ وَ الْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ؛ ادب این است که کوچک ترها بر بزرگ ترها و رهگذران بر ایستادگان و گروه اندک بر گروه بیشتر در سلام گفتن پیشی گیرند.» (۳)

ادب

ادب

ادب، نیک رفتاری در برابر خالق و معاشرت نیکو با مخلوق و برگزیدن خوبی‌ها و دوری از زشتی‌هاست. ادب در فرهنگ اهل بیت (ع) جایگاه

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۶.

والایی دارد. امام صادق(ع) ادب را میراثی جاودان برای فرزندان می‌داند و می‌فرماید:

إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَالْأَدَبُ يَبْقَى. (۱)

بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند ادب است نه مال؛ زیرا مال از بین می‌رود و ادب باقی می‌ماند.

هیچ همدم و همراهی مانند ادب نیست، چنان که امام علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید:

يَا بُنَيَّ! أَحْرَزْ حَظَّكَ مِنَ الْأَدَبِ وَفَرِّغْ لَهُ قَلْبَكَ فَإِنَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ تُخَالِطَهُ دَنَسٌ وَاعْلَمْ أَنَّكَ إِنْ أَعُوذْتَ غَنَيْتَ بِهِ وَإِنْ اغْتَرَبْتَ كَانَتْ لَكَ الصَّاحِبُ الَّذِي لَا وَحْشَةَ مَعَهُ. (۲)

پسر! بهره‌ات را از ادب غنیمت بدار و قلب خود را برای آن آزاد گردان؛ زیرا [مقام] قلب بالا-تر از این است که آن را به آلودگی بیامیزی و بدان که اگر کمبودی داشته باشی، با ادب بی‌نیاز می‌شوی و اگر غریب و تنها باشی، ادب دوست و همراه تو خواهد بود که با وجود آن وحشتی نخواهد بود.

ادب در منطق امام حسین(ع) نیز تعریف زیبایی دارد. نقل است از ایشان پرسیدند: ادب چیست؟ حضرت فرمود: «هُوَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِكَ فَلَا تَلْقَى أَحَدًا إِلَّا رَأَتْ لَهُ الْفَضْلَ عَلَيْكَ؛ ادب آن است که از خانه خود که بیرون می‌روی، با هیچ کس برخورد نکنی جز آنکه او را برتر و بهتر از خود ببینی.» (۳) بهترین نوع ادب نیز از منظر امام علی(ع) این گونه بیان شده است: «أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ

۱- اصول کافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

۲- اعلام الدین، ص ۸۴.

۳- موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۷۵۰.

الْإِنْسَانُ عِنْدَ خَلْقِهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ؛ برترین ادب این است که انسان در حد و مرز خود بایستد و از اندازه خویش تجاوز نکند» (۱).

مهرورزی و همدردی

مهرورزی و همدردی

مکتب همه انبیای الهی از آدم تا خاتم، بر محور و پایه محبت بنا شده و پیشوایان بزرگ نیز برای اینکه مردم با شیرینی محبت، زندگی و جامعه خود را پر از محبت و عشق و علاقه کنند و از برکات این صفت الهی و نعمت بزرگ خدادادی بهره‌مند شوند، آنان را به محبت و مهرورزی فراخوانده‌اند. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ تو را جز اینکه مایه رحمت جهانیان باشی، نفرستادیم.» (انبیاء: ۱۰۷) و در آیه ای دیگر آمده است: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ ناراحتی‌های شما بر او گران و به هدایت شما بسیار علاقه‌مند و در برابر مؤمنان رئوف و مهربان است.» (توبه: ۱۲۸) رسول رحمت نیز بهترین کارها را دوستی با مردم می‌داند و می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ؛ بهترین کارها پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم است.» (۲) ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید:

وَدُّ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ أَلَا - وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَابْتَعَصَ فِي اللَّهِ وَاعْتَصَمَ فِي اللَّهِ وَاعْتَصَمَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ. (۳)

دوستی مؤمن با مؤمن برای خدا، از بزرگ‌ترین شعبه‌های ایمان است. آگاه باشید! هر که دوستی‌اش برای خدا، دشمنی‌اش برای خدا، عطایش برای خدا و منعی برای خدا باشد، از برگزیدگان الهی است.

امام جعفر صادق (ع) نیز می‌فرماید:

۱- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۴۷.

۲- نهج الفصاحه، ص ۷۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاطِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى (عُضْوًا) تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ (جَسَدِهِ) بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى. (۱)

مؤمنان در نیکی، مهرورزی، دوستی و ملاحظت به همدیگر، همانند یک پیکرند که وقتی عضوی به درد آید و شکایت کند، اعضای دیگر با بی‌خوابی و تب با او هم صدا شوند و یکدیگر را فراخوانند.

بهترین دوستان

بهترین دوستان

بسیاری از انحراف‌های اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی از طریق دوستان ناهل، دامن گیر افراد می‌شود. در مقابل، داشتن دوست و هم‌نشین شایسته، نقشی عمده در سلامت رفتار انسان و مصونیت از دام‌ها و فریب‌های ناهلان دارد. از این رو، کنترل رفاقت دوستی‌ها و جایگزین کردن و معیارهای ارزشی به جای هوس‌های زودگذر و دوستی‌های بی‌اساس، لازم است. در قیامت نیز انسان‌های مجرم، کیفر دوستی‌های نابخردانه با جاهلان و فاسدان را تحمل می‌کنند و به شکایت از دوستان ناباب و عوامل گمراه‌کننده و حسرت و پشیمانی زبان می‌کشایند، اما فرصتی برای جبران نیست. از این رو، دقت عمل در گزینش دوست و تنظیم رفتارهای اجتماعی، ضامن سعادت اخلاقی انسان در دنیا و فرجام نیک در آخرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید:

هرگاه خدای تعالی اراده کند خیری نصیب بنده اش کند، دوست صالحی به او می‌دهد که اگر خدا را فراموش کرد، به یادش آورد و اگر خدا را یاد کرد تقویتش کند. (۲)

امام علی (ع) می‌فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۴.

۲- ترجمه اخلاق شبر، ص ۱۵۰.

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَجَذَبَكَ إِلَيْهِ وَآمَرَكَ بِالْبِرِّ وَأَعَانَكَ عَلَيْهِ. (۱)

برترین دوست و برادر تو کسی است که در کار خیر سبقت گیرد و تو را هم به سوی خیر بکشاند و تو را به نیکی فراخواند و یاری کند.

ایشان در سخنی دیگر می‌فرماید:

الإخوان في الله تعالى تدوم مودتهم لدوام سببها إخوان الدنيا تنقطع لسرعه انقطاع أسبابها. (۲)

دوستی کسانی که به خاطر خدا دوستند، ادامه می‌یابد؛ چون عامل آن دوستی، دائمی است. [ولی] دوستی برادرانی که به خاطر دنیا دوست شده‌اند، بریده می‌شود؛ زیرا عوامل آن دوستی‌ها زود از بین می‌رود.

رسول گرامی اسلام نیز می‌فرماید: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَّارِ إِنْ لَمْ يُعْطِكَ مِنْ عَطْرِهِ أَصَابِكَ مِنْ رِيحِهِ؛ هم نشین شایسته همانند عطر فروش است. اگر چیزی از عطرش به تو ندهد بوی عطرش به تو خواهد رسید.» (۳)

بهترین هم نشینان از نظر امام علی (ع) چنین بیان می‌شوند:

خَيْرُ مَنْ صَحِبْتَ مَنْ وَلَّهَكَ بِالْآخِرَى وَزَهَدَكَ فِي الدُّنْيَا وَأَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ الْمَوْلَى. (۴)

بهترین دوست تو کسی است که تو را شیفته آخرت و به دنیا بی‌رغبت کند و تو را در فرمان برداری از خدا یاری دهد.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ح ۱۷۹۵.

۳- کنز العمال، ج ۹، ح ۲۴۶۷۶.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۴۳۶.

نیکی به والدین

نیکی به والدین

گرچه هستی ما از خداست، اما سبب زندگی و وجود ما پدر و مادر است و ما شاخه‌ای از وجود این دو عزیز و میوه‌ای از بوستان محبت و تربیت و مهر و عاطفه بی نظیر پدر و مادریم. بنابراین، ادب و اخلاق ایجاب می‌کند آدمی پاسدار این دو گوهر گران بها باشد و در زمان حیات از نیکی و احسان به آنان و پس از مرگشان از دادن صدقه و خیرات برای آنها و یادکرد نیکو غفلت نکند. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «بُرِّ الوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ؛ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تکلیف الهی، نیکی به پدر و مادر است»^(۱).

احترام به پدر و مادر از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق(ع) می‌فرماید:

بُرِّ الوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبِيدِ بِاللهِ إِذْ لَا- عِبَادَةَ أَشَدَّ بُلُوغاً بِصَاحِبِهَا إِلَى رِضَى اللهِ مِنْ حُرْمَةِ الوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ لَوَجْهِ اللهِ تَعَالَى^(۲).

نیکی به پدر و مادر نشانه شناخت شایسته بنده خداست؛ زیرا هیچ عبادتی زودتر از رعایت حرمت پدر و مادر مسلمان به خاطر خدا، انسان را به رضایت خدا نمی‌رساند.

ارزش اطاعت از والدین چنان والا است که رسول مکرم اسلام نیز می‌فرماید: «الْعَبِيدُ الْمُطِيعُ لِوَالِدَيْهِ وَ لِرَبِّهِ فِي أَعْلَى عَلَيَيْنَ؛ بنده‌ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه است»^(۳). احترام به پدر و مادر سبب افزایش عمر و روزی می‌شود، چنان که رسول الله می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُمِدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَ أَنْ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَبِرْ وَالِدَيْهِ وَ لِيَصِلْ رَحْمَهُ؛ آن که دوست دارد عمرش طولانی و روزی اش زیاد شود، به پدر و مادرش نیکی کند و صله رحم به جا

۱- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۷.

۳- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۷.

آورد.» (۱) حتی نگاه کردن با مهر و محبت به پدر و مادر از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبادت شمرده می شود. ایشان می فرماید: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَّهُمَا عِبَادَةٌ؛ نگاه محبت آمیز فرزند به پدر و مادرش عبادت است.» (۲)

معاشرت نیکو

معاشرت نیکو

مکتب اسلام به علاقه، محبت و هم بستگی بین انسان‌ها اهمیت زیادی داده و کوشیده است بین آنان رابطه عاطفی محکمی برقرار کند و زندگی و برخورد آنها همراه با مهر و عطف باشد. برخورد خوب با انسان‌ها، نیکی به پدر و مادر، نیکی به فرزندان، برآوردن نیازهای مردم و یاری آنها، معاشرت نیکو با همسایگان، ضعیفان و بی سرپرستان و یتیمان از جمله معاشرت‌های مقبول است. امام علی (ع) درباره معاشرت اسلامی می فرماید:

اِذَا لَقَيْتُمْ اِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَ اَظْهَرُوا لَهُمُ الْبِشَاشَةَ وَ الْبُشْرَ تَتَفَرَّقُوا وَ مَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْاَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ. (۳)

وقتی برادرانتان را دیدار کردید، پس مصافحه کنید و به همدیگر دست بدهید و با روی خندان با آنان ملاقات کنید که وقتی از هم جدا شوید، همه گناهان شما آمرزیده است.

ارزش دیدار برادران آن قدر مهم است که امام صادق (ع) می فرماید:

مَنْ زَارَ اَخَاهُ فِي اللهِ قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ، اِيَّايْ زُرْتْ وَ ثَوَابِكْ عَلَيَّ وَ لَسْتُ اَرْضِي لَكَ ثَوَاباً دُونَ الْجَنَّةِ. (۴)

۱- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۳- خصال صدوق، ص ۶۳۳.

۴- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۵.

هر کس برای خدا از برادرش دیدار کند، خداوند عزوجل می‌فرماید: «مرا دیدار کرده‌ای و ثواب تو بر من است و به ثوابی جز بهشت برای تو راضی نمی‌شوم.»

رسول گرامی اسلام درباره رفت و آمد و معاشرت با والدین می‌فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُمَدَّ لَهُ فِي عُمَرِهِ وَيُسَبَّطَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ أَبَوَيْهِ فَإِنَّ صَلَاتَهُمَا طَاعَهُ اللَّهَ وَلْيَصِلْ ذَارِحِمَهُ. (۱)

هر کس دوست دارد عمرش افزون و روزی اش فراوان باشد، به پدر و مادرش احسان کند. این کار او اطاعت خداست و همین طور با خویشان خود صله رحم به جا آورد.

امام صادق(ع) درباره نحوه رفتار با فرزندان نیز در رهنمودی می‌فرماید: «اغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ؛ عدالت را بین فرزندانتان مراعات کنید، همان طور که دوست دارید آنها در نیکی و اظهار مهربانی بین شما به عدالت رفتار کنند.» (۲)

کارگشایی

کارگشایی

دوری از فرهنگ اهل بیت(ع) مشکلات فراوانی برای مسلمانان ایجاد کرده است. یکی از این مشکلات بی توجهی و بی اعتنایی به نیازها، گرفتاری‌ها و رنج‌های برادران دینی است. این بی‌اعتنایی، خودخواهی را افزون‌تر می‌کند و از معنویت آدمی می‌کاهد. پیامبر گرامی اسلام در ارزش کارگشایی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا دَامَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ؛ تا زمانی که مؤمن در کمک به برادر مؤمن خود کوشا باشد، خدا نیز او را کمک

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۵.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲.

و یاری خواهد کرد.» (۱) امام موسی کاظم (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشِ تَطْعُ أَنْ يَصِلْنَا فَلْيَصِلْ فَقَرَاءَ شِيعَتِنَا؛ کسی که قدرت ندارد به ما صله نماید به شیعیان نیازمند ما رسیدگی کند.» (۲) امام محمدباقر (ع) نیز کارگشایی را از ویژگی های شیعه می‌شمارد. نقل است روزی عده ای از اصحاب امام باقر (ع) به ایشان عرض کردند: شیعه در جامعه ما زیاد است. امام فرمود: آیا بی‌نیاز نسبت به نیازمند عطف و مهربانی می‌کند و آیا نیکوکار از خطاکار می‌گذرد و در مسائل مالی به همدیگر کمک می‌کنند؟ اصحاب گفتند: خیر. حضرت فرمود: پس اینها شیعه نیستند؛ چون شیعه کسی است که این طور عمل کند. (۳)

البته اگر مؤمنان نسبت به هم مهربان باشند، خداوند نیز به آنها نظر لطف خواهد کرد، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ يَفِضُّهُ بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ فَيَقْضِي اللَّهُ لَهُمْ حَاجَتَهُمْ؛ مؤمنان با یکدیگر برادرند و نیازهای همدیگر را برآورده می‌کنند و خداوند هم نیاز آنها را برطرف می‌کند.» (۴)

خوش گمانی

خوش گمانی

اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم‌فرما باشد و نه تنها مردم در عمل با یکدیگر بدرفتاری و خشونت نکنند، بلکه از نظر اندیشه و فکر نیز در امان باشند. پیامبر اکرم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ عَرِضَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ الشُّوْءُ؛ خداوند خون و مال و آبروی مسلمان

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۶.

۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳.

۴- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۶.

و همچنین گمان بد درباره او بردن را بر دیگران حرام کرده است. (۱) گمان بد نه تنها به جایگاه طرف مقابل لطمه می‌زند، بلکه برای صاحب آن نیز بلایی بزرگ است؛ زیرا سبب می‌شود از همکاری با مردم و تعاون اجتماعی کناره‌گیری کند. در حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) آمده: «مَنْ لَمْ يَحْسُنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛ کسی که گمان بد داشته باشد، از همه می‌ترسد و وحشت دارد». (۲)

چیزی که زندگی انسان را از حیوانات جدا می‌کند و به آن رونق و حرکت و تکامل می‌بخشد، روح تعاون و همکاری دسته‌جمعی است و این در صورتی امکان‌پذیر است که اعتماد و خوش‌بینی بر مردم حاکم باشد، درحالی که سوءظن پایه‌های این اعتماد را در هم می‌کوبد، پیوندهای تعاون را از بین می‌برد و روح اجتماعی را تضعیف می‌کند. افراد بدبین از همه چیز می‌ترسند و از همه کس وحشت دارند و نگرانی جان‌گاهی همواره بر روح آنها مستولی است، نه می‌توانند یار و مونس غم‌خوار پیدا کنند و نه شریک و همکاری برای فعالیت‌های اجتماعی و نه یار و یآوری برای روز درماندگی.

گمان خوب نسبت به مردم، از مهم‌ترین اصول زندگی اجتماعی است که نادیده گرفتن آن نتیجه‌ای جز هرج و مرج اجتماعی و از بین رفتن روابط انسانی و پیوندهای عاطفی نخواهد داشت. در روایتی از رسول خدا می‌خوانیم:

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۶۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۹۷.

ثلاثٌ في المؤمن لا يستحسن، و له فهن مخرج فمخرجه من سوء الظن ان لا يحقق. (۱)

سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست و راه فرار دارد، یکی از آنها سوءظن است که راه فرارش این است که به آن جامه عمل نپوشاند.

مهمان‌نوازی

مهمان‌نوازی

اسلام اهمیت ویژه ای به مهمان داده است. در آموزه‌های دینی و روایی می‌خوانیم: «الضَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ؛ مهمان، راهنمای راه بهشت است.» (۲) اهمیت احترام به مهمان به حدی است که از آن به عنوان هدیه ای الهی و آسمانی تعبیر شده است. نقل است روزی رسول الله فرمود: «هنگامی که خداوند اراده کند به جمعیتی نیکی کند، هدیه گران بهایی برای آنها می‌فرستد». عرض کردند: ای پیامبر خدا! چه هدیه‌ای؟ حضرت فرمود: «مهمان، با روزی خویش وارد می‌شود و گناهان خانواده را با خود می‌برد.» (۳) البته با تمام اهمیتی که مهمان دارد، پذیرایی‌های پرتکلف و پرزرق و برق هرگز از نظر اسلام پسندیده نیست. امام صادق (ع) می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ لَا يَحْتَشِمُ مِنْ أَحِيهِ وَ مَا أَدْرَى أَيُّهُمَا أَعْجَبُ؟ الَّذِي يُكَلِّفُ أَخَاهُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَكَلَّفَ لَهُ؟ أَوْ الْمُتَكَلِّفُ لِأَحِيهِ؟ (۴)

مؤمن با برادر مؤمن خود رودرواسی ندارد و من نمی‌دانم کار کدام یک از این دو عجیب‌تر است؟ کسی که به هنگام ورود، برادر

۱- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۲۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶۰.

۳- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶۰.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳.

خود را به تکلف می‌افکند یا کسی که به خاطر برادر خود، خویشتن را به تکلف می‌اندازد!

سلمان فارسی از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که فرمود: «أَنْ لَا تَتَكَلَّفَ لِلضَّيْفِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا وَ أَنْ نُقَدِّمُ إِلَيْهِ مَا حَضَرَنا؛ برای مهمان نسبت به آنچه نداریم، تکلف نکنیم و آنچه موجود است، از او مضایقه نکنیم.» (۱) اسلام به گرامی داشتن مهمان سفارش می‌کند، آن گونه که می‌گویید هنگامی که مهمان وارد می‌شود، به او کمک کنید، اما برای بیرون رفتن از خانه تان به او کمک نکنید. مبدا تصور شود مایل به رفتن او هستید. (۲) امیر مؤمنان علی (ع) از قول رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ حَقَّ الضَّيْفِ أَنْ تَمِثِّيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ؛ از حقوق مهمان آن است که او را تا در خانه بدرقه کنی.» (۳)

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر

افزون بر آیات قرآنی، احادیث زیادی درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر وارد شده است. در این آموزه‌ها، به خطرهای و پیامدهایی که بر اثر ترک این دو وظیفه به وجود می‌آید، اشاره شده است. امام محمدباقر (ع) می‌فرماید:

۱- محجه البيضاء، ج ۳، ص ۲۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۵.

۳- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۱.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَيِّدَاهِبُ وَ تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ. (۱)

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آنها بر پا می‌شود و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه کارها روبه راه می‌گردد.

جایگاه آمرین به معروف و ناهیان از منکر نزد خداوند والاست، چنان که رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ. (۲)

کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست.

این همه سفارش به خاطر آن است که این دو وظیفه بزرگ، درحقیقت ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آنها محسوب می‌شود و با تعطیل کردن آنها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهند داد. امام علی (ع) می‌فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

۲- یک صد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، ص ۲۷۱، به نقل از: مجمع البیان، آیات ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره آل عمران.

وما أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي. (۱)

تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون آب دهان است در برابر دریای پهناور.

تارک این دو فریضه نیز نکوهش شده است، چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

أَمَّا إِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْخُلُونَ مَدَاخِلَهُمْ وَ لَا يَجْلِسُونَ مَجَالِسَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا إِذَا لَقَوْهُمْ ضَحِكُوا فِي وُجُوهِهِمْ وَأَنْسُوا بِهِمْ. (۲)

این دسته [که خداوند آنها را نکوهش کرده است]، هرگز در کارها و مجالس گناهکاران شرکت نداشتند، بلکه فقط هنگامی که آنها را می‌دیدند، به آنان می‌خندیدند و با آنها [مهربان و] مأنوس بودند.

دوری از تعصب

دوری از تعصب

هر انسانی به سرزمین، قبیله و نژاد خود عشق می‌ورزد و این پیوند و علاقه نه تنها عیب نیست، بلکه می‌تواند عامل سازنده‌ای برای همکاری‌های اجتماعی باشد. آنچه در این زمینه مهم است، زیاده روی نکردن در علاقه به قوم، خانواده و نژاد است که زمینه تعصب را فراهم می‌کند. زیاده روی در دفاع از قوم، قبیله، نژاد و وطن سرچشمه بسیاری از جنگ‌ها در طول تاریخ بوده و گاه کار به جایی می‌رسد که بدترین

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷۴.

۲- تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۶۶۱.

افراد قبیله اش در نظر او گرامی و بهترین افراد قبیله دیگر، در نظرش ناهل است. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش چنین صفتی می فرماید:

مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ. (۱)

کسی که در قلبش به اندازه دانه خردلی عصیت باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می کند.

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ کسی که تعصب به خرج دهد یا برای او تعصب داشته باشند، پیوند ایمان را از گردن خویش برداشته است.» (۲) امام سجاد (ع) نیز در تعیین مرز تعصب ورزی فرمود:

الْعَصِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُّ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شَرَّارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمِ آخِرِينَ وَ لَيْسَ مِنَ الْعَصِيَّةِ أَنْ يُحِبَّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ وَلَكِنْ مِنَ الْعَصِيَّةِ أَنْ يُعَيِّنَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ. (۳)

تعصبی که انسان به خاطر آن گناهکار می شود، این است که اشرار قومش را بهتر از نیکان قوم دیگر بداند، اما اینکه انسان قوم و قبیله خویش را دوست دارد، عصیت نیست. عصیت آن است که انسان قوم و قبیله خود را در ستمگری یاری دهد. (۴)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴- محجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۲۶۹.

بهترین راه مبارزه با این خوی زشت و راه نجات از این مهلکه بزرگ، کوشش برای بالا بردن سطح فرهنگ و فکر و ایمان مردم جامعه است.

دوری از تهمت

دوری از تهمت

آشکار ساختن عیب های پنهانی به هر قصد و نیتی، گناه بزرگی است. همچنین، بیان عیب های آشکار اگر به قصد نکوهش باشد، عمل ناشایست و گناه است. البته این حکم برای زمانی است که فرد این ویژگی ها را داشته باشد و اگر آن صفت در فرد نباشد، گناه آن بسیار سنگین تر است و تهمت خواهد بود.

خداوند در قرآن مجید از بهتان و تهمت، به گناه آشکار تعبیر می کند و می فرماید:

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. (احزاب: ۵۸)

و آنها که مردان و زنان باایمان را بدون تقصیر و گناه آزار می دهند، متحمل بهتان و گناه آشکاری شده اند.

و در کلامی دیگر می فرماید:

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. (نساء: ۱۱۲)

هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد، بی شک بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است.

کسانی که به افراد پاک دامن تهمت می‌زنند، ایمان ندارند. امام صادق(ع) در این باره فرمود:

إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنَ أَخَاهُ انَّمَا الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ. (۱)

کسی که برادر مسلمان خود را متهم کند ایمان در دل او ذوب می‌شود، همان گونه که نمک در آب ذوب می‌شود.

شخصی که تهمت می‌زند، چندین گناه مرتکب می‌شود؛ از طرفی وقتی نسبت ناروایی به دیگری می‌دهد، دروغ می‌گوید و از طرفی غیبت می‌کند؛ زیرا او را به چیزی که کراهت دارد و راضی نیست، متّصف می‌کند و از طرف دیگر با متهم کردن انسانی پاک و بی‌گناهی، آبروی وی را می‌برد.

تهمت همانند تیری است که به محض خوردن به هدف، آن را متلاشی می‌کند و شخصیت و آبروی متهم را بر باد می‌دهد و قلب او را برای همیشه جریحه‌دار می‌سازد. بنابراین، شخصی که مرتکب تهمت می‌شود، بار سنگینی از گناه بر دوش گرفته و عذاب دردناکی در انتظار اوست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِيهِ. (۲)

کسی که به مرد یا زن باایمان بهتان بزند یا درباره او چیزی بگوید که در او نیست، خداوند در روز قیامت او را بر تلی از آتش قرار می‌دهد تا از مسئولیت آنچه گفته است، بیرون آید.

۱- محجه البيضاء، ج ۲، ص ۳۶۱

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۴.

امام صادق(ع) می فرماید:

الْغَيْبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَّا الْأَمْرُ الظَّاهِرُ فِيهِ مِثْلُ الْحَدِّهِ وَ الْعَجَلِهِ فَلَا وَ الْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ مَا لَيْسَ فِيهِ. (۱)

غیبت آن است که درباره برادر مسلمان چیزی بگویی که خداوند پنهان داشته و اما بیان صفتی که ظاهر است، مانند تندخویی و عجله، غیبت به شمار نمی رود. بهتان نیز؛ یعنی صفتی را به شخصی نسبت دهی که در او وجود ندارد.

بار شرمندگی و گناه تهمت زدن به یک بی گناه، از کوه هم سنگین تر و با روح ایمان ناسازگار است.

در حقیقت، رواج این کار ناشایست در یک محیط، سبب به هم ریختن نظام و عدالت اجتماعی و آلوده شدن حق به باطل، گرفتار شدن بی گناه و تبرئه گنهکار و از میان رفتن اعتماد عمومی می شود.

حفظ زبان

حفظ زبان

در زمینه مسئولیت زبان، روایت های بسیاری بیان شده که حاکی از اهمیت فراوان نقش زبان و اصلاح آن است در روایتی آمده است:

هرگز پیامبر بر منبرش ننشست، مگر اینکه این آیه را تلاوت کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق و درست

بگویند!» (۱) در حدیثی دیگر از آن حضرت آمده است که خداوند متعال به فرزندان آدم می فرماید:

يَا بَنَ آدَمَ! إِنَّ نَازِعِيكَ لِسَانُكَ فِيمَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ فَقَدْ أَعْتَتِكَ عَلَيْهِ بِطَبَقَتَيْنِ فَأَطِيقِ وَإِنْ نَازَعَكَ بَصِيرُكَ إِلَى بَعْضِ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ فَقَدْ أَعْتَتِكَ عَلَيْهِ بِطَبَقَتَيْنِ فَأَطِيقِ... (۲)

ای فرزند آدم! اگر زبانت تو را به حرام وادار کند، من دو لب را برای جلوگیری از آن در اختیار تو قرار داده ام؛ لب را فرو بپند و اگر چشمت بخواهد تو را به سوی حرام ببرد، من پلک ها را در اختیار تو قرار داده ام؛ آنها را فرو بند.

بنابراین، تا ضرورتی به سخن گفتن نباشد، نباید سخن گفت. عمل به این توصیه امام صادق (ع) نیز سازنده است که می فرماید: «السُّكُوتُ رَاحَةٌ لِلْعَقْلِ؛ سکوت، مایه آرامش فکر است.» (۳) در روایتی از علی بن موسی الرضا (ع) آمده است:

مِنْ عَلَامَاتِ الْفِقْهِ: الْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ. (۴)

از نشانه های فهم و عقل، آگاهی و بردباری و سکوت است. سکوت، دری از درهای حکمت است.

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۷۶.

۲- نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۸۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۳۲.

۴- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۳۲.

علمای اخلاق می گویند زبان، پربرکت ترین عضو بدن و مؤثرترین وسیله طاعت و هدایت و اصلاح است و در عین حال، خطرناک ترین و پرگناه ترین عضو بدن به شمار می آید، تا آنجا که حدود سی گناه از همین عضو کوچک صادر می شود. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده:

لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ. (۱)

ایمان هیچ بنده ای از بندگان خدا به راستی نمی گراید، مگر اینکه قلبش مستقیم شود و قلبش مستقیم نمی شود، مگر اینکه زبانش درست شود.

کتاب نامه

کتاب نامه

- نهج البلاغه، ترجمه: ملا محسن فیض الاسلام، تهران، انتشارات زرین، بی تا.
- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، قم، منشورات دار الهجره، ۱۳۹۵ هـ.ق.
۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی جا، منشورات المكتبة الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ.ق.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، کنز العمال، بیروت، منشورات دارالفکر، بی تا.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۱۳ هـ.ق.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.
۵. تمیمی الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۶. تمیمی مغربی، ابی حنیفه النعمان، دعائم الاسلام، قاهره، منشورات دارالمعارف، ۱۳۸۳ هـ.ق.

۷. حائری تهرانی، مهدی و سید شبر، عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی، ترجمه: حسین بهجو و علی مشتاق عسکری، تهران، بنیاد فرهنگ امام المهدی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۹. حرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ هـ. ق.
۱۰. شبر، سید عبدالله، اخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بغداد، منشورات دارالکتب العراقیه، ۱۳۷۷ هـ. ق.
۱۲. شریفی، محمود، فروغ حدیث، قم، نگارش، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۱۳. صدوق، (ابن بابویه) محمد بن علی بن حسین، امالی، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ. ق.
۱۴. _____، خصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۵. _____، من لا یحضره الفقیه، تهران، منشورات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ هـ. ق.
۱۷. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکاه الانوار، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۱۸. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، منشورات دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ هـ. ق.

١٩. _____، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، منشورات دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٤ هـ. ق.

٢٠. طبرسى، رضى الدين ابوالفضل على بن ابى نصر، مشكاه الانوار فى غررالاجبار، بيروت، مؤسسه النور للمطبوعات، الطبعه الثانيه، بى تا.

٢١. طبرسى، رضى الدين حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، قم، انتشارات شريف رضى، ١٤١٢ هـ. ق.

٢٢. _____، مكارم الاخلاق، بيروت، منشورات مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٢ هـ. ق.

٢٣. غزالى، محمد بن محمد، احياء علوم الدين، استانبول، منشورات دار الدعوه، ١٩٨٥ م.

٢٤. فرجى، مجتبى، زندگى در آيينه اعتدال، قم، بوستان كتاب، چاپ اول، ١٣٨٠.

٢٥. فيض كاشانى، ملامحسن، كتاب الوافى، قم، منشورات مكتبه آيت الله العظمى المرعى النجفى، ١٤٠٤ هـ. ق.

٢٦. قمى، شيخ عباس، سفينه البحار، تهران، انتشارات فراهانى، بى تا.

٢٧. كلينى رازى، ابى جعفر محمد بن يعقوب، اصول كافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥.

٢٨. _____، اصول كافى، تهران، منشورات دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ هـ. ق.

٢٩. _____، الفروع من الكافى، تهران، منشورات دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩١ هـ. ق.

٣٠. محبج البيضاء، تهران، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ چهارم، ١٤١٧ هـ. ق.

۳۱. محدث، سید جلال الدین، فهرست موضوعی غررالحکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۳۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، یک صد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، تدوین: سید حسین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

۳۴. منذری، زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب و الترهیب، بیروت، منشورات دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۸ هـ. ق.

۳۵. موسوی خراسانی، سید حسن، نغمه های عقل و عاطفه، قم، داراهل البیت(ع)، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳۶. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

۳۷. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، منشورات جامعه نجف الدینی، ۱۳۸۳ هـ. ق.

۳۸. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، ۱۴۰۸ هـ. ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

